



صدر ما

هوشی مین

www.iran-archive.com

سازمان انقلابیون کمونیست (م-ل)



## مقدمه

در تاریخ خونین و پرتلاطم جنبش کارگری بین المللی، رهبران و تئوریسین های کبیری با بعرضه وجود نهاده اند که طبقه کارگر و کمونیستهای جهان، نام آنها را بسر پرچم سخن خود حک کرده اند. آنان با اختصاص زندگی و اندیشه خود در راه آرمان طبقه کارگر، همه زحمتمندان جهان، در راه بنای جهان نوین کمونیستی، نقش خویش را به مثابه پیشوایان برگزیده، طبقه کارگر انجام داده و بسیاری نیز در این راه جان خود را فدا نمودند. اینان چکیده های ده ها سال نبرد های آزاد بخش و جنبش بین المللی پرولتری، عصاره و فشرده و محصول نبرد طبقاتی و جمع بندی مجسم مبارزاتند. بدیهست شخصیت ها تاریخ را بنا نمی کنند. اما این شخصیت ها حاصل جنبش طبقات مستمکن در نبرد نهاییان برای آزادی بوده و خود بیانگر رشد مبارزه طبقاتی و حاصل مرحله ای از تکامل آن بوده و از اینرو نقش آنان در حرکت تاریخ و سازماندهی نیروهای طبقاتی پیوسته پرولتاریا و خلقهای مستمکن در مبارزات انقلابی غیر قابل انکار و رنجی در مراحل تعیین کننده است. موجودیت آنان بمنزله بخشی از عامل نهی، و بخت مهم آن، از شرایط ضروری تحقق انقلاب بشمار می رود.

رفیق هوشی مین، انقلابی کبیر، رهبر پیگیر و خستگی ناپذیر، پیشرو و بنیان گذار جنبش کمونیستی در سراسر هندوچین، رهبر عالیقدر، و جسور زحمتمندان ویتنام از زمره این چهره های جاودانه است. رفیق هوشی مین تمام زندگی و اندیشه خود را در راه آرمان طبقه کارگر و زحمتمندان ویتنام و سراسر هندوچین و بالطبع سراسر جهان به کار بست و بیش از نیم قرن از حیات خویش را وقف جنبش کمونیستی نمود. آزادی ویتنام با نام و اندیشه رفیق هوشی مین عجین گردیده و چهره والای انقلابی وی اینک در سراسر کیتی چون سمبل استقلال طلعی و دموکراسی پرتوانند است.

وی در دوران مبارزات حزب کمونیست لائوکوی فرانسه بر علیه اپورتونیستهای انترنات-سیونال دوم، در این کشور با اندیشه های مارکسیستی آشنا گردید و سپس با اعتماد به آینده کمونیسم یگانه راه رهائی ملت ویتنام بشمار می رود، قدم در راه بسیج خلق ویتنام نهاد.

در سال ۱۹۳۰ با تفاق دیگر کمونیستهای هندوچین، حزب کمونیست هندوچین را بنیان نهاد و سپس حزبه زحمتمندان ویتنام و سرانجام جبهه آزاد بخش ملی را یابی پس از دیگری در دوران های مختلف تاسیس و هدایت نمود.

رفیق هوشی مین، مارکسیسم لنینیسم اندیشه مائوتسه دون را امیخت و آنرا به سه شرایط جامعه نیمه فئودالی - مستعمره ویتنام تلفیق داده و بدینسان، با بسیج ناسرگشان و دهقانان آن سامان بگرد حزب زحمتمندان ویتنام و ایجاد جبهه متحد با تکیه نیروهای انقلابی و آزادخواه، از طریق گسترش مبارزه مسلحانه در نواحی روستایی، تمام کشور را بر علیه فئودالهای زانو صفت ویتنام که ابتدا مین خود را به امپریالیستهای فرانسوی و ژاپنی فروختند و سپس به تباری و کاسه نسی امپریالیسم امریکایی پرداختند، بسیج نمود و با تکیه بر مبارزه انقلابی تا باخر، سر بلند و پرافتخار خلق خود را تا آستانه پیروزی رهبری نمود و نباله آنرا به ادامه دهندگان راه خود واگذار ساخت.

هوشی مین هم چنین مبارزی خستگی ناپذیر بر علیه دسایس و جریانات ضد انقلابی و ضد حزبی بود. در طول حیات خویش مبارزه ای قاطع بر علیه اپورتونیستهای بین الملل دوم، جاسوسان تروتسکیستی، و ریزیونیسم و اپورتونیسم را سازمان داده و بدین سان حزب زحمتمندان ویتنام را بدور مارکسیسم - لنینیسم انقلابی متحد ساخت و به یک تمثیلات لنینیستی مبدل نمود.

هوشی مین، درست در هنگامیکه ریزیونیستهای معاصر بسرگردی خروچف و شر-کا اراجیف ضد انقلابی خود را پیرامون "راه تکامل مسالمت آمیز انقلاب"، "سوسیالیسم بدون توسل به اسلحه" و "تلاش در حل مسالمت آمیز اختلافات"، در اقصی نقاط جهان بوسیله جیره خواران خود پخش می کنند، با هدایت مبارزه مسلحانه خلق ویتنام و قاطعیت تا باخر بر علیه امپریالیستها، در عمل نشان داد که "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون مبیاید" و بدینوسیله علاوه بر محکمی بر پیگرغذاینهاهی نبالود ریزیونیستها وارد ساخت.

هوشی مین با هدایت مبارزه سخت ناپذیر خلق ویتنام بر علیه امپریالیستهای امریکا - شی، درس درخشان برای تمام خلقهای جهان که در راه آزادی و استقلال و دموکراسی می جنگند بیاد گذارد و بار دیگر نشان داد که "ملتی ضعیف و کوچک قادر است ملتسی قوی و بزرگ را شکست دهد". مردم کشور کوچک، اگر فقط جرات برای کردن مبارزه و جرات برداشتن اسلحه را بنمایند، مسلما قادر خواهند بود که تجاوز کشور بزرگ را در هم شکستند.

## فهرست مطالب

صفحه	
۷	فصل اول - مبین پرست جوان (۱۱۱۱ - ۱۸۱۰) .....
۱۱	فصل دوم - در جستجوی راهی انقلابی (۱۱۲۴ - ۱۱۱۱) .....
۲۴	فصل سوم - ایجاد حزب (۱۹۳۰ - ۱۹۲۴) .....
۳۱	فصل چهارم - نبرد غای اولیه (۱۹۳۹ - ۱۹۳۰) .....
۳۹	فصل پنجم - کسب مجدد استقلال (۱۹۴۵ - ۱۹۳۹) .....
۵۲	فصل ششم - اولین مقاومت (۱۶۵۴ - ۱۹۴۵) .....
	فصل هفتم - انقلاب سوسیالیستی و مبارزه جهت وحدت کشور
۱۱	فصل هشتم - مقاومت ملی در قبال تجاوزات امریکائیان (۱۹۶۵ - ۱۹۵۴) .....
۷۸	فصل نهم - خاطره عمو هو در قلوب ما جاودانی است (۱۹۶۵ - ۱۹۶۰) .....
۸۷	فصل نهم - خاطره عمو هو در قلوب ما جاودانی است .....

و سرنوشت کشور خویش را در دستهای خود گیرند . این است قانون تاریخ . " وید - یسان رفیق هوشی مین نه فقط سبیل استقلال و دموکراسی خلق خویش ، بلکه سبیل استقلال و دموکراسی و مبارزه آشتی ناپذیر ضد امپریالیستی برای تمام خلقهای جهان بود . یسران و دختران ویتنام خاطره "عمو هو" را چون چکیده انقلاب خود همواره بسه خاطر سبرده و سوگند یاد نموده اند تا بگویند بشیوه "عمو هو" عمل کنند . بگویند تا یک انقلابی پیگیر و یک کمونیست تمام عیار چون "عمو هو" باشند .

سندیدگان سراسر جهان این سخنان هوشی مین را جاودانه حفظ خواهند نکرد و بیاد خواهند داشت که هیچ چیزی کرانیهها تراز آزادی و استقلال نیست .

کمونیست های سراسر جهان نام پرافتخار هوشی مین را چون رهبری کبیر رجنیش کمونیستی بین المللی ، ثبت خواهند نمود و آموزش های ویرا بیساده خواهند داشت .

\* \* \*

ترجمه کتاب حاضر که توسط حزب زحمتکشان ویتنام برای بزرگان است صدر هوشی مین بطبع رسیده است ، تلاشی است تا نام رفیق هوشی مین را در جنبش کمونیستی ایران ، چون کمونیستی که همگان باید از او ، از زندگی ، از اندیشه اش ، از جسارت انقلاب - پیش و از ایمان راسخش بیاموزند ، آنگونه که شایسته است برجسته کنیم . این کتاب شامل زندگی و تجربیات رفیق هوشی مین از ۵۰ سال تلاش و رهبری در جنبش کمونیستی ویتنام و شامل درسهای است کرانیهها ، برای تمام پیوندگان آزادی ، استقلال و دموکراسی در ایران .

باشد تا با الهام گیری از انقلابیونی چون هوشی مین ، با قدم گذاشتن در راهی که رفیق هوشی مین جسورانه طی نمود ، به آرمان و اندیشه های مسا رکن ، انسگس ، لنسین ، استالیسین ، و مائوتسه دون در ایران جامعه عمل بپوشیم .

خاطره صدر هوشی مین ، انقلابی کبیر ، کمونیست تمام عیار و سبیل آزادی ، استقلال و دموکراسی خلق ویتنام برای همیشه در ما نقش بسته است .

سازمان انقلابیون کمونیست (م - س)

آذر ۱۳۵۲

## صدر ما هوشی مین

- جزوه حاضر ترجمه گزارش (نمیتد تحقیقی تاریخ حزب کار ویتنام است .
- هدف از انتشار آن ، در اختیار گذاشتن منابعی چند بمنظور مطالعه زندگی و آثار صدر محبوب ما ، هوشی مین است .
- و تنها سندی است که با بیوکرافی مفضلتری بخواننده عرضه می شود .

## صدر هوشی مین

زندگی و کار صدر هوشی مین به با شکوه ترین دوران تاریخ انقلاب ویتنام و نیز سخت ترین ایام انقلاب جهانی وابسته است.

صدر هوشی مین میهن پرستی واقعی بود که به عالی ترین حد یک رزمده گومینس نایل آمد. او در پرتو مارکسیسم-لنینیسم راه انقلاب مردم ویتنام را روشن و تمام حزب و مردم میهن مان را، چون تنی واحد، در مبارزات درخشانان راهنمائی کرد. و با شکوه ترین صفحات را در تاریخ کشور ما کشور و آنرا بسوی استقلال، آزادی و سوسیالیسم سوق داد. در وجود صدر هوشی مین نمونه های بارز استقلال، آزادی و کمونیسم خلاصه میسد؛ میهن پرستی پرشور، با خصائل انترناسیونالیسم پرولتری، وارث پاک ترین سنت ملت ویتنام و پیوند دهنده آنها با انقلابی ترین ایدئولوژی عصر ما یعنی مارکسیسم-لنینیسم. او موسس و رهبر حزب ما بود و آنرا تا سطح یک حزب انقلابی طبقه کارگر آیدیده نمود. جبهه متحد ملی، نیروهای مسلح خلق، جمهوری دموکراتیک توأمی را بوجود آورد و مساعسی حستکی ناپذیر خود را مصروف تحکیم هم بستگی بین المللی گرداند. توجه زیادی به تربیت و آموزش کارها و اعضاء حزب مبدول داشت و پیوسته به پرورش نسل انقلابی آینه سنده عمت گمانست. صدر هوشی مین بهر همراه کمیته مرکزی حزب، راهنمائی در انقلاب، انقلاب در مولراتیک خلق و انقلاب سوسیالیستی؛ در جنگ طولانی مقاومت علیه تجاوزات خارجیا؛ اولی بر ضد استعمارگران فرانسوی و کوشش بر علیه امپریالیسم امریکا؛ ساختمان سوسیالیسم در شمال، خدمت فعال به مبارزه مردم سایر نقاط جهان بخاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم، را بعهده داشتند.

صدر هوشی مین نمونه ای بارز یک انقلابی، با روحیه ای پرشور بود و در مبارزه پشنگاری حستکی ناپذیر داشت. خود را ناملاً وقف حزب، مردم و انقلاب کرده بود و با روحیه ای سلو از فدائاری و گذشت تمام زندگیش را در راه ازاد ساختن طبقه کارگر، ملت و همه انبیه پسر، برای نیل به آزادی، استقلال، سوسیالیسم و کمونیسم فدا نمود.

مارکس، انگلس، لنین و استالین آموزگاران مشترک انقلاب جهانیند. مائوتسه دون با مهارت ایدئولوژی مارکس، انگلس، لنین و استالین را بر شرایط چین انطباق داده، آنرا بدرستی با اوضاع واقعی انطباق داده و انقلاب چین را تا پیروزی کامل رهبری کرده است. انقلاب چین به دلیل وجود اوضاع و احوال جغرافیائی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی اثر عظیمی بر روی انقلاب ویتنام گذارده است. انقلاب ویتنام می بایست از انقلاب چین میاموخت و در واقع هم از تجربیات آن بسیار درس گرفته است. بشکرانه تجربیات انقلاب چین و اندیشه مائوتسه دون، ما ایدئولوژی مارکس، انگلس، لنین و استالین را بهتر فهمیدیم و در نتیجه موفقیتهای زیادی کسب نمودیم این را باید انقلابیون ویتنام بخاطر بسیرند و بخاطر آن سیاس گزار باشند.

## هوشی مین

از فضائل پسنندیده وی می توان وفاداری او را به حزب ، وفایندگیش در راه خلق و منافع آنها ، جدیت ، صرفه جوئی ، صداقت ، درستی ، فراغت کامل از خود ، صمیمیت ، تواضع و سادگی را نام برد . او نسبت به مردم زحمتکش عین فراوان میورید ، با توده ها در سنت نزدیک بود و به توانائی و قدرت خلافتانه آنها ایمان راسخ داشت . برای دودک بهتر از خدمات او به انقلاب و یادگیری از اندیشه ها ، خصائل و شیوه نارس بهتر آنست که زندگی و کارها را مورد بررسی قرار دهیم .

## فصل اول

### میهمن پرست جوان

( ۱۹۱۱ - ۱۸۹۰ )

صدر هوشی مین در ۱۶ ماهه سال ۱۸۹۰ در دهده هوانگ ترو ، موطن مادرش بدنیا آمد و در دهده کیم لین ، موطن پدرش ، ناحیه نامدان ، استان نه آن پیورده نند . در کودکی بنام نکوین نات تان خوانده میشد و سالها زندگی انقلابیتر را با نسام نکوین ای کوئک بسر برد .

در خانواده ای میهمن پرست و تحصیلدرده ، با اصل و نسب دغقانی تولد یافت . پدرش بنام نکوین مین هی و نام مستعار نکوین مین ساک ( ۱۹۲۱ - ۱۸۱۳ ) ، در طفولیت خانواده خود را از دست داد و بخاطر تأمین معاش خود و ادامه تحصیل مجبور بنار گردید . میان علاقه به تحصیل و استعدادش ، و نیز توجهات درسی هوانگ دان ، نه دحمر سر را به ازدواج او بر آورده بود ، توانست فو یان ( دختر در ادبیات ) بشود و زندگی ساده ای را بعنوان معلم آغاز نماید . نکوین در نهس اطفالش عین بنار و ادانش آنها بدرت " اخلاقیات انسانی " را تلقین می نمود . نحت فشار داتم مأمورین و مقامات درو لنی ، بالاخره پس از خاتمه تحصیلاتش با طرز برخوردی منفی و غیر همکارانه ، بعنوان مأمور رسمی دولت شروع بنار کرد و غالباً میبگفت " مأمورین دولت برده ای در میان بردگان هستند و بنا بر این درجه بردگیسان دو چندان است " بعد از مدتی این مرد میهمن پرست و سرافراز بخاطر امتناع از چاپلوسی بدو رثاه استعمارگران فرانسوی از شغلش بر کنار شد ، پس از آرد به نام بو رفته و به طبابت بسیموه سنتی پرداخت و نا آخر عرس زندگی ساده و بی آلتی را گذراند .

مادر صدر هوشی مین بنام خانم هوانگ تی لون ، زنی آرام و سخت کار بود که نسام عمر خود را وقت تربیت فرزندانش و نیز صرف فلاح و زراعت نمود .

خواهر بزرگتری نگون تری نان، بنام مستعار باك لين، ( ۱۹۵۴ - ۱۸۸۴ )  
و هم چنین برادر بزرگترش نگون سين کيم، بنام مستعار نگون تان دات ( ۱۹۵۰ -  
۱۸۸۸ ) بخاطر مبارزه عليه استعمارگران فرانسوی بارها بزندان افتادند .

صدر هوشی مين فرزند سوم خانواده بود . در طفوليت بسيار با هوش ، شادری سا -  
هي و طالب فراگیری مسائل نو بود . بخير از کتابهای مدرسه به داستانهای ميبني و اشعاع  
علاقه فراوان داشت . مطالعه داستان قهرمانانی نظير مه هاک دو ، نگون لوانک تران  
و ديگران و گوش فرا دادن به مکالمات پدرش و رفتاری نظير مه هاک دو ، عطف به سردم و  
ميبنيش را در او پرورش ميداد . او خود مدام شاهد صحنه های بدبختی روزانه سردم و  
مورد ضرب و شتم قرار گرفتن آنها بعلت عدم پرداخت اجاره و ماليات وغيره بود و گر چه  
اين مشاهدات موجب رنج او ميشد ولي در عرض نفرت او را نسبت به متجاوزين و جاسوسان  
آنها و خائنين بيشتر و بيشتر می نمود .

صدر هوشی مين در محلی تولد و پرورش يافت که مردم آن دارای سنن پيگري مبارزاتی  
و مقاومت شجاعانه در برابر تجاوزات خارجی بودند . نه تين از نخستين مناطقی بود که  
پرچم قيام عليه تجاوزگران استعمارگر فرانسوی را برافراشت . ندای جنبش وان تان را ،  
محصلين ميبني پرست در نه آن از قبيل تران تان ( تان جوان ) ، دان نوه ( نسام  
دان ) و ديگران با جمع آوری نيرو و بيا داشتن قيامها ، پاسخ گفتند . تمام اين جنبش  
ها از قبيل جنبش کان وان متعلق به فان دين فان ( جنبش مونارکيستی ميبني پرستانه )  
و نیز جنبش دان دو متعلق به فان بو جو در تران بو ( جنبش "بشرو برو" ) بطرف  
( زاین ) ، جنبش دان کين نيا تانک ( مدرسه برای آموزش امور ميبني پرستانه ) و قيامها  
و جنگهای يارتيزانی دهقانی برهبری هوانگ هو تانم در باك بو ، مبارزه بمقتور اصلاحات  
برهبري فان چو تين ، و خودداری دهقانان منطقه تران بو از پرداخت ماليات ، همه و  
همه اثر عميقی بروی صدر هوشی مين ، به ویژه زمانی که در کالج کوک هو در هونه ( ۱۹۱۰ -  
۱۹۰۵ ) به تحصيل اشتغال داشت ، بجا گذاشت . طوريکه حتی در ایام جوانی ،  
خواست بيرون راندن فرانسویهای استعمارگر که هر چه بيشتر در وی تشديد کردید . در سن  
۱۵ سالگی در کير فعاليت های نيرزمینی شد و بعنوان پيغام بر در خدمت ميبني پرستان  
دانشجو قرار گرفت .

کليه جنبش های ميبني پرستانه که در بالا ذکر شد يکی بعد از ديگری بعلت نقس و  
عدم وجود يک خط صحيح بشکست انجاميدند . اشکال در اينجا بود که رهبران جنبش از

طرفی نمايزی بين استعمارگران فرانسوی و طبقه کارتر و مردم زحمتکش کشور فرانسه قائل  
نبودند و از طرف ديگر آگاه نبودند که وظائف انقلاب و پيغام ، در هم شکستن امپرياليسم  
فرانسوی و کسب استقلال ملی و برانداختن فئودالهای صاحب زمين و دادن زمين به  
دهقانان است . آنها باين درن نرسيدند که ده عظيم ترين نيروهای انقلابی مردم سا را  
دهقانان تشکيل ميدهند .

جنبش مونارکيستی ميبني پرستانه کان وان بعلت فساد و تسليم شدن فئودالهای  
صاحب زمين به فرانسویها شکست خورد . آنها که خود با يی رحمی تمام دهقانسان را  
استعمار میکردند بالطبع نمیتوانستند عده زيادی از مردم ، بالاحص دهقانان را بسنج و  
مشکل کنند .

قيام های دهقانی برهبری هوانگ هو نام بعلت نبود سياستها و خطوط روشن و  
نيز بعلت ناتوانی در بسج نوده های وسيع مردم ، متد ناقص جنگ و کمبود اسلحه بسجه  
شکست انجاميدند .

جنبش فان چو تين فقط خواستار رفوم بود و برانداختن استعمارگران فرانسه و نما.  
بند کار، فئودال آنها را مورد حمايت قرار نميداد . جنبش فان بو جو برای در هم کوبيدن  
فرانسویها به زاینها متکی شد که در حقيقت در حکم "بيرون راندن ببر از يک در و وارد  
نمودن پلنگ از در ديگر" بود .

صدر هوشی مين هر چند که حرمت و تحسین زيادی برای اين جنبش ها قائل بسود  
معذالك بد نيال راه و روس آنها نرفت . او در حقيقت در جهت خلاف جنبش دان دو  
که "بشرو برو" را تشويق ميکرد حرکت کرد ، و راهی ممالک غرب کردید . آزادی و حقوق  
اجتماعی ، و دموکراسی ، علم و تکنولوژی جديد ديوار غرب او را بطرف خود نشانيد . وی به  
اين نکته پي برده بود که سيستم آموزشی استعمارگران فرانسوی در کشورس ، فقط در خدمت  
تربيت جاسوسان و دست نشانده گانی برای خودشان است و بهمين مناسبت در اوپسل  
سال ۱۹۱۱ مدرسه را ترک کرد و همسپار فان تيه کردید و در مدرسه خصوصي بنام داک  
تان که توسط عده های ميبني پرست تحصيل کرده تأسيس شده بود به معلمی پرداخت . کسی  
بعد به جنوب و سايگون عزيمت نمود .

بين نامی که تحت سلطه رژيم استعمارگران بود و تران کي و باک کي از مناطق  
نحت الحمايه فرق وجود نداشت . همه جا مردم به نحوی تحت فشار و استعمار بودند .  
بدبختی و مذلت همه جا سایه افکنده بود . کليه اين عوامل در تصميم کيری صدر هوشی مين

جهت سفر بد یا غرب مؤثر افتاد . او بی خواست بد اند ، چگونه غریبها مستغف و قدر نهند  
شده اند تا آنکه در بازگشت بتوانند بهم میهنانش در بیرون راندن استعمارگران فرانسوی  
کلك نمایند . این تصمیم او ، خود راه جدیدی برای مبارزه مردم ما بخاطر کسب آزادی ملی  
کشود .

## فصل دوم

### در جستجوی راهی انقلابی

(۱۹۲۴ - ۱۹۱۱)

پس از توقف کوتاهی در سایگون ، صدر هوشی مین در اواخر سال ۱۹۱۱ بنام با ،  
بعنوان کلك آشیز کشتی فرانسوی "اس/ اس آد میرال لاتوشه ترویل" مشغول بنکار گردیده  
و از آن پس بمقدار زیادی باطراف فرانسه بالاخص سفر کرد . عشق عمیق بوطن و تنفر بغا-  
پت زیاد ی که نسبت باستعمارگران فرانسه داشت موجب تحمل هر نوع سختی ، برای رسیدن  
به هدف عالیشان شده بود .

صدر هوشی مین به فرانسه آمد تا راهی انقلابی ، برای نجات و آزاد ساختن میهنش  
و نیز هم میهنانش از یوغ امپریالیسم بیابد . او در میان جنبش کارگری فرانسه بزندگسی و  
مطالعه پرداخت و مرتب تجربه آموخته و تعلیم بیافت . وی هم چنین بکشورهای زیادتر  
اربا ، افریقا و قاره امریکا سفر کرد . و برای امرار معاش دست بنکارهای زیاد ی از قبیل  
پانفاتی ، برف رویی ، پیشخدمتی و عکاسی زد . با چنین طرز زندگی در میان مردم و مشا-  
هده زندگی حقیرانه طبقه کارگر و مردم زحمتکش صرف نظر از رنگ و نژادشان ، ندیدند تحت  
تأثیر قرار گرفته و قادر بدرن ظلم و بی عدالتیهای رژیم سرمایه داری گردید . صن سفر به  
چندین کشور افریقائی تحت استعمار ، بوضوح متوجه شد که چگونه عدم وجود استقلال ملی  
در همه جا موجب مشقات و آهانت های مشابه شده است . اولین نتیجه گیری او از ایسن  
مشاهدات چنین بود : که همه جا سرمایه داری سیستمی ظالم و غیر انسانی است . در هر  
جا مردم زحمتکش و طبقه کارگر ، محکوم به تحمل استثمار و فسار و حشایانه اند ؛ و مردم  
استعمار زده دارای چنین دشمن آشنی ناپذیری چون امپریالیستها و استعمارگران هستند .  
و برینسی بحکم این مطلب یی بود که : طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش دنیا دوستان ما  
بوده و امپریالیسم ، در هر کجا که وجود داشته باشند ، دشمن ما محسوب میگردند .



این مسئله نقطه عطف مهمی در طرز تفکر صدر هوشی مین بود. وی بتدریج طوسی آموختن به مردم ما آنها را بر آن داشت تا بین دوستان و دوستانان نمایز قایل شوند. هر چند جنبش‌های قلی در ویتنام هم کم و بیش دارای خصطنی صد خارجی بودند معذ الک خط روشن و دقیقی بین دوست و دشمن کشیده نشده بود. ولی اکنون مردم ما به درک این مطلب رسیدند که: طبقه کارگر فرانسه و مردم زحمتکش دوستان آنها هستند، در حالیکه استعمارگران و امپریالیستهای فرانسوی دشمنان حقیقی آنها میباشند. این مسئله ای استراتژیک و بسیار مهم نه فقط برای انقلاب ویتنام، بلکه برای انقلاب کلیه کشورهای تحت استعمار بود.

در سال ۱۹۱۷ صدر هوشی مین پس از بازگشت از انگلستان به فرانسه، مستقانه در مبارزه طبقه کارگر فرانسه شرکت کرد. او به حزب سوسیالیست فرانسه پیوست و انجمن مبین پرستان ویتنامی، به منظور انجام کار تبلیغاتی بین افراد ویتنامی مقیم فرانسه را بنیان نهاد و بروشنتری در میان آنان پرداخت. بموازات فعالیت سیاسی، در امر تأمین معاش سختی کشید. در این ایام که در عیالخانه ای مشغول بنار بود، در صص برای یک تاجر آثار عتیقه چینی نیز نقاشی میکرد. ولی در همه حالت، در سختترین مواقع، یک لحظه خوشبینی انقلابی و هدف مبارزه اش را از دست نداد و استوارانه بسط پیشرفت. او مقاله نویسی در روزنامه را یاد گرفت و به محض اعلامیه ها در جلسات جهت افشاء جنایات استعمارگران فرانسه در مستعمرات پرداخت و از تربییون جلسات مختلف چه عمومی و چه جلسات بحث، برای جلب توجه حصار به مسئله هندوچین مدد گرفت.

این مقارن با شلیک توبه‌های انقلاب کبیر اکثر سوری بود، انقدریکه جهان و جهان نیان را بلرزه در آورد و چون رعد و برق بهاری بیداری طبقه کارگر، مردم زحمتکش و مسل ستمدیده جهان را موجب گشت و آنان را مبارزه ای انقلابی برانگیخت. در بدین روز تاریخ شریعت گسوده شد. عصر تجزیه و کسطنی سرمایه داری و پیروزی سوسیالیسم در مقیاس جهانی فرا رسید. انقلاب اکثر روسیه تأسی اساسی در زندگی مبارزه جوانان صد هوشی مین داشت. وی با شور و شوق و اعتماد به آینده انقلاب میهن ما و جهان مصمم به پیروی راه انقلاب سوری گردید.

با خانه جنگ جهانی در سال ۱۹۱۸، کشورهای پیروز اصریالیستی بمسور تقسیم مجدد بازار جهانی در سال ۱۹۱۹، کفرانس ورسای را در پاریس برقرار نمودند. صدر هوشی مین که در این زمان بنام نکوین ای کوکک خوانده میمد، از طرف میهن پرستان

ویتنامی در فرانسه عریضه ای ماده ای مشهور خود را تحت عنوان "حقوق ملل" به کفرانس ارسال داشت. در این عریضه او از دولت فرانسه خواست که حقوق مردم ویتنام، برای آزادی، دموکراسی، برابری و حق تعیین سرنوشتشان را بر رسمیت بشناسد. عریضه و قاطعیت آن، بمشابه اولین صرت مستقیم او به سران امپریالیسم بود. اما کفرانس ورسای صرفاً ملاتی برای گاندسترهای پیروز بود که می خواستند غنایم را که به بهاد تحمل مصاب لب جنگ بدوش مردم کشورهای شکست خورده و ملل ستمدیده تمام شده بود، بین خود تقسیم کنند. از این تجربه علمی صدر هوشی مین نتیجه مهم دیگری را گرفت که: اعلامیه های امپریالیستها در مورد آزادی و دموکراسی چیزی بجزه سخنان شکرآلود جهت فریب مردم ستمدیده جهان نیست. برای بدست آوردن آزادی و استقلال پایدار، مردم هر کشور باید از ابتدا تا به انتها به نیروی خود متکی باشند. ویتنامیها تنها از طریق کوشش خودشان است که می توانند آزاد شوند. این نتیجه گیری از نظر علمی و ثنوریک برای خلق ما بسیار پرارزش بود. زیرا مبین راه مبارزه انقلابی مردم کشور ما و سایر کشورهای استعمار زده دیگر بود. مبارزه صدر هوشی مین در کفرانس ورسای انعکاس وسیعی در میان مردم ویتنام، فرانسه و سایر کشورهای مستعمره فرانسه داشت. از نظر فرانسویها این مبارزه بمشابه حادثه ای "تاند هنده" بود که افکار عمومی آنها را برانگیخت و از نظر مردم ویتنام بمشابه "جرقه ای" بود، که آنها را بمبارزه ای انقلابی می شناسند. ویتنامیهای مقیم فرانسه در همه جا صحبت از کسب استقلال و حق تعیین سرنوشت کرده و با احترام و عشق وافر از نکوین ای کوکک نام می بردند. این جریان، عصر جدیدی را در تاریخ مبارزات مردم ویتنام علیه امپریالیسم فرانسه، برای آزادی ملی کشور، مردم ما افتخار و اعتماد فراوانی به رهبری رفیق نکوین ای کوکک، که چون ستاره ای در آسمان ویتنام میدرخشید، ابراز میداشتند.

بدنیان انقلاب اکثر سوری رسد همه جانبه جنبش دموینستی و کارگری بین المللی آغازیدن گرفت. در اوائل سال ۱۹۱۹ لنین و پشینیانانش شکره ای را در مسکو بمنظور بنا نهادن انترناسیونال سوم (دوینیم بین الملل) برگزار نمودند و "پایان عمر انترناسیونال دوم" را اعلام داشتند. ایجاد دوینیم بین الملل بمشابه پیروزی بزرگی، بسرای دوینیم جهانی و جنبش کارگری بود زیرا توانسته بود خط فرصت طلبانه (اپورتونیزم) و فرمیسم و شوونیسم عناصر بین الملل دوم را شکست دهد، و موجبات رسد و پایه لرفتن یک سری احزاب دموینستی و جنبش های انقلابی را در کشورهای جهان فراهم سازد. دوینیم

بین الطلی پستیانی قاطع خود را از مبارزات آزادی بخش ملی در خارج دور اعلام داشتند. تزه‌های لندن در مورد مسئله ملی و مستعمراتی بوسیله لشکر دوم کمونیسم بین الملل در سال ۱۹۲۰ از تصویب گذشت و قانونمندی اساسی مبارزه انقلابی در کشورهای مستعمره و وابسته را بین ریزی نمود.

دیگر طبقه کارگر جهان هم از پایگاهی انقلابی، اتحاد شوروی، و هم از رهبری صحیح یعنی کمونیسم بین المللی برخوردار بود. جنبش انقلابی جهانی، اساسا حواس‌تار رهبری اصیل احزاب مارکسیستی و احزاب طراز نین طبقه کارگر بود. در درون حزب سوسیالیست فرانسه همانند تعدادی از احزاب مارکسیستی اروپا، مبارزه‌ای شدید بسرای دفاع از مارکسیسم بر علیه رویزونیسم شروع کردید. صدر هونی مین در بحث ارثان های پایه ای حزب سوسیالیست فرانسه شرکت میگرد. در همین زمانها بود که تزه‌های لندن در مورد مسئله ملی و مستعمراتی بدستش رسیده بود. با کمک انقلابیون فرانسوی نظیر مارسل، کاشین و پل ویلانته کورتویه و مومسود در لابلای تزه‌های لندن پاسخ به سئوالات خود را در رابطه با استقلال کشور و آزادی مردمش پیدا نمود. او گفت "تزه‌های لندن در من تحریکی وصف ناپذیر و اعتماد بنفس فراوان بوجود آورد از شوق بگرمه افتادم. ملک و تنها در اطراف ما صدای بلندند. حاصل اینکه نودهای زیادی مخاطبم بودند - فریاد زدیم - سواد طنان مستعدیده! این نعمان چیز نیست که ما بآن احتیاج داریم این راه ما بسوی آزادی است!" از آن بیحد سعی نمود تمام آثار لندن را پیدا کرده و مطالعه نماید، او اعتمادی خالصانه به لندن پیدا نمود، بدون هیچ قید و شرطی از انترناسیونال سوم دفاع کرد. در لشکر ۱۸ حزب سوسیالیست فرانسه در تور (از ۲۰-۲۵ دسامبر، ۱۹۲۰) به شدت جنایات و جنسینانه استعمارگران فرانسوی در هند و چین را محکوم کرد و طبقه کارگر فرانسه و مارکسیستهای واقعی را دعوت بکار غلی جهت پستیانی همان از مبارزه اندکی مردم ویتنام و سایر کشورهای استعمار زده نمود. همراه سترتین مارکسیستهای فرانسه در تأسیس بین الملل سوم رای داد و حزب پایه گذاران حزب کمونیست فرانسه گردید.

صدر هونی مین از اولین بیانیگزاران حزب کمونیست فرانسه و در صحن اوین ویتنام کمونیست بود که خود سهم مهمی در زندگی مبارزه جوانان او در تاریخ انقلاب ویتنام ایفا نمود. هر چند مبارزات او در شعراوس روسای در سال ۱۹۰۹ بهتایه حربه ای سنجیب برانگیختن مردم ما در مبارزه علیه استعمار فرانسه گردید، بعد الگ شربت او در اتحاد حزب کمونیست فرانسه در سال ۱۹۲۰ نقطه عطف تاریخی در اتحاد ویتنام بوجود آورد. عده کمی از

او در حزب کمونیست یک واقعه مهم، یک جنبش، جنبو و یک تغییر کیفی در افکار و مواضع سیاسی او بود. از این بعد او راه صحیح انقلاب ویتنام را یافت، راهی که در آن مبارزه طبقاتی با مبارزه ملی و میهن پرستی اصیل با انترناسیونالیسم پرولتری تلفیق یافتند. و در روز هر برخورد خصمانه، این دو نظر ایدئولوژیک با یکدیگر آمیختند و با تبدیل یک واحد کلی به رشد هم کمک فراوان نمودند.

در پرتو قطعنامه کمونیسم بین الملل و تزه‌های لندن در مورد مسئله ملی و مستعمراتی او به نیاز کار فعالانه تشکیلاتی و تبلیغاتی جهت پیش برد جنبش انقلابی کشور های مستعمره پی برد. بدین مناسبت در سال ۱۹۲۱ بلوک حزب کمونیست فرانسه و چند تن از میهن پرستان کشورهای مستعمره فرانسه، مبادرت به تشکیل "اتحادیه کشورهای مستعمره" ورزید، و نیز خود بعنوان نماینده مردم هند و چین بسمت عضو اجرائی کمیته مرکزی اتحادیه انتخاب گردید. تشکیل این اتحادیه به ویداد مهم سیاسی برای مسردم سفندیده بشمار میرفت. اتحادیه به منبر مردم کشورهای مستعمره را در جبهه ای متحد به صد دشمن مشترک یعنی امپریالیسم کرد آورد و موجبات ایجاد همبستگی مبارزاتسی بین کشورهای مستعمره فرانسه، مردم زحمتکش و طبقه کارگر فرانسه را فراهم ساخت. اتحادیه بهتایه ای را جهت بسیج مردم کشورهای تحت استعمار، برای بها خاستن و تسب آزادی به این متن منتشر ساخت "بنا به تعالیم مارکس باید بشما بگوئیم که رهائیمان تنها از طریق مبارزاتمان امکان پذیر است". اتحادیه میبایست از طریق درج مقالات در مطبوعات و سخنرانی در جلسات مختلف و نیز بکارگیری کلیه طرق ممکن مسئله را در محرس افکار عمومی قرار دهد و مبارزه انقلابی را به پیش راند.

اتحادیه به منبر در سال ۱۹۲۲ اقدام به انتشار روزنامه پاریا (Le Paria) - بی خانمان ( نرسود و صدر هونی مین ناسر و سردبیر آن بود. تحت نظر مستقیم وی روزنامه، بی ریا بافتنای سیاست های وحشیانه اختناق و استعماری امپریالیسم بطور عام و امپریالیسم فرانسه بطور خاص مبادرت کرده و به تهییج مردم به مبارزه انقلابی پرداخت. روزنامه از حمایت طبقه کارگر و زحمتکش فرانسه برخوردار بود و طوفان انقلاب را در هند و چین و سایر مستعمرات براه انداخت. علی رقم کلیه موانعی که توسط استعمارگران بر سر راه انقلابیون گذرته شده بود، نسخه های پاریا مخفیانه به داخل مملکتها ارسال میشد. بهاس این امر، موجبات روشن تر شدن جنایات استعمارگران فرانسوی، و هم چنین تدرک بهتسری از انقلاب اکثر روسیه و لندن، برای بسیاری از میهن پرستان ویتنامی فراهم آمد.

علاوه بر نشر یاریا ، صدر هوشی بین مقالاتی چند در روزنامه هومانیت ( 'Humanite' ) ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه و وی اوریه ( La Vie Ouvrière ) - زندگی کارگران ( ارلان مرزلی گفتار ساین کارگری نوشت . و جزوه مشهور خود بنام محاكمه استعمارگری فرانسه " را منتشر نمود . این جزوه بزبانی ساده و فوئنده و بسا منطقی قوی و غیر قابل انکار استعمار را بطور عام و استعمارگران فرانسه را بطور خاص در لایه زمینهای اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی محکوم ساخت و با مثالهای مشخص نشان داد که امپریالیسم منشاء استعمار ، فساد و اختناق در جهان است و وضع بد ، فقر و خفقان وحشیانه کارگران و تمام مردم زحمتکش در کشورهای مستعمره را تشریح نمود . ( این جزوه در سال ۱۹۲۱ توسط صدر هوشی بین نوشته شده و در سال ۱۹۲۵ در فرانس به چاپ رسیده است . سایر مقالات او در بین سالهای ۲۶-۱۹۲۱ بوسیله چاپخانه سونات در دو جلد تحت عنوان " حکومیت کنفلیکسیسم " ( ۱۹۵۹ ) و " عدالت استعمارگران فرانسه در هندوچین " ( ۱۹۲۲ ) هر دو بزبان وینهای چاپ گردیده اند . )

این اثر صدر هوشیست محکمی بر امپریالیسم وارد ساخت و اولین قدم در نشان دادن راه صحیح انقلابی مردم ما و سایر خلقهای ستمدیده بود . و نه فقط از نظر سندی تاریخی در زمینه آیدئولوژی و تئوریک بلکه از نظر ادبی نیز اثر بی ارزشی بود ، که در آنده بیست و قطب خوانندگانش تأثیر بسیار گذاشت .

صدر هوشی بین در نیمه دوم سال ۱۹۲۳ فرانسه را بقصد اتحاد سوری ترک کرد . از طرف دهقانان کشورهای مستعمره در کشور بین المللی دهقانان که از اول تا ۱۵ اکتبر ۱۹۲۳ برقرار گردید شرکت نمود و بعنوان عضو کمیته اجرایی انتخاب گردید .

در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ لندن کبیر چشم از جهان فرو بست ؛ صدر هوشی بین با قلبی آکنده از شور و هیجان بخاطر ادای احترام به مزار لندن رفت و در مقاله " لنین و مردم کشورهای مستعمره " نوشت " مرگ جبران ناپذیر او همه ما را غرق در اندوه و تألم فراوان نموده است . ما به همراه تمامی خلقهای جهان در غم و سوگ برادران و خواهران خود شریک هستیم . اما ، ایمان داریم که کمونیسم بین الملل و تمام بخشهای آن ، بویژه در کشورهای مستعمره ، تعالیم و آموزشهای لنین ، رهبر ما را بکار خواهند بست . "

" زمانی که لنین زنده بود ، پدر ، رفیق ، مربی و دوست خردمند همه ما بسود و اکنون ستاره راهنمای ما و نشاننده عنده شاهراه انقلاب سوسیالیستی است . "

صدر هوشی بین مدتی را در شهریور بسر برد و در خدمت کمونیسم بین المللی بود و

مقاتل جند در روزنامه پراودا ( حقیقت ) ارلان حزب کمونیست سوری و هم چنین در روزنامه انترناسیونال کرسپاندس ( مائیتات بین المللی ) ، متعلق به کمونیسم بین المللی ، نوشت و طی این مقالات به توسعه نظریات خود در مورد انقلاب های آزادی بخش ملی در کشورهای مستعمره پرداخت . در بین ماههای ژوئن تا ژوئیه ( ۱۷ ژوئن تا ۱۸ ژوئیه ) سال ۱۹۲۴ بعنوان نماینده رسمی حزب کمونیست فرانسه در پنجمین کنگره کمونیسم بین المللی و بدنبال آن در کنگره های بین المللی اتحادیه هاء جوانان ، زنان و غیره در مسکو شرکت کرد .

در کنگره پنجم کمونیسم بین المللی ، گزارش مفصص و صهی را قرائت کرد که طی آن به تشریح مواضع و نظریات خود پرداخت و از بعضی از احزاب کمونیستی که توجه ناکافی به انقلاب در کشورهای مستعمره میدول نداشته بودند ، صادقانه انتقاد نمود ؛ پیشنهاداتی علمی جهت برانگیختن بیشتر جنبشهای انقلابی در کشورهای مستعمره ارائه داد و بویژه بر روی آزادی و رهائی دهقانان در این کشورها تأکید نمود .

اقتار صدر هوشی بین پس از کنگره سال ۱۹۲۰ نوزبند ریخ فرم گرفته بودند . نوشته هایش مختصر و سراسر از روح مبارزه جویانه و خصوصا گزارشش در کنگره پنجم بین بین الملل حاوی ظن مسائل اساسی استراتژی و تائید انقلاب ویتنام و بطور کلی مسائل مستعمراتی بود .

در پروتو نظریات لنین راجع به مسئله ملی و مستعمراتی ، صدر هوشی بین نه تنها درک روشنی از رابطه نزدیك بین انقلاب در کشورهای مستعمره و انقلاب پرولتاریائی در کشورهای مادر داشت ، بلکه انقلاب در کشورهای مستعمره را جزو لاینفکی از انقلاب پرولتاریائی جهانی میدید . او صراحتا اشاره به اهمیت استراتژیک يك انقلاب در کشورهای مستعمره میدید این انقلابات دارای اهمیتیشان با انقلابات پرولتاریا در کشورهای امپریالیستی است و نباید با آنها بعنوان انقلابی که وابسته بانقلاب کشورهای مادر است نگرست . و در جایی دیگر این تصریح را در گفتاری صریح چنین بیان میدارد " سرمایه داری مانند رالوئی است که از یخرف به پرولتاریائی کشورهای مادر " و از عرف به پرو - نزاریای صالح مستعمره جسمیده است . بخاطر از بین بردن آن باید هر دو سر آنرا قطع کرد و همراه قتل پسر زانو قطع کرد همچنان . به تغذیه خود از خون پرولتاریا ادامه داده و در نتیجه سر قطع شده او دوباره رشد خواهند کرد . سرمایه داری در عین استعمار سناوب امیر پرولتاریا ، کشورهای مادر " هم چنان به استعمار ظالمانه طبقه کارگر

و مردم زحمتکش کشورهای مستعمره بی پردازند. جهت ریشه کن کردن سرمایه داری، طبقه کارگر "کشورهای مادر" باید بمبارزه ای انقلابی که منجر به لغات کردن ریشه های آنست، برخیزد، حال آنکه طبقه کارگر کشورهای مستعمره باید برای کسب آزادی ملی بر علیه امپریالیسم بجنگد. از این طریق رابطه ای نزدیک بین نیروهای انقلابی طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی و سایر خلقهای ستمدیده برقرار میشود. این دو نیروی متحد، وجهه ای واحد ضد امپریالیسم جهت آزاد ساختن طبقه کارگر جهان و ملل ستمدیده تشکیل خود دهند. بدین ترتیب صدر هوشی مین تره ای لندن در مورد مسئله ملی و مستعمراتی را بفرم مشخص در آورده. او از طریق سبسی که در تئوری و فعالیت عملی بهمه گرفت با مبارزه ای قاطع این سخنان پر مغز لندن را بعمل گذارد: "پرولتاریای جهان، خلقها و ملل ستمدیده متحد شوند!" لندن در سال ۱۹۱۳ ضمن تحسین فراوان مواضع انقلابی کشورهای خاور چنین مینویسد: "هنوز اپورتونیزیتها فرصت نکرده بودند بماندازه کافی از صلح اجتماعی" و عدم لزوم طوفان در شرایط موراکی مدح و تمجید کنند که یک منبع جدید بزرگترین طوفانهای جهانی در آسیا کسوده شد... ما اکنون در دستار عصر این طوفانها و "واکش" آنها در اروپا زندگی مینمایم" (لندن سرنوشت تاریخی آموزش کارن مارکس، مسکو، ۱۹۵۵) صدر هوشی مین طهم از تعالیم لندن در سال ۱۹۲۴ اظهار داشت: "بخش عظیمی از سرنوشت پرولتاریای جهان وابسته به مستعمرات است، که منبع مواد غذایی و نیروی انسانی برای قدرتهای بزرگ امپریالیستی بوده و اگر خواهان شکست دادن امپریالیست هستیم، باید دست آنها را از مستعمرات کوتاه نماییم." (نگون ای کوک، سخنرانی در فکتره پنجم کونیمس بین الملل، در مکاتبات بین الملل شماره ۴۱، ۱۹۲۳)

این عبارات مبین ابتکار انقلابی خلقهای مستعمرات است. در عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریائی، در پرتو انقلاب اکثر روسیه، مردم مستعمرات می توانند پیروزی را حق قبل از طبقه کارگر کشورهای مادر بدست بیاورند، شروط بانیه بد اندند چگونه ابتکار انقلابی خود را دقیقاً بکار گیرند. پیروزی انقلاب اوت ۱۹۴۵ ویتنام صحت نظر انقلابی صدر هوشی مین را بتمام و کمال ثابت کرد.

بدهای از تره ای لندن در مورد مسئله ملی و مستعمراتی، صدر هوشی مین در حالی که از انترناسیونالیسم پرولتاری در مقابل مردم مستعمرات پشتیبانی میدهد - بمبارزه قاطع، علیه تبعیضات نژادی و افکار سونیستی که پای بند جنبش کارگران اروپای غربی بود، دست

زد. او مجدداً کونیمس بین الملل و بخشهای آنرا یادداشت نه توجه کافی به جنبش آزادی بخش ملی مبذول دارند، و با انجام کار تبلیغاتی در ممالک مستعمره، از میان مردم مستعمرات عضوگیری نمایند و کارهای انقلابی را آموزش دهند و آنها را برای مطالعه، بدانشگاه خاور در مسکو اعزام دارند. او اظهار داشت: "ما پیروان لندن هستیم و بنابراین باید نیرو و انرژی خود را علاوه بر سایر مسائل، مصروف مسئله ملی نمایم طوری که تعالیم او را در مرحله عمل در آوریم." صدر هوشی مین نه تنها توجه خود را متوجه جنبش انقلابی در مملکت ما نمود، بلکه سهم فعالی را در جنبش بین المللی کونیمستی و جنبش آزادی بخش ملی بخود اختصاص داد. مبارزه سیاسی وایدکولوریزی که بهمتوی شروع شد دارای اهمیت زیاد و بنظرو دفاع از تره ای لندن در مورد مسئله ملی و مستعمراتی بود. ورن مهبی را در تقویت هم بستگی مبارزاتی میان طبقه کارگر در "کشورهای مادر" و مردم ممالک مستعمره و وابسته بهمه بداشت.

در اوائل سال ۱۹۲۰، وی دریافت که پیروزی انقلاب آزادی بخش ملی مستلزم پیچیدن راه انقلاب پرولتاریائی است و اینکه آزادی ملی وابسته به آزادی طبقاتی و استقلال ملی جزء لاینفک از سوسیالیسم و کونیمس است. اینست شاهراه آزادی کامل و اساسی طبقه کارگر و مردم ممالک مستعمراتی. او میگوید "تنها از طریق آزادی طبقه کارگر می توان مملکت را آزاد نمود: هر دو این آزادیهها تنها از عهده کونیمس و انقلاب جهانی ساخته است."

پرچم مبارزات آزادی بخشی را که صدر هوشی مین برافراشت از همان نوع انقلاب اساسی طبقه کارگر است. خود او تحت تأثیر انقلاب بی درین مارکسیسم - لننیمس، معتقد بود که در کشورهای مستعمره - کشاورزی و عقب مانده - پس از کسب استقلال ملی، طبقه کارگر ضمن اتحاد پایدار با طبقه دهقان باید بدون گذار از مرحله رشد سرمایه داری بسمت سوسیالیسم به پیش رود.

بنظرو شروع مبارزات آزادی بخش، مردم کشورهای مستعمره باید از نیروها و هدف انقلاب درت صحیحی داشته باشند. صدر هوشی مین اشاره می کند که دشمن اصلی مردم کشورهای مستعمره، امپریالیسم و نمایندگان فئودال آنها اند. آنها باید نیروی خود را جهت شکست این دشمن متمرکز کنند. و بدین ترتیب وی بهنگام محکوم کردن امپریالیسم، فراموش نمی کند که نمایندگان ارتجاعی آنها یعنی فئودالها را نیز محکوم نماید. بطوریکه در سال ۱۹۲۲ هنگام ورود پادشاه Kham Binh بفرانسه بنظرو دیدار از نمایندگان

ستعمراتی، هوشی مین نماینده اردوهای خیزران و سری مقالاتی در رابطه با محلول کردن شاه وابسته را برشته تحریر در آورد.

در باره امپریالیسم و محلول کردن آن در سطح عام چنین نوشت: " تاریخ فتح افریقا بوسیله اروپائیان - مانند هر توسعه طلبی دیگر استعماری - از ابتدا تا بانها با خون مردم بومی نگاهشته شده است. \* و نیز این فراخوان تکان دهنده را صادر نمود: " به گذار که مردم بومی دیگر بار این امانت را تحمل نکنند و بگذارند آنها بیا خیزند!"

در عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتری، انقلابات آزادی بخش ملی، برای کسب پیروزی باید بوسیله طبقه کارگر رهبری شود. صدر هوشی مین از همان ابتدا به نقش و اهمیت تاریخی طبقه کارگر بین المللی پی برد، انهم بعنوان تنها طبقه ای که قادر است مبارزه به خاطر آزادی طبقه، آزادی ملی، و آزادی بشر از بیوع سرمایه داری را رهبری نماید.

در کشورهای مستعمره و وابسته، طبقه کارگر باید رهبری مبارزات ملی را در دست گیرد. بر مبنای تجربه جنبش طبقه کارگر ترکیه وی اظهار داشت " پرولتاریای ترکیه کسه سهم عظیمی در مبارزه بخاطر استقلال ملی آنجا داشت، حال خود را در برابر مبارزه ای دیگر یعنی، مبارزه طبقاتی می بیند. " که خود رای طبقه کارگر کشورهای تحت استعمار و وابسته نمونه مشترب و آموزنده ای است.

در کشور ما در آن زمان طبقه کارگر کمیت قابل ملاحظه ای نبود و تا آنزمان از لحاظ سیاسی نیرویی مستقل بنسار نعیرفت. صدر هوشی مین با اشاره بمبارزه ۶۰۰ کارگر رنکوز در سال ۱۹۲۲ در شهر جولون ( نام بو ) خاطر نشان ساخت که این نشانه رشد آگاهی طبقه کارگر و قدرت و توانائی اوست. صدر هوشی مین تأکید می شد که طبقه کارگر در کشور های مستعمره باید پیش آهنگ خود یعنی حزب انقلابی مارکسیسم لنینیسم را دارا باشد تا بتواند امر آزادی ملی را بسر انجام رساند.

وی در سال ۱۹۲۱ چنین نوشت " خشنی عظیم مردم هندوچین را فرا گرفته و هنگامیکه زمانش فرا رسد با تمام قوا منفجر خواهد گشت. - پیش آهنگان باید از این فرصت استفاده کرده و آنرا تبدیل به نیروی مادی کنند. قسوات رژیم استعماری زمینه لازم را فراهم آورده و تنها چیزی که سوسیالیسم باید انجام بدهد کاشتن نهالیهای آزادی است؛ ( نگون ای کوک، " هندوچین" مجله کمونیست شماره ۱۴، ۱۹۲۱ )

در کشورهای مستعمره و کسب آزادی خلق، عدنا در هفتانان، باید بیرون رانیدن امپریالیسم و کسب استقلال ملی با واژگون ساختن بساط فئودالیهای صاحب زمین و دارن

زمین به دهقانان یا پدیکر توام باشد. صدر هوشی مین از همان اوان بسه قدرت ورل دهقانان در انقلاب رهائی بخش ملی پی برده، با توجه ودقت زیاد مسائل متوسط بسه جنبش های دهقانی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره را دنبال نمود و اظهار داشت که در اثر مستعمرات فرانسه، صنعت سبب ناچیزی را بخود اختصاص می دهد و دارای رشد قابل ملاحظه ای نیست، در حالیکه کشاورزی قسمت اعظم اقتصاد را شامل میگرد و دهقانان ۹۵٪ جمعیت را تشکیل میدهند. امپریالیستها، فئودالیهای صاحب زمین و کسانی که در درای مذ عبیب بودند، زمینهای دهقانان را بزور از آنها گرفته و با قسوات تمام آنها را استثمار نموده و به سرف میدلنان نمودند. او به کمونیسم بین الملل پیشتیاد نمود که در مستحکم نمودن رهبری و سازماندهی دهقانی در کشورهای مستعمره بذل توجه نماید. " در تمام کشورهای مستعمره فرانسه بدبختی و فقر و در نتیجه خشم و غضب خلق بیدار می کند. هنگام عصیان های دهقانی فرا رسیده است. در بسیاری از مستعمرات دهقانان چندین بار دست بقیام زده اند ولی قیام آنها غرق در خون شده است. اکثر در حال حاضر دهقانان دست بعلنی نمی زنند بخاطر عدم وجود تشکیلات و رهبری است، و این وظیفه کمونیسم بین الملل است که با تأمین کارهای مبرز آنها را بسوی انقلاب و آزادی راهبری کند. " بنظر او کمونیستهای کشورهای نیمه مستعمره باید هر چه زود تر دست بکار سیاسی و آموزشی وسیع در میان توده ها زنند تا بدین ترتیب درک آنها را از قدرت و توانائی و منافعتشان بالا برده و شعار " تمام زمینها بدست دهقانان " را بمرحله عمل در آورند. این نظریه او بطور قطع سلم از تعالیم لنین کبیر بود که میگوید " دهقانان کشورهای مستعمره هنوز عقب مانده اند. با اینحال نقش انقلابی عظیمی را در مراحل آینده انقلاب جهانی بر عهده دارند. " ( اتار لنین جلد ۳۲ انتشارات پروکرس مسکو ۱۹۶۰ صفحه ۴۸۲ ) .

هر چند در گذشته مهین پرستان ویتنام به نیروی دهقانان برای مقاومت علیه تجاوز خارجیها تکیه میگردند. معبدالک هنوز تصویر روشنی از موضع ورل آنها در انقلاب نداشتند. صدر هوشی مین در تاریخ انقلاب کشور ما اولین کسی بود که با همیت واقعی مسئله دهقانان پی می برد و این خود مسئله ای بسیار اساسی از استراتژی انقلاب مردم ویتنام بود.

تحت تأثیر نظرات مارکسیسم - لنینیسم، صدر هوشی مین بقدرت شکست ناپذیر انقلابی و نیروی لایزال توده ها در برانداختن استعمارگران فرانسوی و نمایندگان فئودال

آنها اعتماد کامل داشت. هنگام صحبت از توده ها توجیهی خاص به مسئله زسان و جوانان مینمود. در سال ۱۹۲۴ روحیه دلبرانه ای، که ۲۰۰۰ محصل در جنبش اعتراضی در استان نام بواز خود نشان دادند، را ستود و آنها نشانه دلگرمی خواند و ضمن ابراز همدردی بسیار عمیق در مورد بدبختی و اهانته به زنان کشورهای تحت سلطه استعمار، از زنانی که در شرق بخاطر آزادی بپا خواسته بودند، با تحمید و تحسین فراوان یاد نمود.

او بخاطر کسب آزادی ملی، تصمیم مراجعت به وطنش را گرفت تا بدین طریق، بسا نفوذ در بین توده ها، با مشکل نمودن، آموزش و متحد نمودن آنها، بمبارزه جهت کسب استقلال و آزادی سوئمنان دهد.

اینها مسائل اساسی استراتژیت و تاکتیکی رهبری انقلاب ویتنام بود نه بوسیله صدر هوسی مین مطرح گردیدند. حل این مسائل بالاخر از نظر سیاسی و ایدئولوژیت قدیمهای اولیه جهت ایجاد حزب کمونیست در کشور ما بنسار میرفت.

صدر هوسی مین از همان آغاز، راه صحیح انقلابی را برای مردم ویتنام پایه ریختی کرد، راهی که در جهت و هم پایه جنبش انقلاب جهانی بود - فعالیتهای انقلابی او نیز هم زمان با عصر انقلاب پرولتری جهانی است. ده با انقلاب لبریا کبیر روسیه آغاز گسردید. پیروزی انقلاب کبیر روسیه و برقراری کمونیسم بین المللی باو در درک مارسیسم لنینیسم شک کرد. او تجارب مبارزات ضد امپریالیستی خود را در کمونیسم بین المللی، جنبش کارگری و جنبش آزادی بخش ملی بدست آورد. و هم چنین جنبشهای میهن پرستانه مردم مسابوایش تجربه آموز بود. زمانیده در کبیر فعالیت شدید در خارج از کشور، خصوصا بعد از جنگ جهانی اول، بود. در کشور ویتنام جنبش کارگری و جنبش میهن پرستانه قدرتمندانه رشد میکرد و بالطبع با اشتیاق تمام مارسیسم - لنینیسم، نه اولین بار توسط صدر هوسی مین در ویتنام مطرح شده بود، را پذیرا گردید.

در جستجوی راهی انقلابی برای مردم میهن مان، مستقلانه فکر کرد و به تعیین و مطالعه موشی پرداخت، به علاوه عکس العمل نسبت به اتفاقات سریع بود. پیرو سه سخت و درد آور مطالعه، مبارزه و کارآموزی در جنبش کارگری بین المللی او را آبدیده نموده بود، ولی مسئله عمده این بود که طریقه تنویر افکار او به مارسیسم - لنینیسم از میهن پرستی آغاز شد. در طول عمل مبارزه انقلابی تبلیغ و مطالعات تئوریک، با کار علمی، به سه تدریج به نتایج مهمی رسید که اصول راهنمای عمل او بود. همچنان که خود نوشت:

"در طی مبارزه و قدم بقدم، با تلفیق مارسیسم - لنینیسم با فعالیت های علمی، به تدریج دریافتم که فقط سوسیالیسم و کمونیسم است که می تواند توده های ستمدیده و زحمت کش جهان را از یوغ بندگی آزاد گرداند."

لی تو نونک را تعلیم داد ، کسیده اولین عضو اتحادیه جوانان کمونیست بود و تا آخرین نفس بخاطر حزب و آرمانهای انقلابی خلق جنگید .

او نیز در بنیانگذاری اتحادیه مردم ستمدیده آسیا ، که شامل بخش ویتنامیها نیز بود ، برای اقدام دسته جمعی علیه دشمن مشترک ، امپریالیسم ، وجود آمده بود ، شرف داشت . سخنرانهای او ضمن دوره های تعلیمات سیاسی کانتن ، در کتابی به نام دوان کاش مان (راه انقلابی) توسط بخش تبلیغاتی اتحادیه مردم ستمدیده آسیا منتشر کردید .

استراتژی و تاکتیک های انقلاب ویتنام از این کتاب دوان کاش مان سرچشمه گرفت . صدر هوسی مین ، مقدم بر همه ، روح انقلاب اساسی را بیان داشت و چنین خاطر نشان نمود : برای زندگی کردن باید دست به انقلاب زد . درحالیته انجام هر کاری ولو کوچک ، بدون جدوجهد لازم نتیجه بخش نیست ، با این حساب " چگونگی انجام کاری بدین بزرگی مانند ، آزاد کردن هم وطن ، آزاد کردن بصریت ، از زنجیرهای بندگی میتوانست بدون بذ منتها لوش ، موفقیت آمیز باشد ؟ " ( نقل قولها در این پاراگراف از کتاب صدر هوسی مین راه انقلابی انتخاب گردیده است . ) بعضی افراد ضمن برخورد با مشکلات دلسرد میشوند . آنها درک نمی کنند که مهم نیست که مبارزت بکار چقدر مشکل است ، اگر کسی منعم به انجامش باشد همیشه انجام شدنی است . اگر به علت نفرت با انجام نرسد ، بگذارد تعداد بیشتری در انجامش بکوشند . اگر بوسیله نسل فعلی بی پایان نرسید ، نسل بعدی با انجامش میرساند . " برای انجام انقلاب ، باید عزم راسخ ، روح فداکاری ، استقامت و وحدت داشت . هر کس مقدم بر هر چیز باید بداند که چرا باید انقلاب نمود ، چرا نمی تواند شکل دیگر وجود داشته باشد ، چرا همه باید مساعی خود را بیدرنگ در این راه بکار بندند .

صدر هوسی مین روح انقلاب اساسی طبقه کارگر را با عالیترین سنن ملت ویتنام در هم آمیخت و فصل نوبتی بروی روحیات انقلابی کشید . اولین فصل کتابش دوان کاش مان ( راه انقلابی ) در مورد " شرایط لازم یک انقلابی " است : فرد انقلابی باید مظهر جدیت و دلسوزی ، فداکاری در راه منافع خلق بوده و از خود لامل قانع باشد ، برای رفیع کمبود های خود مصمم ، از غرور و نخوت مبرا ، کردارش با گفتار منطبق ، و بر عقاید انقلابی بیش یابرجا و حاصر به تحمل فرمانیها باشد ، تحت تأثیر منافع مادی قرار نگیرد و غیره . صدر هوسی مین تعلیم کارهای انقلابی را با روحیه ای انقلابی ، شرط اول آمادگی

## فصل سوم

### ایجاد حزب

( ۱۹۳۰ - ۱۹۲۴ )

در سیمه دسامبر ۱۹۲۴ ، صدر هوسی مین بعد از مدتی اقامت در اتحاد شوروی ، مطالعه رژیم شورواها و آموختن تجارب حزب سازی بر مبنای تعالیم لنین ، در هیما کانتن ( چین ) گردید . او با نام لی توی به آنجا رفت و تماس با انقلابیون ویتنامی را شروع نمود ؛ زمینه های سیاسی ، ایدئولوژیکی و تشکیلاتی را بمنظور ایجاد یک حزب طراز نو طبقه کارگر ویتنام فراهم نمود . تنها چند ماه قبل از آن یکتر انقلابی بنام فام هوانگ ته بهی بطرف مرلین ، فرماندار هل هندوچین ، که از شانمن ( کانتن ) می گذشت ، پرتساب نموده بود . با وجود اینکه بمب این برده پیر استعمار را از پای در نیامورد ، معینا بسان پرستوهای کوچکی که اغاز بهار را نوید میدهند ، عنادی عصر نوبتی از مبارزه ملی بود . صدر هوسی مین ضمن بررسی سازمان میهن پرستانه فان بوا جو و نام تام زا ( نام تامزا اتحادیه طلبها ) یک سازمان انقلابی ویتنامی در لانتن بود ) که بعدا در چین فعالیت مینمود ، روحیه میهن پرستانه آنها را نهایت قدر نهاد و بروشنی نکات ضعف رهبران آنها متوجه بود ، که " درباره سیاست زیاد نمیدانستند و حتی اطلاعاتشان در مورد سازمانهای توده ای کمتر بود . " ( نگون ای کوک ، گزارش به پرزیدیم کمونیست بین الملل ۱۹ دسامبر ۱۹۲۴ ) . او از میان آن سازمانها نئی چند از میهن پرستان جوان ، هم راه با عده ای دیگر از مهاجرین ویتنامی را انتخاب نمود ، به آنها آموزش سیاسی داد تا بکارهای انقلابی بنیدیل شوند . آنها را برای تبلیغ مارکسیسم - لنینیسم در میان طبقه کارگر و مردم ما به وطن فرستاد . " انجمن جوانان انقلابی ویتنام " ، سازمان پیش در آمد حزب ، توأم با یک گروه کمونیست بمنوان هسته رهبر را ، بنا نهاد ، و به انتشار هفت نامه نان نین ( جوانان ) ، ارگان بدنه رهبری پرداخت . او هست جوان از جمله

ایدئولوژیکی و سیاسی، برای پیدایش حزب انقلابی قابل اعتماد طبقه کارگر وینام می یفتد است.

برای انجام يك انقلاب موفقیت آمیز، گذر نباید فقط محسنات انقلابی داشته باشد بلکه نیز تئوری مارکسیست - لنینیست را بفهمد و خط مشی و شیوه های انقلابی را دنبال نماید. در رابطه با اهمیت تئوری انقلابی، در اولین صفحه "راه انقلابی"، صدرهسو شی مین این کلمات جاودانی لنین را متذکر میگردد: "بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد... نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی می تواند بازی کند که تئوری پیشرو را همبر آن باشد."

قبلا مردم ویتنام قیامهای متعدد در لیوانه ای علیه امپریالیسم فرانسه برپا داشته بودند ولی همه آنها بعلت عدم تئوری مارکسیست - لنینیست، خط مشی و شیوه های صحیح انقلابی، عدم درک "تاکتیکیها" مقتضی شمردن فرضیه های مناسب و "دست به عملیات زدن در زمان نامناسب و کاری انجام ندادن در شرایط متناسب" شکست انجام میدند. بنابراین بعهد ه انقلابیون است که تئوری مارکسیست - لنینیست و شرایط و تجارب انقلاب جهانی را برای مردم توضیح دهند.

صدر هوشی مین در رابطه با تجربه انقلاب جهانی از انقلاب اکتبر روسیه درسها آموخت و انقلابات فرانسه و امریکا برایش تجربه آموز بود. او انقلابات فرانسه و امریکا را بوروازی، ولی نه انقلابی کامل و دقیق میدید. فقط انقلاب اکتبر روسیه اساسی ترین انقلاب بود که آزادی، تساوی، نیکبختی واقعی را برای مردم زحمتکش بارمغان آورد، و نیز ب مردم مستعبدیه که نمود تا دست به انقلاب زنند و خود را آزاد سازند. انقصدب اکتبر روسیه یما آموخت که برای پیروزی انقلاب باید به توده های مردم، اساسا کارگران و دهقانان متکی بود، باید حزب مارکسیست - لنینیست محکم و قوی بر سرکار باشد تا حاضر بدران هر گونه قربانی بوده و نشانه ای عالی از اراده و تحمل سختیها باشد.

صدر هوشی مین با الهام از تعالیم لنین در مورد مسئله ملی و مستعمراتی، خلافتانه تجربه انقلاب اکتبر روسیه را در شرایط مشخص مملکت ما پیاده نمود، و آتزا برای انقلاب ویتنام چنین فرموده کرد. انقلاب طراز نوین بوروا - دموکراتیک (در حال حاضر ما آسورا انقلاب دموکراتیک ملی خلق مینامیم) بدون گذار از مرحله توسعه سرمایه داری بسه سوی انقلاب سوسیالیستی به پیش میروند. انگفت: مردم در بند ما بیش از این نمی توانند تسلیم شرایط باشند، بگذار بیدار شوند، متحد گردند، تصمیم بگیرند و بعنوان مردمی آزاد

بمیرند نه همچون زندگان در بند؛ بشار مساعی خود را بیلجا نمایند، رژیم جور و ستم و بیره کسی استعمارگران فرانسوی و نوکران قودالشان را برانندازند، مملکت خود را آزاد سازند و صاحب استقلال و آزادی گردند. انقلاب امر مشترک توده های ملیونی است بینه امر خصوصی عده ای انگکست شمار. بعلت سیاست تفرقه افکنانه خود، امپریالیستهای فرانسوی میان مردم ویتنام شمال و مرکز و جنوب تمایز قایل شدند، آنها مذهب و فرغند را برای بیدام انداختن مردم و قاتین را برای کنترل و اعمال فشار و زور بر آنها بکار گرفتند. برای انقلاب نمودن قبل از همه چیز باید مردم را بیدار، متشکل، متحد نموده و اقتدار مختلف را رهبری نمود. ولی انقلابیون باید هوشیار باشند که کارگران و دهقانان تیرو های اساسی انقلابند، زیرا آنها مستعبدیه ترین کسانند و بیشتر از هر کسی مورد استثمار قرار می گیرند و از نظر تعداد بیشتریند. بنابراین سازمانهای توده ای از قبیل اتحادیه های کارگری، انجمن های دهقانی، انجمن های زنان و جوانان و غیره باید سازمان دانه شوند.

با دید متشکل و متحد نمودن نیروهای انقلابی و پیاده نمودن خط مشی و شیوه های انقلابی صحیح قبل از هر چیز باید حزب انقلابی داشت، تا مردم را بسیج و متشکل نموده با مردم مستعبدیه و پرولتاریاری سایر ممالک رابطه برقرار نماید. تنها با حزبی مستحکم انقلاب بانجام میرسد، درست بسان کشتی ای که تنها با سکانداری زنده قادر به در هم نوردیدن اقیانوسهاست. برای اینکه حزب مستحکم باشد باید مارکسیسم - لنینیسم جوهر آن باشد، تعالیم مارکسیست - لنینیست توسط کلیه اعضا، حزب مفهوم شده و دنبال گردد. بدون عقیده و اصول، حزب بسان انسانی بی مغز، و کشتی ای بدون قطب نما است. صدر هوشی مین میگوید: "در حال حاضر تئوریه و دترین های چندی وجود دارند که صحیح ترین، واقعی ترین، و انقلابی ترین آنها لنینیسم است."

صدر هوشی مین همچنین این امر را تاکید نمود که انقلاب ویتنام بحسی از انقلاب جهانی و بیجاننده خط مشی لنینیست بین الملل بود، و به انقلاب فرانسه و جنبشهای آزادی بحتش ملی در سایر ممالک مستعمره رابطه نزدیک داشت.

کتابش "راه انقلابی" افتاز انقلابی پیسین او را بسط داده، زمینه را برای برنامه حزب فراهم نمود؛ و تأخیر عظیمی بر انقلاب ویتنام بجا گذاشت. صدر هوشی مین، در فاصله زمانی اواخر ۱۹۴۴ تا اوائل ۱۹۴۷، از کانتش (چین) توسط کتابش "راه انقلابی" و هفت نامه جوانان به ترویج مارکسیسم - لنینیسم در وطن پرداخت.



او در آوریل ۱۹۲۲، بعد از عس ضد انقلابی در او رسته چیانگ کایچک در تانگن، غازی روسیه شوروی گردید، سپس در کفرانسی بر علیه جنک امپریالیستی که در بسرو و کسل (بلژیک) بر گزار شده بود شرکت کرد؛ بعد به سوئیس و ایتالیا و سیام (تایلند امروزی) رفت. او از پایتیز ۱۹۲۸ در سیام فعالیت خود را آغاز نمود، کارها را آموزش میداد و کار آموزشی، تبلیغی و تشکیلاتی میان ویتنامیهای مقیم آنجا را هدایت میکرد، روزنامه تان ای (دوستی) را برای ترویج مارکسیسم - لنینیسم در میان آنها، که نسخه هائی از آن بداخل ویتنام ارسال میکردید، منتشر ساخت.

صدر هوشی مین یا تکیه بر تجربیات شخصی اش بعنوان میهن پرستی واقعی که به صورت کمونیستی مبارز در آمده بود، جوانان پر شعور انقلابی را آموزش میداد و توسط آنها مارکسیسم - لنینیسم را بمیان طبقه کارگر ما و مردم زحمتکش منتشر مینمود. او مارکسیسم - لنینیسم را به شرایط مشخص مملکت ما خلاصه تلفیق داد و از ارسال کلمه به کلمه نقل و قولهای تئوری کلاسیک بداخل امتناع ورزید، خط منحنی صحیح انقلابی را یافت و از طریق کتابش "راه انقلابی" و روزنامه های جوانان و دوستی آنها در دسترس همگان قرارداد. ساده و روشن بودن این نشریات کمک نمود تا خوانندگان بسرعت محتوی آنها را درک نمایند و بخاطر بسپارند و بر مبنای آنها عمل نمایند. سیوه لار صدر هوسی مین، بیداری سریع روح انقلابی لارگران، دهقانان و سایر اقشار خورده بوروازی، سهولت جذب مارکسیسم - لنینیسم و شرکت فعالان را در کارهای انقلابی بهمراه دانست.

بمنظور بانجام رساندن شعار "پرولتریزه شدن" در آغاز سال ۱۹۲۸، اعضاء جمعیت جوانان انقلابی ویتنام برای کار و هدایت کار تبلیغاتی و تشکیلاتی میان کارگران به کارخانه ها، معادن و مزارع هجوم آوردند. جنبش لارگران، در ابتدا خود بخود محلی و پراکنده، به تدریج آگاه و متشکل شده، دارای رهبری گردید و هم آهنگی میان شعبات و نواحی مختلف آغاز گشت. از اواخر ۱۹۲۹ جنبش خصلتی مستقل بخود گرفت و هسته های جنبش آزادی بخش ملی در مین ما گردید. صیقه کارگر ما مسلح با تعالیم انقلابی پیشرو و تجربه جنبش های بین المللی کارگری، تحمل رنج و فتنارهای سنگین و استقامت شدید، داستان روحیه انقلابی واقعی، نمایندگی نمودن پیشرفته ترین سیوه تولید، مظهر مصالح و منافع پایدار و اساسی ملت ما، بر حق بودن رهبری خود را به مردم ما بناتبات رسانید. مارکسیسم - لنینیسم توسط صدر هوسی مین و یارانش در ویتنام رواج داده شد، ویتنامی که مردم آن دارای سنت مبارزاتی شفقت ناپذیر علیه تجاوز بیگانگان

بوده و صیقه لارگرش با وجود تعداد کم، دارای جرات انقلابی واقعی، ناسی از ستم و بهره کشی سه جانبه امپریالیستها، قنود الهیا و بوروازی، گردیده بود؛ جنبش دهقانان و جنبش های میهن پرستانه سایر اقشار ملی نیز وسیعتر شده بودند. زمانسی کسه مارکسیسم - لنینیسم، برنده ترین سلاح عصر ما، قلب و اندیشه انقلابیین ویتنامی را فتح نموده بود، هیچ نیروی وحشی دشمن نمیتوانست آنها مانع شود. در جبهه سیاسی و ایدئولوژیکی، در میسیم و ناسیونالیسم تنگ نظرانه را قنار زد و برتری را بر فراز جنبش انقلابی ویتنام حاشی کردید. جنبش لارگران و جنبش میهن پرستانه مردم ما نیازمند به رهبری حزب طبقه لارگر بودند. شرایط برای پیدایش جنبش حزبی فراهم بود. اما همین که مسئله طرح گردید اتفاق نظر بین جمعیت جوانان انقلابی ویتنام وجود نداشت. بین جمعیت و بدنه رهبری، بین آنها که طرفدار تشکیل حزب کمونیست در هندوچین و آنها که هنوز چنین احتیاجی را نمیدیدند جدال در گرفت. این مبارزه ای بین دید پرولتاریا و ایحاد حزب طراز نوین طبقه لارگر ویتنام بود. این مبارزه به پیروزی دید پرولتاریا و ایجاد حزب کمونیست هندوچین در یک بو و حزب کمونیست آنام در نام بو منجر گردید. در در چنین وضعی، تان ویت (حزب انقلابی ویتنام نوین - حزبی میهن پرست و مترقی) نمی توانست سازمان قدیمی خود را دارا باشد و بنابراین به فدراسیون کمونیست هندو چین تبدیل گشت. هر سه سازمان مدعی بودند که کمونیست واقعی هستند و خواستار سناسازی خود توسط کمونیست بین الملل گردیدند. هنگام لار تبلیغاتی و ترویجی بین توده ها، یکدیگر را بباد انتقاد میکشیدند و هر کدام در تکاپوی نفوذ بودند. در این موقعیت، به صدر هوسی مین مأموریت داده شد که کمونیست بین الملل را نمایندگی کس نماید، او بدی بمنظور در پایتیز ۱۹۲۹ از تایلند به هنگ کنگ رهسپار گردید و دستگیره ایحاد - حزب را در سوم فوریه ۱۹۳۰ در لولون (نزدیک هنگ کنگ، چین) منعقد نمود. تحت ریاست وی، ککره تصمیم گرفت که سازمان کمونیستی را در یک حزب واحد به نام حزب کمونیست ویتنام ادغام نماید؛ طرح برنامه، طرح استراتژی و قوانین حزب را، که توسط صدر هوسی مین مطرح گردیده بودند، از تصویب بگذراند.

برنامه و استراتژی حزب بر مبنای خصلت جامعه ویتنام، مستعمره نیبه - فئودالی، و بر مبنای محتوی "راه انقلابی" مجددا تأکید نمود که انقلاب ویتنامیها از نوع انقلاب بوروا و دولتراتیکی طراز نوین است (در حال حاضر انقلاب دولتراتیکی ملی خلق) که بسوی

انقلاب سوسیالیستی به پیش می‌رود. وظیفه انقلاب عبارت بود از بیرون راندن امپریالیسم لیستهای فرانسوی و طبقه مالکین ثروتمند، نائل شدن به استغناء کامل ویتنام، دادن زمین به دهقانان، تأسیس دولت کارگران - دهقانان - سربازان - بدست آوردن حقوق دموکراتیک مردم و تشکیل ارتش کارگران - دهقانان.

طرح برنامه و استراتژی، در رابطه با حزب بحسب روش نمود که حزب ما پیش آن‌هنگام طبقه کارگر بوده و داملاً قادر به رهبری توده هاست. در ضمن هم بستگی خود با جنبش آزاد پیشخ خلقهای ستمدیده و رابطه نزدیک با پرولتاریای بین المللی، خصوصاً طبقه کارگر فرانسه را اعلام داشت.

طرح برنامه و استراتژی حزب پاسخگوی خواستهای واقعی طبقه کارگر و مردم ما بود. به همین علت است که در برگرد هم آوردن نیروهای دموکراتیک و میهن پرست بدو طبقه کارگر و هژمونی رهبری انقلاب ویتنام موفق گردید.

صدر هوشی مین، بناسبت تأسیس حزب بهانیه ای صادر نمود که حاوی دلگرمی بسیاری برای تمامی مردم و حزب ما بود: "حزب کمونیست در هفتاد و پنج ایجاد گردیده است، حزب طبقه کارگر، رهمنود و هفتده او در رهبری انقلاب و مبارزه بخاطر منافع تمامی مردم ستمدیده و استثمار شده، بیدرنگ باید به حزب ملحق شویم، بآن لکت رسانیم و پیروش باشیم." اهمیت تکفرانس ایجاد حزب هم باندازه اهمیت هر لشکره بود، زیرا استراتژی و تأثیرهای انقلاب ویتنام و پرنسپب های اصولی آنرا برای ساختمان حزب پیدا نمود. با اجرای قطعنامه های آن، در مدت کوتاهی، سازمانهای کمونیستی در ویتنام ادغام گردیدند، کمیته مرکزی موقتی را تشکیل داده و رهبری واحد جنبش در سراسر مملکت را تأمین نمودند. چنین نتایجی خود حاصل این حقیقت اند که قطعنامه های کنفرانس پاسخگوی احتیاجات زمانی جنبش انقلابی میهن ما و حاصل رهبری خردمندانه صدر هوشی مین و راهمفائی لکت کمونیست بین الملل بود مانند.

صدر هوشی مین مارکسیسم - لنینیسم را با جنبش کارگران و جنبش میهن پرستانه ویتنام برای ایجاد حزب، حزب طبقه کارگر ما، تلفیق داده بود.

پیدایش حزب ما تصادفی نبود، بلکه محصول اجتناب ناپذیر تاریخ انقلاب میهن ما و حاصل ندرات طولانی و برضدت صدر هوشی مین بود.

حزب ما عاقل اصلی تعیین کننده کتبه پیروزیهای انقلاب ویتنام است. و عصر جدیدی در تاریخ ملت ویتنام، عصر استقلال، آزادی و سوسیالیسم را در میهن ما کمونداست.

## فصل چهارم

### نیروهای اولیه

(۱۹۳۹ - ۱۹۴۰)

حزب ما بلافاصله بعد از تأسیس، بشترانه خط مشی صحیح اش، موج عظیم انقلابی بی سابقه ای را نه ان جنبش شوروی نه - تین بود متشکل و رهبری نمود. در اکتبر ۱۹۳۰، بخاطر رهبری من عظیم انقلابی سراسر مملکت، کمیته مرکزی حزب اولین پلنوم خود را منعقد نمود تا در مورد نترهای انقلاب بورژوا دموکراتیک (در حال حاضر آنرا انقلاب دموکراتیک ملی خلق مینامیم)، که بوسیله رفیق تران - فو در بیرون اول حزب ویلی از یاران برجسته صدر هوشی مین، طرح گردیده بودند، بحث و اتخاذ تصمیم نماید. پلنوم هم چنین تعویض نام حزب به حزب کمونیست هفتاد و پنج را مورد تصویب قرار داد و وظائف مهم آنرا بیان داشت.

صدر هوشی مین، در سال ۱۹۳۰ و اواسط ۱۹۴۱، با وجود درگیری در امور انقلابی در چین، با جنبش داخل و کمیته مرکزی حزب در ارتباط نزدیک بود و اجرای خط مشی حزب را هدایت میکرد. قبل از همه چیز، جنبش شوروی نه - تین را بیرون تجمیع و تسویق قرار داد. او اظهار داشت: "مردم نه - تین بسختی و پایداری مشهورند. نه - تین برای خود نام ارزنده ای را در زمان غلبه فرانسه و جنبش انقلابی (۱۹۲۵ - ۱۹۳۰) از خود بجا گذاشت. مبارزه دشواری کارگران و دهقانان نه - تین سنن انقلابی خود را حفظ نموده... و داملاً بجاست که نه - تین، سرن، ناییده شود." او در همان زمان از دفتر خاوری کمیشنر خواستار حمایت و پشتیبانی فوری و همه موقع جنبش انقلابی هفتاد و پنج گردید. در حالیکه سیاست اختلافی خونین امپریالیستها و فتوالمها را افتضا مینمود جرات بمبارزه قهرمانانه اعضا حزب و توده ها را نهایت قدری نهد: "تورر سفید نمیتواند جرات انقلابی مبارزین را تضعیف نماید... (نگوین ای) لوتک نامه به دفتر خاوری کمیشنر، (۱۹۴۱)

مبارزه بی سابقه شدید انگریزی توده های کارگر و دهقان رهبری حزب ما و همه جانبه حزب را ایجاد می نمود. بنابراین صدر عوینی من تأیید نمود که حزب باید استحکام یافته و توسعه یابد. بسیاری از اعضاء حزب در جنبش انقلابی آیدید شده، اساساً فرصتی برای مطالعه سیستماتیک تئوری مارکسیست - لنینیست و خط مشی و سیاست های حزب نیافته بودند. بنابراین بالا بردن کاراثر طبقه ای حزب و افزایش دانش تئوریکسی اعضاء، او از یکطرف به کمیته مرکزی حزب پیشنهاد نمود که کمیته ای را مسئول تبلیغ و تربیت اعضاء و روزنامه حزب نماید؛ که در مدت این دوره های کوتاه، اساسنامه و برنامه نامه سیاسی حزب آموزش داده شود، و کادرها را تعلیم و تربیت دهد. از طرف دیگر، به اعضاء حزب خاطر نشان ساخت که در جنبش کارگران کار نموده و به عضوگیری در میان پروولتاریا توجه جدی مبذول دارند. او تأیید نمود که حزب باید بطور واضح شیوه اثر را در مورد رهبری توده ها مشخص کند. حزب خط مشی و سیاست هایش را از طریق کارها بسوی افق، نه اجبار تبلیغ نماید، کمیته های حزبی باید خودشان را در درمیان سوسیال دمی و مبلغین پداسه و خود را با هر چیزی محلی منخول نمایند. هر کمیته باید وظایف مشخص هر سلول، هر عضو را تعیین نماید. دستورات ارسالی به سلولهای حزبی باید آسان و قابل فهم بوده طوریه و فقا بتوانند آنها را مورد بحث و مطالعه و اجراء قرار دهند. کمیته های حزبی هم چنین باید کار سازمانهای پائین تری حزب را رسیدگی نمایند. وقتی صحبت از مسئولیت اعضاء حزب بود او خاطر نشان ساخت: " تمام اعضاء حزب، گوی سلولهای حزبی باید دستورات و قطعنامه های کمیته مرکزی را بحت نمایند. این به آن خاطر است که سطح آدهی اعضاء حزب را بالا برد و انجام دستورات و قطعنامه ها و وسعت فکر و عمل را میان اعضاء حزب تأمین نماید. . . . او کمبودهایی مثل سبک کار تشریفاتی، خلاف واقعیت و نامربوط بشرايط مشخص را انتقاد نمود.

موج انقلابی ۱۹۳۱ - ۱۹۳۰ بنا بر ماهیتش تحت رهبری حزب ما، کارگری و دهقانی بود. بخاطر تقویت و استحکام اتحاد کارگر - دهقان، صدر عوینی من لزوم گسترش اتحادیه های کارگری و اتحادیه های دهقانی را تأکید نمود.

صدر هو خاطر نشان ساخت که در مملکت ما، اتحادیه کارگران بیست سازمان انقلابی توده های کارگر است، اما هنگام عضو گیری اعضاء اتحادیه، نباید سرايط سنگین عضویت حزب را خواستار بود، بلکه باید بی پروا تعداد کثیری از کارگران، خصوصاً جوانتریشان را در اتحادیه ها پذیرفت. حزب توجه بیشتری در تعلیم آنها مبذول

خواهد نمود طوریه از آنها مبارزین انقلابی تربیت نماید.

در مورد عضو گیری اعضاء اتحادیه، تأکید نمود که حزب ما باید نه فقط کار تبلیغاتی را میان کارگران معدن و سایر صنایع اصلی شدت بخشد، بلکه باید به بیگاران و صنعتگران در شهرها و کارگران کشاورزی نیز بذل توجه نماید. اتحادیه های کارگری باید از پائین بیابا، از پایه تا بسطح مرکزی سازمان داده شوند.

با ارزیابی از جنبش کارگران، صدر هو خاطر نشان ساخت که در نتیجه بحران اقتصادی، بسیاری از کارگران بیگار و یا کارشان به نصف تقلیل یافته بود و بنا بشرايط زندگی مصیبت بار و طاقت فرسای خود دائماً دست به مبارزات شدید می زدند. کرجسه چنین مبارزاتی به بیداری طبقه کارگر کمک نموده، اما نتایج آن بعلمت اینک جنبش هنوز تدابیر و ثبات خود را ندانست محدود بودند، اتحادیه ها بقدر کافی قوی نبوده و اعضاء حزب هنوز کاملاً در رابطه با این اتحادیه ها دید صحیح ندانستند.

مبارزه طبقه کارگر از نزدیک با مبارزه دهقانی و سایر طبقات زحمتکش در رابطه بود. روی این حساب، صدر هو تأکید نمود که اتحادیه های کارگری باید با اتحادیه های دهقانی در تماس نزدیک باشند و دیگر اینکه کارگران مبارزات دهقانان را حمایت و پشتیبانی نمایند. اتحادیه های کارگران نیز باید به جمعیت ضد امپریالیست ( یعنی جبهه متحد ملی ضد امپریالیستی ) بصورت عضو دسته جمعی به پیوندند. بدین طریق، آنها استقلال خود را از دست نمیدهند، اما میتوانند رل پیش اهنکی خودشان را در مبارزه علیه امپریالیسم افزایش دهند.

بخاطر بسج دهقانان حتی در مبارزات شدید تری، صدر هو تأکید نمود که حزب باید خط مشی انقلاب زراعی خود را در هر مرحله از انقلاب به آنها بفهماند، دهقانان را در مبارزاتشان برای آزادی، استقلال، کاهش مالیات، لغو عوارض، کاهش اجاره بها، زمین، علیه اعزام دهقانان بعنوان کارگر به مزارع و سایر سرزمین های مستعمراتی، علیه تمام فرمهای فئالی و ترور سفید و غیره رهبری نماید.

مبارزه اقتصادی باید با مبارزه سیاسی توأم شود؛ به دهقانان توصیه میشد که واحد عا دفاع از خود بحمايت از مبارزاتشان تشکیل دهند. از طریق جنبش دهقانان، حزب در موقعی قرار خواهد گرفت که بی تواند اتحادیه های دهقانی را مستحکم نموده و گسترش دهد. دهقانان ثروتمند از همان ابتدا قاطعانه باید مستثنی شوند. صدر هو با تجربه آموزی از عملیاتی که دهقانان ته - بین شروع نمودند، کمبودهای

زیرا متذکر گردید : تصور در سازمان دادن نیروهای ذخیره در نواحی مجاور برای تقویت جنبش در موارد ضروری ؛ تصور در توسیع دادن هدف مبارزه به توده ها ؛ اجازه دادن به کارآگاهان پلیس در رخنه نمودن به صفوف مبارزه و شناخته شدن نسام رهبران توسط توده ها ؛ تصور در پندگیری از مبارزات دهقانان نه - آن وغیره .

با توجه به قطعنامه کمیته مرکزی حزب در مورد سازمان اتحادیه های دهقانی از پایه تا سطوح مرکزی ، صدر هو پینتهادی را مبنی بر سازمان دادن فدراسیون اتحادیه های دهقانان هندوچین به دفتر خاوری کمیتنر تسلیم نمود با این دید ، که رهبری و - هدای را برای جنبش دهقانی در سراسر مملکت تامین نماید ، زیرا در اینجا مالکین و دهقانان تروتند ، مانند بعضی از مسالک ، تحت کنترل اتحادیه های دهقانی نبودند . توام با استحکام و گسترش اتحادیه های لارگری و دهقانی ، صدر هو هم چنین اظهار داشت که باید به جمعیت صد امیرالیست بدن توجه نمود . سازمانهای جوانان میبایست پللی شده و دارای فعالیت های مستقل گردند . اتحادیه های لارگری ، اتحادیه های دهقانی ، اتحادیه های جوانان و اتحادیه های زنان باید فعالانه به جمعیت صد امیرالیست برای مبارزه علیه امیرالیسم به پیوندند . در مورد شیوه های تبلیغاتی و تهیهی میان عناصر میهن پرست بمنظور کارهای تدارکی ایجاد جمعیت صد امیرالیست ، صدر هو اغلب به اعضاء حزب توصیه مینود که روال عادی کار خود را مراجع نمودن به کارگران قرارند هتند و سخنان آنتین در مورد پرولتاریا بزبان نتراندند . وظیفه مهم در مقابل ما بر انداختن استعمارگران فرانسوی و آزاد کردن مملکت بوده ، بنابراین میبایست احساسات میهن پرستانه را در مقیاس وسیعی برانگیزیم .

صدر هو هم چنین به دفتر خاوری کمیتنر پیشنهاد نمود که اقدام مشترکی برای کار تبلیغاتی میان کارگران و سربازان دشمن ، بین حزب ما و حزب کمونیست چین در استانهای مرزی که دارای اهمیت استراتژیک هستند ، در نظر گرفته شود . او پیوسته انتر-ناسیونالیسم پرولتری و اصل کار انقلابی را به کارهای حزب ما در چین بودند یاد می داد . توصیه مینمود که کارهای ما باید میان سربازان وینامی و فرانسوی در ساکنهای لار تهیهی نمایند ؛ در مورد سربازان بهتر بود که اول سور و سوخ حیوانه و فاقلیسان را در آنها برانگیخت ، سپس به عس و علاقه شان نسبت به میهن و ملت ، توسل جست . صدر هو در خلال این مدت ( ۱۹۳۱ - ۱۹۳۰ ) ، بعنوان عضو دفتر خاوری کمیتنر ، متصدی حوزه جنوبی ، سهم عمده ای در بوجود آوردن جنبش های انقلابی در

بسیار در امرات جنوب شرقی آسیا بهسده دست . تمام انقلابی ۱۹۳۱ - ۱۹۲۰ و جنبش سروری نه - تین در جهان دارای اعتقالاتی بود ، که خود مدیون جرات بسه مبارزه فهرمانانه و حسنگلی نایدیر مردم ما ، رهبرین صحیح صدر هو و نیمه مرکزی حزب و معاضدت کمیتنر بود . در رابطه با اهمیت تاریخی موع انقلابی ۱۹۳۱ - ۱۹۲۰ و سوراها ی نه - تین ، صدر هو بعد ها چنین نوشت : " سوراها ی نه - تین نشانده روح متهور و استعداد انقلابی مردم رحمتکنر وینام بودند . اگر چه جنبش به سکت انجام مید ، اما نیروها را برای پیروزی بعدی انقلاب اوت ابدیده گرداند ."

در ژوئن ۱۹۳۱ امیرالیسنهای انگلیس هراسنان از موع انقلابی ۱۹۳۱ - ۱۹۲۰ و تاثیر فعالیت های صدر هو در ممالک جنوب شرقی آسیا ، او را در هتک کش عیر فانتوی دستگیر نمودند ( سیر نام تان وان سو را برگزید ) . وی در زندان مجرد و سرباط دناقت فرسا ، نگران سرنوست خود نبود ، زیرا میدانست یا توسط استعمارگران از یا در میاید و یا از زنجیرهای آنها فرار نموده و به جنگ انقلابی باز میگردد . روز و شب دلور ایس جنبش انقلابی در میهن بود . اما آنچه او را بیش از هر چیز نگران میکرد : این بود که چه کسی تاروی را که او نام نکرده بود ادامه خواهد داد ؟ چگونه بعضی از تجا - رب خودش را بسایر رقبا انتقال دهد ؟ چه کسی میتواند تماسهایی را که فقط او میدا - نست دوباره بوقرار نماید ؟ حزب ما تازه تاسیس شده بود ، اما پیش از این دارای حیثیت و اعتبار زیادی بود ، مبارزه لارگران و دهقانان در حال اوج گرفتن بود ؛ در حالیکه امیر - یالیسنها سخت میترسیدند تا جنبش را بهمواپسند ، بسیاری از رقبا دستگیر ، زندانی یا کشته شد بودند ، تعداد زیادی از سازمانها از هم پاشیده بودند ؛ بنابراین چگونه میبایست کار را از پیش برد ؟

با اطلاع از دستگیری صدر هو جمعیت صد امیرالیسم ، برای استقلال مینی فوراً اعتراضه ای خطاب به دولت بریتانیا صادر نمود و ضمن آن خواستار آزادی وی گردید . بنگرانه ثبات قدمی وی ، کتک سازمان رفاه سرح بین المللی در فراهم آوردن یت حقوق - دان ، و لغت صمیمانه و کتلی بنام لرنی که از او بسنگتی یاد میکرد ، صدر هو در بهسار از زندان آزاد گردید .

در مدتی که او در زندان بود ، کادرها و اعضاء حزب داخل و خارج مملکت ، در زندان و خارج از زندان ، اخبار مربوط به رهبر محبوب و محترم خود را مستفانه دنبال نمودند . هر فردی با شنیدن خبر رهائی او از زندان غرق در شادی و سرور شد .

صدر هو بعد از برقراری تماس مجدد با حزب کمونیست چین در روسه سورروی رفت و وارد دانشگاه لندن، مدرسه عالی حریبی کادرهای رهبری احزاب کمونیست جهان گردید. بعد از خانه تحصیلش، در مؤسسه تحقیقی کمپتون، راجع به مسائل علمی و مستعمراتی، مسوول کار گردید. هنگام توقفش در روسه سورروی، با گروه محصلین وینسا می آنجا در تماس نزدیک بود، و با روحیه ای انقلابی، سرشار از حس وحدت، سارپ مانند هی و انضباط، انترناسیونالیسم پرولتری و مراقب وضع تعلیم و تربیت آنها بود و تجربیات خودش را در مبارزه انقلابی با آنها در میان نهاد است.

در ژوئیه ۱۹۳۰ عیثت نمایندگی حزب ما برای سرلرت در اجده سه عقمتین کنشروه کمیترون برهبری رفیق لوهوانک فون وارد مسلک گردید. صدر هو در کنکه بعنوان ناظر و بنام لین حضور مییافت. با احساس مسئولیت شدیدی حداکثر کوشش خود را در کنک به هیئت نمایندگی حزب ما به بار برد تا مأموریتش را در کنکه با انجام برساند.

در تابستان ۱۹۳۶، بر مبنای قطعنامه کنکه هفتم کمیترون و سرایط مشخص زمانی مبین ما، کمیته مرکزی حزب پلنومی را بریاست رفیق لوهوانک فون، که بعد ها عضو علی البدل کمیته اجرائی کمیترون گردید، منعقد نمود. پلنوم در مورد بوجود آوردن جبهه صد امپریالیستی مردم هندوچین ( بعد ها به جبهه دولترانیک هندوچین میدل ست) اتحاد تصمیم نمود، با این دید که در مبارزه علیه دشمن یعنی فاشیستهای فرانسوی و مرتجعین استعمارگر در آن مقطع زمانی و نیز بخاطر آزادیهای دولترانیک، اصلاح و بهبود سرایط زندگی مردم، حمایت از جبهه ملی فرانسه، علیه تجاوز فاشیسم و بمنظور صلح جهانی، کلیه نیروهای شرقی و دولترانیک را مجتمع گرداند.

در سال ۱۹۳۸ بعد از مراجعت به چین، صدر هو جنبش دولترانیک در مپهن را از نزدیک دنبال نمود. بر مبنای قطعنامه کنکه هفتم کمیترون و سرایط مملکت ما، نامه اش به کمیته مرکزی که حاوی رهنمود های صحیح بود، ارسال داشت. خلاصه نقرات وی گزارشی به کمیترون شامل مسائل زیر است:

### در باره شعارهای مبارزه

صدر هو خاطر نشان ساخت که در مرحله کنونی ( یعنی زمانه حکومت جبهه ملی در فرانسه بر سر دار بود ) حزب نمیتواند تقاضاهای سطح بالایی، مثل استقلال ملی، را مطرح کند، بلکه باید خواستار آزادیهای دولترانیک و اصلاح و بهبودی سرایط زندگی

مردم، غفرو نام بازیگوشیهای سیاسی، و حق سرلرت حزب در فعالیت های قانونی باشد.

### در باره مسئله جبهه

" اثر فرارست به اهداف بالا برسیم، باید مساعی خود را ضروری بوجود آوردن جبهه دولترانیک وسیع ملی بنمائیم.

" این جبهه نه فقط باید شامل مردم هندوچین و مردم زحمتکش باشد بلکه بساید افراد مترقی فرانسوی مقیم هندوچین، و افراد پروروازی ملی را نیز شامل کرد.

" در رابطه با پروروازی ملی، حزب باید نظر عادلانه و نروم یزدیری را اتخاذ نماید. باید سعی نمود بر آنها غالب بود و آنها را در جبهه نگاهداشت، در صورت امکان بغالیت وادارسان نموده، در صورت لزوم از نظر سیاسی منفردشان نمانیم. باید از بیرون گذاشتن آنها از جبهه نه خود معنی واگذاری آنها بدست مرتجعین و افزایش نیروهای آنهاست اجتناب نمود (۱).

" در مورد تروتمسکیت ما، هیچگونه سازش و امتیازی مطرح نیست. با تمام قوا باید در افشاء آنها بعنوان عاملین فاشیسم کوشید و از نظر سیاسی نابودشان گرداند (۲)

### در باره حزب

" حزب ملی نتواند از جبهه جدا شود که رهبری آنرا نبین داشته باشد، بلکه باید ثابت نماید که صدیق ترین، فعالترین و وظیفه شناس ترین بخش است. فقط ضمن مبارزه و کار روزانه، و هنگامیکه توده های وسیع سیاست صحیح و توانائی رهبری آنسرا تصدیق نمایند، حزب ملی نتواند در مقام رهبری قرار گیرد.

" برای انجام وظیفه بالا، حزب باید شدیداً با سکارکسیم مبارزه نماید، و مطالبات سیستماتیک مارکسیسم - لنینیسم را برای بالا بردن سطح سیاسی و فرهنگی اعضا، حزب رهبری گرداند. باید به کادرهای غیرحزبی بمنظور بالا بردن سطح آگاهی شان کمک نمود. با حزب کمونیست فرانسه باید روابط نزدیک برقرار نمود. (۳)

علاوه بر آن، صدر هو به کمیته مرکزی خاطر نشان ساخت که بمنظور اجتناب از کمبود های سیاسی، کنترل مطبوعات حزبی را بعهده گیرد. حزب باید داملا مراقب نوظفه تجاوزنارانه امپریالیستهای ژاپنی علیه هندوچین بوده و رفتار مسالمت آمیز مرتجعین استعمارگر فرانسوی در مورد امپریالیستهای ژاپن را از نظر دور ندارد.

پستزانه رهبری صحیح صدر هو و کمیته مرکزی ، جنبش توده ها برای آزادیهای  
دموکراتیک و بهبود وضع زندگی ، میلیونها مردم را بخود جلب نمود و آگاهی سیاسی  
آنها را بیدار نمود . اعتبار و حیثیت حزب در میان مردم ما روز بروز عمیق تر و همه جا -  
نبه تر گشت .

## فصل پنجم

### کسب مجدد استقلال

( ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹ )

از همان آغاز سال ۱۹۳۴ ، صدر هو بر این عقیده بود ده نائزه جنگ جهانی  
جدید از هندوچین و منطقه دریای آرام هم زمانه خواهد آمد . همزمان با بوجود آمدن  
حزب ما ، وی با تحلیل از تضاد های جهانی ، پیش بینی بوجود آمدن جنگ جهانی  
دوم و اجتناب ناپذیری آنرا متذکر گردید .

با شروع جنگ جهانی دوم ، در سپتامبر ۱۹۳۹ ، حزب ما بموقع نامدنی محفی کوه -  
دید و کارهای اصلی خود را به نقاط روستائی انتقال داد . در نوامبر همان سال کمیته  
مرکزی حزب در پلنوم سیم خود بریاست رفیق نگوین وان کوله در آن زمان سمت دبیر کلی  
را دارا بود تصمیم به تغییر دادن استراتژی گرفت ، بدین ترتیب تمرکز دادن نیروها -  
طر آزادی ملی و سازمان دادن جبهه متحد ملی صد امپریالیستی در دستور کارش قرار  
گرفت . در همین هنگام صدر هو ( با نام مستعار هو کوانگ ) جهت تماس با کمیته مرکزی  
حزب به جنوب چین بازگشته بود تا بدین ترتیب تدارک هر گشت بهمین را فراهم آورد .  
در تمام این مدت صدر هو رابطه با سازمانهای بین المللی مورد نظرها از خاطر دور نماند -  
است . سازمانهای انقلابی ما در جان میبایست تقویت میگردیدند تا به هنگام " ورود  
نیروهای چین بداخل ویتنام " آمادگی لازمه را داشته باشند .

در ماه ژوئن سال ۱۹۴۰ ، حمله فاشیست های آلمان به فرانسه آغاز گردید ، دو -  
لته بورژوازی فرانسه تسلیم شد و استعمارگران فرانسه در هندوچین را بکلی سر در گهنمود .  
بعقیده صدر هو زمان بر وفق انقلاب ویتنام میچرخید . هر چند حدود او در کولین ( چین )  
فعالیت مسجون بود ، معدالت اندیشه ایجاب پایگاههای انقلابی در کائو بان ، کسه

نگوین ای کوک : گزارش ارسالی اوضاع سیاسی هندوچین  
( ۱ ) ، ( ۲ ) ، ( ۳ ) ؛  
از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ به کمیتن ( اسناد حزب جلد اول ، ۱۱۳۱ - ۱۱۳۵ )

دارای انفر و استراکتور محکم و مناسبی بودند ، را در سر می پروراند ، که از آنجا جنبش می توانست تا منطقه دلتا ، ضمن حفظ رابطه با جنبش کمونیستی بین المللی ، گسترش پیدا کند . دستور العمل های اولیه بعضی از کارهای حزب که آن هنگام در چین فعالیت میکردند این بود که به ملت بازگردند و به جمع آوری نیرو پردازند و در بین موقعیت منا سب برای تسخیر قدرت باشند .

در اوائل سال ۱۹۳۹ صدر هو و کمیته مرکزی تجاوز امپریالیسم ژاپن به ویتنام را پیش بینی کرده بودند . این پیش بینی در سال ۱۹۴۰ صورت تحقق بحود گرفت . فرانسویهای استعمارگر بزانو درآمدند و ویتنام را در دست می به ژاپنها تفدیم کردند . مردم ما تحت یوغ دو جانبه استعمار فرانسویها و ژاپنها مصمم به قیام علیه فاشیستهای ژاپنی و فرانسوی شدند . در نوامبر سال ۱۹۴۰ عقمتین یانوم کمیته مرکزی برقرار گردید و حاضر نشان نمود که فاشیستهای ژاپنی و فرانسوی دو دشمن مستقیم ما بود و هدف را تدارک قیام مسلحانه قرار دادند تا بدینترتیب بتوانند قدرت را در دست بگیرند . یانوم تصمیم به حفظ واحد چریکی یان سون و ایجاد پایگاهی برای انقلاب گرفت .

در اواخر سال ۱۹۴۰ ، صدر هو به مرز ویتنام و چین رسید و دوره کارآموزی کارها ، بر مبنای سند راه آزادی ، را برقرار کرد و در ۸ فوریه سال ۱۹۴۱ به پانک بو ( استان کائویان ) وارد شد و بنام "تو" ی پیر ، یانوم هم کمیته مرکزی را منعقد ساخت . ضمن تربیت کارها و رهبری مستقیم ، به اجرای نقشه تاسیس انجمنهای رها- شی ملی در کائویان پرداخت . او در این خلال اقدام به ترجمه کتاب تاریخ حسیب کمونیست اتحاد شوروی ( بلشویک ) کرد و روزنامه ویتنام داک لاپ ( باحتیاط ویت لاپ ) را به چاپ رسانید . و هر چند در شرایطی بی نهایت سخت زندگی میگذراند همچنان رفتاری پر متانت و ملامت داشت .

" صحبها را در کنار جوپار و سبها را در عار سر برون

" زندگی را با آبر و ت و جوانه نی گذراندن و همیشه اگاه و خوش برنگ بودن

" بروی میری که در سنگی نوزان بنا شده بود به ترجمه کتاب حزب کمونیست شوروی

پرداختن

" آه که ، برای یک انقلابی چه زندگی پر زنجی است ! "

در اسرار حوسی من ، جایگاه وان هو ، عاوی ۱۱۱۷ .

حت عاوی در دفتر امراسته مارنسیسم - کمونیسم ، صدر هو ، سجاقت وانگکا - به سروری مستقی باید بر مردمی را که هزاران سال تاریخ مبارزات پر سلوکی را پشت سر گذاشته تعیین کرد .

" تا آنجا که جسم تاری کد کوهها و رودها را می بینی

" فضای بیشتر چه احتیاجی می تواند باشد ؟

" جوپار نشین در ایجا و کوه مارکن در آنجاست

" و ما با دشمنانی حالی باحتیاج مینمان مسولیم . " (اراسعار هوسی من)

در ماه مه ۱۹۴۱ ، در زمانی که نماینده کمترین بود ریاست یانوم هم کمیته مرکزی حزب را بعهده لوف - یانوم با تحلیلی علی از شرایط جهانی و ویتنام حاضر نشان سل- حت که اثر در اثر جنگ جهانی اول ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوجود آمد در نتیجه جنگ جهانی دوم کشورهای سوسیالیستی بیشتری پا برمه وجود خواهند گذارد . و انقلاب در خیلی از کشورها به پیروزی خواهد رسید . یانوم موکدا بیان داشت که آزادی می از مردم ترین و صادق انقلاب مند و چین است . بنابراین در حال حاضر منافع طبقاتی و مجلسی باید تابع منافع عالی ملی شود . اول و مهمتر از همه اینکه لازم است استقلال ملی و آزادی مردم را بدست آورد .

بناظر منحنه سوس اکثریت مردم ، جذب کلیه نیروهای انقلابی و متمرکز نمودن حلقه اصلی بروری فاشیست های ژاپنی و فرانسوی یانوم تصمیم به تاسیس جمعیت استقلال ویتنام و یا باحتیاط ویت مینه را گرفت . جهت تأکید بروی آزادی ملی ، یانوم حاضر نشان ساخت که عدت سارنهای نوده از جنبه باید عقائی ملی باشد و بنابراین همگی آنها تحت عنوان انجمن نجات ملی خوانده میشوند . یانوم نظر داد که بسیج مردم بساری مبارزه انقلابی باید تحت عنوان جنبه متحد ویت مینه صورت پذیرد ولی خصلت پیش - آهنگی حزب هم چنان محفوظ میماند و با گسترش جنبه رن رهبری حزب باید قدرتمند تر و مستحکمتر گردد .

یانوم هم چنین تصمیم گرفت که جهت تمایز و فرور گذاری در قیفر در بین طبقه مالکین شعار گرفتن زمینها از مالکین و تقسیم آن بین دهقانان بطور موقت آثار گذارده شود و شمارهای از قبیل ضبط زمینهای امپریالیستها و حائنین و تقسیم آن بین دهقانان فقیر ،

گاهش اجاره بهاء زمین و تن بهره ، تقسیم مجدد زمینهای محلی و تقسیم ندرجی آن بین دهقانان ، جانسپین آن کردند .

پلنوم هم چنین از حل و فصل مسائل ملی در چهارچوب هر یک از ممالک عندوچین ظرفداری بعمل آورد و شعار " برقراری جمهوری دموکراتیک ویشام " را جایگزین شعار " برقراری دولت جمهوری دموکراتیک فدرال عندوچین " نمود .

پلنوم نیز در مورد ایجاد و توسعه واحدهای نظامی و غیرنظامی و تحویب ریسری آنها بحاظرتداتر قیام مسلحانه اتخان تصمیم نمود و پیشروی و گسترش قیام های محسی تا سطح قیام عمومی را خواستار گردید تا بدینوسیله بتواند قدرت را در سرتاسر مطلق به نسخیر خویش در آورد .

تحت نظر مستقیم صدر هو هشتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب اهمیت تاریخی بسزائی کسب کرد . قطعنامه پلنوم به مسئله آزادی ملی پنجوی عییب و کامل برحود نمود و ایس گامی بجلو برای انقلاب مردم ویشام بود . اهمیت واقعی پلنوم در پیروزی انقلاب اوبه خوبی نمایان شد .

بنا به پیشنهاد صدر هو ، کنفرانس ، کمیته مرکزی جدید را انتخاب و رفیق ترو و شینه را بعنوان دبیرک حزب برگزید .

بعد از پلنوم صدر هو ، در فراخوانی ، که از تکیه مردم خواست که بر علییه فاشیست های ژاپنی و فرانسوی متحد شوند چنین ابراز داشت : " در حال حاضر به خاطر منافع آزادی ملی که در درجه اول اهمیت قرار دارد بایستی متحد شویم تا امیریا- لیسیم و خاستنین را از مطلقمان بیرون رانده و میهن مان را از این موقعیت غیر قابل تحمل برهانیم

" مبارزین انقلابی ، وقت آزادی فرا رسیده ! بیائید تا پرچم استقلال را برافروشته و تصامی مردم را در مبارزه و انهدام دشمن مشترک هدایت ننائیم . آوای مقدس سرزمین پدری در گوشه پائین طنین انداز ! و خون قهرمانان ملی در رگهایتان جاری ! ملت حاضر بجهنگ و در انتظار رهبری شما !

" بیائید همگی به پیش تازیم ! بگذار تمامی مردم به پیش نازند ! بیائید همگی متحد شویم و ژاپنیها و فرانسوی ها را از مملکت بیرون رانیم . " برای آماده کردن جهت قیام مسلحانه و کسب قدرت ، از سال ۱۹۴۱ بعدد بنا برهنمود صدر هو واحدهای مسلح دفاع از خود در کائو یان ایجاد گردید . اسناد مهمی در

باره ناشیک های جنگ چریکی مانند جنگ چریکی ، تجربه چریکهای چین توسط وی به رشته تحریر در آمد . علاوه کتاب هنر نظمگیری سان زو و کتاب تعلیم نظامی فرماندهان ، چون لیان تحت عنوان جدید "چگونگی تربیت کادر نظامی" را ترجمه کرد .

بعد از هشتمین پلنوم کمیته مرکزی و ره نمود های صدر هو ، مسئله " رفتن به جنوب " مطرح شد که بلافاصله با اجرا در آمد . او مسئولیت باز کردن دوراه را بعهده چند تن از کادرها واگذار کرد . یکی راه از کائو یان به لان سان و دیگری راه کائو یان به سان کان و ته نکون تا بدین ترتیب قادر بحفظ ارتباط مطمئن با هیئت اجراییه شینه مرکزی گردد . و شرایط مناسب جهت رسد پایگاههای سیاسی و نیروهای نظامی انقلاب را قرب اعم آورد .

قطعنامه پلنوم هشتم کمیته مرکزی و خط د قیقی که بوسیله صدر هو طرح ریزی شده بود مجدانه توسط تمامی حزب به مرحله اجرا گذاشته شد .

در ماه اوت سال ۱۹۴۲ تحت نام هوشی مین جهت تماس با نیروهای ضد ژاپنی ویشامی که در چین زندانی میکردند به انجا عزیمت کرد ولی هنگام عبور از مرز بوسیله نیرو-

های چیانگ کایچک دستگیر و بمدت یکسال زندانی گردید . در طی این یکسال او کتاب مجموعه اشعار خود بنام "خاطرات زندان" را برشته تحریر در آورد . در طی این مدت

به ۱۳ تاحیه و به ۱۸ زندان در استان کوانتی فرساده شد و متحمل سختیهای زیساد گردید ، باندازه فاقی باو غذا و لباس نمیرسید . دندانهایش را در زندان از دست داد

و موهایش سفید شد و جمعا علیل گردید ، او زنده ماند " زندگنی که هیچ چیزش شایسته انسان نبود " معذالک سختیها و مخاضرات هیچکدام نتوانستند بر عزم آهنین او غلبه

یابند :

" ... "

" با سر سختی و صبر فراوان هرگز قدمی بعقب نی نهادم ،

" با وجود ضعف جسمی هرگز تزلزل در روحیه ام پیدا نمد . "

با عزی جزم و اعتقادی راسخ به پیروزی جنبش آزادی ملی با خوش بینی فسر او ان

چنین بیان نمود :

" در هر کجای مملکت من ، بر جمعی سرخ دوباره در اهتزازند ،

" آه ، که زندانی بودن در چنین شرایطی چقدر مشکل است !

" بی آزاد میمون تا سهم را در جبهه جنگ ادا کنم ؟



" مردمانی که از زندان آزاد میشوند قادرند در ساختمان مهین سرشت کنند .  
" درد و رنج و نابسامانی بود آزمایشی است جهت سنجش وفاداری به مردم .  
" گسائیکه بر علیه بی عدالتیها فد علم می کنند انسانهای واقعی هستند .  
" زمانی که در زندانها باز شود عقاب واقعی پرواز در خواهد آمد ."

کتاب خاطرات زندان مجموعه اشعار است با " فالسی پولادین " ، در بر گیرنده افکار عالی و پیر احساس یک مبارز انقلابی کبیر و دارای ارزش آموزشی فراوان و درخور روحیه و شأن انقلابی حزب و تمامی مردم ماست .

صدر هو در سپتامبر ۱۹۴۳ بعد از آزادی از زندان با سازمانهای ویتنامی ضد ژاپنی و ضد فرانسوی در لوجو آشنا شد و در همین ایام جهت بازگشت بهیمن بسا حزب تماس گرفت تا مجددا رهبری جنبش را در دست گیرد .

در اواخر سال ۱۹۴۱ و اوایل سال ۱۹۴۲ جنگ چریکی بعدت ۸ ماه در وونسه (استان ته نگوین) در گرفت . در سال ۱۹۴۴ جنبش انقلابی نسبتا قدرتمندانه گسترش یافت در پایگاههای باک سان ، وونه و کائو بان جنبش اون گرفت و جنگ چریکی آغاز گردیده بود . در ژوئیه سال ۱۹۴۴ کمیته حزبی منطقه ای کائو - بان - لان جلسه ای جهت ارزیابی شرایط ترتیب داد . بنا به تشخیص آنها شرایط برای آغاز جنگ های چریکی در این سه منطقه آماده بود . سپس کمیته منطقه ای قرار شد آخرین جلسه اش را به بررسی سایر مشکلات بپردازد و در مورد زمان قیام بهنگام بازگشت صدر نحو به - کائو بان) تصمیم بگیرد . وی پس از مطالعه گزارشات در مورد ارزیابی از شرایط و نیز قطعنامه کمیته حزبی سه منطقه ، تصمیم به بتجوییح انداختن قیام گرفت . زیرا قطعنامه عدتا بر مبنای شرایط مناطق کائو - بان - لان و نه تمام مملکت تهیه شد ، بود و ایس بدان معنا بود که کمیته فقط بخشی از دل شرایط را در نظر گرفته بود . نقاط بسیاری بودند که هنوز آماده قیام را نداشتند و کادرها و نیروهای نظامی برانگنده بودند ، پایه های کار هنوز محکم نبود . از در آن شرایط جنگ چریکی در مقیاس وسیعی آغاز میگردد مسلما محکوم به شکست بود ، زیرا امپریالیستها توجه و تمرکز خود را در سرکوب نرس آن می گذارند . بنا بعقیده صدر هو ، دوران گسترش مسالمت آمیز انقلاب سر رسیده بود ولی هنوز وقت و زمان بین قیام سرتاسری هم فرا نرسیده بود . بنابراین اثر فعاليتها را فقط در زمینه تار سیاسی محدود میگردیم ، این امر برای پیش بردن انقلاب لایق نبود . ولی

اثر تمام سرتاسری را بلافاصله لغاژ میگردیم بوسیله حملات دشمن بخاطر میافاد . زمان ، زمان یا فراتر از مبارزه سیاسی به فرمهای نظامی بود . هر چند در موفیحت گزینی هم هنوز تار سیاسی مهم تر از فعالیت نظامی بود ، معدنک جهت کسب پیروزی می بایست فرم صحیحی از تلفیق این دو بدست می آمد . رهنمود صدر هو هم تلفیق ایندو یعنی کار نظامی و تار سیاسی با یکدیگر بود تا بدینترتیب جنبش به پیش حرکت نماید و راه را برای یت قیام سرتاسری هموار سازد . او تاکید کرد که اگر فرارست نیروهای نظامی گسترش یابند باید اساسا به نیروی خلق و مبارزه سیاسی توده ها متکی باشیم . هر چقدر سازمانهای انقلابی توده ها استحکام و گسترش بیشتری یابند و مبارزه سیاسی - شان نیرومندتر باشد ، پایه محکمتری جهت سازماندهی نیروهای نظامی و انجام مبارزه صلحانه بوجود خواهد آمد .

در ۱۲ دسامبر سال ۱۹۴۴ بر مبنای نیروهای مسلح خلق ده بدینطریق بوجود آمد ، صدر هو رهنمود ایجاد تیم تبلیغاتی برای آزادی ویتنام بر رهبری رفیق نگوین جیاب را ارائه داد . او حاضر نشان ساخت : " ... نام تیم تبلیغاتی برای آزادی بدیسن معناست که بخش سیاسی برانتب از بخش نظامی مهم تر است . این یک واحد تبلیغی است . جهت انجام یک عمل نظامی موفقیت آمیز تمرکز نیروها یک امر اصولی است ؛ بنا براین طبق رهنمود های سازمان ، یت واحد نیروی اصلی از صمیمترین و مشتاق ترین اعضا و کادریهای واحد های چریکی کائو - بان - لان تشکیل خواهد شد و میزان بسیار زیادی اسلحه نیز در دسترس قرار خواهد گرفت .

" جنگ مقاومت ما ، جنگ همه خلق است تمام مردم باید بسیج و مسلح شوند ؛ بنابراین هنگامیبه به تمرکز نیروها برای ایجاد اولین واحد نظامی می پردازیم ، نیروهای مسلح محلی نیز باید حفظ کردند تا بتوانند عملیات دسته جمعی در هر زمینه را هدایت و به آن لکت برسانند . وظیفه واحد نیروی اصلی ، بالعکس ، تک به کادریهای نظامی محلی و در صورت امکان ، دادن اسلحه و آموزش نظامی به آنان است تا بدین ترتیب او - حد های محلی نیز بتوانند هر چه بیشتر رشد کنند ."

بنظر رهبر ، مبارزه مسلحانه بر مبنای اصول بالا ، وی لزوم عملیات سریع و قاطع را تاکید نمود . نیم بعد از بوجود آمدن ، باید عملیات موفقیت آمیزی را بسر انجام برساند و بخصوص فعالیت اول باید همراه با موفقیت باشد . توجه فعالیتهای تیم باید بر روی واحد های مسلح محلی باشد ؛ بدین معنا که باید کادریهای ورزیده را به نقاط

مختلف برای تبادل تجربه اعزام دارد. فعالیتها را با یادگیری همگون کرده و رابطه با بدنه رهبری را حفظ نماید. در رابطه با نائیک های عنبردی عنیات چریک: محفی لاری، زندکی و جلالی: احتراز از خودبینی و کم بها دادن و سر در گنج نمودن دشمن رانیز توصیه نمود.

آموزشهای فوی الذکر صدر هو به مسائل اساسی خط نظامی حزب در آن زمان و حتی دوران مقاومت طولانی بعدی برخورد نموده، مسائل اساسی بسیجی و مسلح نمودن تمام خلق: مقاومت همگانی و ایجاد سه نوع گروه مسلح (غیرمنظم، منطقه ای و منظم) را شامل گشت. فرم عمل ترتیب مبارزه سیاسی با نظامی توسط نیروهای مسلح و اصول و تاکتیکهای عنیات چریکی و غیره را ارائه داد.

ضمن توجه به ایجاد و گسترش نیروهای نظامی و سیاسی، صدر هو طی نامهای خطاب به خلق ویتنام مینویسد که زمان استقلال و آزادی کشور نزدیک است و از تمام سازمانها و احزاب، خواست تا با سرعت هر چه تمامتر تدارن برگزاری کنگره ملی را فراهم آورند!

" ناپودی اردوگاه متجاوزین فرا رسیده است، منفین در انتظار پیروزی نهائسی هستند. زمان آزادی مردم ما، در عرس یکسال تا یکسال و نیم آینده فرا میرسد. وقت ننگ است باید هر چه زودتر دست بکار شویم!

" امید داریم که احزاب و سازمانها مجدانه در تهیه تدارلات و برگزاری جلسات بحث بمنظور برگزاری کنگره ملی در اسامیل بپوشند. بدین صورت مسلما ما مشمول کنگ های حل-رح هم خواهیم بود و بدون شک امر رهائی ملی پیروزمند خواهد گردید!"

از پاندم هشتم کمیته مرکزی و بخصوص از سپتامبر ۱۹۴۴ با اینطرف، صدر هو و کمیته مرکزی بر این عقیده بودند که فاشیست های ژاپنی و استعمارگران فرانسوی هر کدام به نحوی سعی می کنند تا از دست یدیکر خلاص شوند. در حقیقت در ۱ مارس سال ۱۹۴۵ ژاپنیا دست به کودتا زدند و استعمارگران فرانسوی را بیرون رانده و کنترل بلانسا ز هندیچین را بدست گرفتند. از ۱ تا ۱۲ مارس ۱۹۴۵ دفتر اجرائی کمیته مرکزی حزب جلسه وسیعی در دین بان (بانک نین) برگزار کرد تا موضعیت موجود را مورد بحث قرار دهد و رهنمود بسیار مهمی، تحت عنوان کنگشک ژاپن - فرانسه و وظایف ما، را صادر نمود. جلسه باین نتیجه رسید که کودتای ژاپن بحران سیاسی عقیقی را بدینان خواهد داشت که رشد شرایط لازم برای یک قیام عمومی را تسریع میسازد و هم چنین تاکید کرد که

دشمن اساسی در زمان حاضر فاشیستهای ژاپنی و نمایندگان آنها هستند و وظیفه تمامی حزب را بدین شرح بیان داشت: بر پا داشتن جنبش مبارزاتی وسیع علیه ژاپنیا، به منظور رهائی ملی و بعنوان پیش درآمدی برای قیام عمومی.

در ماه مه سال ۱۹۴۵ صدر هو از کاتو بان به تان تراو رهسپار کردید تا هدایت مستقیم جنبش انقلابی سرتاسری را بدست گیرد. بعد از استماع گزارشی دقیق اوضاع، دریافت خود را با رهنمود دفتر اجرائی کمیته مرکزی و قطعنامه کنگفرانس انقلابی نظامی بان - کی (۴ آوریل ۱۹۴۵)، اعلام داشت و چند نکته مهم را بگزارش اضافه کرد. این نکات شامل برقراری پایگاه آزاد شده ویت باک و ادغام نیروهای مسلح در ارتش آزادی بخش (۴ ژوئن ۱۹۴۵) بود. بلافاصله بعد از آن سیاست ۱ ماده ای خود برای مناطق آزاد شده را بدین شرح عرضه نمود: بیرون کردن فاشیست های ژاپنی و دار و دسته خائنین، ضبط و توقیف اموال متجاوزین و خائنین و توزیع آنها بین مردم فیفسر، اعلام حق انتخابات عمومی و آزادیهای دموکراتیک، مسلح کردن توده ها و ملزم کردن آنها به پشتیبانی از چریکها و پیوستن به ارتش آزادی بخش. آبا - گردانیدن زمینها، تسویق تولید، بدست آوردن اقتصاد خود کفایتی در پایگاههای آزاد شده، اجرای بیمه های اجتماعی و درمان قربانیان، تقسیم مجدد زمینهای محلی، کم کردن اجاره بها، زمین و داهش رنج دیون و اجاره دیر کرد پرداختها، از بین بردن مالیاتها، مبارزه بیسلا بیسواد و تحلیم دادن مسائل سیاسی و نظامی به مردم، تصمین نسایو بین خلفها و ملیت های مختلف، و بین زن و مرد.

ایجاد مناطق آزاد شده موفقیت بزرگی برای خلق ما محسوب میسند. اینها پایگاه هبائی انقلابی برای سرتاسر مملکت بود و تصویر کوچیک از ویتنامی آزاد شده را در برابر خلفان مجسم میزند که خود الهام بخش مبارزات ضد ژاپنی و پیش برد سریع آن به سوی رهائی ملی گردید.

جنگ جهانی دوم کم کم به آخر نزدیک میشد. فاشیستهای آلمانی و ایتالیائسی تسلیم اتحاد شوروی و نیروهای متفقین شده بودند. مرگ فاشیسم و این نزدیک بود. در هندیچین، ارتش ژاپن در کوچکی عجیبی بسر میرد. شعله های جنبش انقلابی بیش از هر زمان دیگر در سراسر مملکت زمانه میکسید. شرایط برای یک قیام عمومی مهیا و آماده بود. برای استفاده از این موقعیت مناسب، صدر هو و کمیته مرکزی را تصمیم بر اینند شد که تمامی مردم را برای یک قیام عمومی جهت تسخیر قدرت در تمام مملکت بسیج نمایند.

اوتانید نمود: " این بار سرایید داخلی و خارجی هر دو ناملاً بر وفق مراد است بنا بر این بی شت حزب ما بدون در نظر گرفتن قریباتی، باید لقیه مردم را در مبارزه بسرای سبب استقلال رهبری کند. حتی اگر در مبارزه خود مان مجبور باشیم تمام خطه تران سان را هم به آتش یکسیم بمنظور سبب استقلال باید مصمانه به پیش رویم "

بنا به پیشنهاد صدر هو، مقارن با پیروزی ارتش رزمنده شوروی بر واحد های اصلی فاسیستهای ژاپنی در شمال شرقی چین، کنفرانس سراسری حزب و کنگره ملی با تدارک قبلی یابی بعد از دیدن در نان تراو برگزار گردیدند.

کنگره سرتاسری حزب ده در ۱۰ اوت ۱۹۴۵ برگزار گردید تصمیم به انجام یک قیام عمومی با هدف قیام مبارزاتی " مخالفت با تهاجم"، " استقلال کامل"، " حکومت خلق" گرفت و جهت رهبری قیام، سه اصل را پایه تار قرار داد: " تمرکز، عمل واحد و وقت مناسب". حمله میبایست زمانی صورت گیرد که به پیروزی آن چه در سرها و یا دهات اطمینان لامل وجود میداشت. مبارزه سیاسی میبایست با مبارزه نظامی تلفیق داده شود تا بتوان روحیه دشمن را قبل از حمله تضعیف نمود. در مورد مسائل داخلی کنفرانس لزوم توجه اساسی به تار تبلیغاتی و سازماندهی در میان توده ها را یادآور گردید.

کنفرانس بجزم و سرود ملی و قیام دولترانیک را نیز تعیین کرد و سیاست مهم " اتحاد ملی ویت مینه را بعنوان سیاست های میهم و فوری حزب و مردم به تصویب رسانید. در مورد روابط خارجی میبایست تضاد بین جناحهای فرانسه - انگلیس و امریلا - جپانکاچیک را با بحساب آورد و از رود رورثی با چند دشمن در آن واحد خود داری نمود. ما میبایستی بروشنی تضاد خصمانه بین امریلا، انگلیس و فرانسه را از بی طرف و اتحاد شوروی از طرف دیگر را در مد نظر داشته و تباتی احتمالی فرانسه با امریلا و انگلیس بخاطر برکتی از طرف پاره یه ویتنام را در نظر میگیریم. کنفرانس تالیید زیاد بر روی وحدت سیاسی و تسکیناتی حزب گذارد و با گرایشات "جپ" و راست هر دو مخالفت بعمل آمد تا حزب بتواند سبب رهبری قیام تمامی مردم و تسخیر قدرت را بسوا انجام رساند.

قطعهنامه کنفرانس برای مردم و حزب ما سیاستها و دورنمای قیام عمومی را روشن ساخت؛ و در عین حال برای مسائلی که بعد از تسب قدرت و پیروزی سرتاسری پیش می آید و رعتمون های لازم را ارائه داد.

بعد از کنفرانس سرتاسری حزب، کنگره ملی در ۱۶ اوت ۱۹۴۵ تحت ریاست صدر هو برگزار گردید. این اولین باری بود که نمایندگان احزاب سیاسی و سازمانهای

حلقی، ملیت های مختلف و مذهمیون از شمال، مرکز و جنوب و حتی تعدادی از ناملاً یند تان ویتنامیهای مقیم خارج قادر بدیدن صدر هو رهبر محبوب تمام خلق ویتنام میشوند. کنگره ملی بکری از تصمیم حزب و بدنه رهبری ویت مینه در مورد قیام عمومی استقبال کرد. وعزم خود را در مورد سبب استقلال، قبل از ورود قوای متفقین به هندوچین، اعلام دانست: " کشور ما پس از تسلط ژاپنی ها بخودی خود مستقل نمیشود. مسائل و موامع زیادی بروز خواهد کرد ما باید تاملاً هوشیار و مصمم باشیم آنچه ان هوشیار، که از مسائلی که مدن است بصر ما تمام شود جلوگیری بعمل آوریم. و آنچه ان مصمم که استقلال گام مل را بدست آوریم. در جهان، پس از این جنگ، مردمانی که قاطعانه و هم صدا استقلال را طلب کنند بدون شک استقلال را بکف خواهند آورد. پیروزی از آن ماست." کنگره مجدانه تمامی مردم و سازمانهای انقلابی را به قیام موع، اتحاد و کوشش بمنظور به اجرا در آوردن سیاستهای " اتحاد ملی ویت مینه، دعوت نمود. بخاطر تأمین رهبری انقلاب آزادی بخش ملی تا پیروزی نهائی کنگره، کمیته ای را بنام " کمیته ملی برای آزادی ویتنام" ( دولت موقت جمهوری دولترانیک ویتنام) بریاست رفیق هوشی مین تعیین نمود.

سرتاسر کشور، با فراخوان زیرین صدر هو برای قیام عمومی هم صدا شد:

" هم میهنان عزیز

" ... در حال حاضر ارتش ژاپن در هم شکسته و دامنه جنبش رهایی بخش ملی

در سراسر مملکت رو به گسترش است ...

" زمان قطعی، تعیین سرنوشت میهنمان فرا رسیده است. بیائید تا همگی بیا خواسته و قدرت خود را برای آزاد کردن خود مان بکار گیریم. بسیاری از خلقهای ستم دیده جهان بوقایت با یکدیگر برای رسیدن به استقلال به پیش می تازند. ما نمیتوانیم از این قاعده عقب بمانیم.

" تحت لوای بیرق ویت مینه به پیش، به پیش! بگذار تا خلق ما شجاعانه به پیش تازند."

پس از این دعوت، تمام مردم ما از شمال تا جنوب و از سرزمین های پائین تا بالا بیا خاستند. و این رستاخیز یکپارچه میلیونها زن و مرد در قیام عمومی، بخاطر تسخیر قدرت در سراسر مملکت بود.

انقلاب اوت درست در زمانی شروع شد که صدر هو و کمیته مرکزی قبل از آغاز جنگ جهانی دوم آرا پیش بینی نموده بودند، و بنا به گفته صدر هو، هنگامیکه مردم ما راه

انقلاب را یافته بودند ، پیناهنگان می بایست چنین فرصت مناسبی را غنیمت شمرده و در صدد پیش برد آن باشند .

پس از استقرار قدرت در پایتخت ، هانوی ، دفتر اجرائیه کمیته مرکزی جلسه ای بمنظور اخذ تصمیم در مورد مسائل مهم داخلی و خارجی در شرایط نوین ترتیب داد و صدر هو بنا به قطعنامه دفتر اجرائیه ، پینهماداتی به کمیته مرکزی بخش زیر ارائه داد: بسط دولت موقت ، اعلام استقلال ، گرد هم آئی جمعیتی وسیع از اهالی کشور در پایتخت بمنظور حسن استقبال از روی کار آمدن قدرت انقلابی .

در ۴ سپتامبر ۱۹۴۵ ، در هانوی در میدان بان دین صدر هوشی مین به نمایندگی از جانب دولت موقت بیانیه تاریخی اعلام استقلال را رسط قرائت کرد ، و روی کار آمدن جمهوری دموکراتیک ویتنام ، سقوط و نابودی کامل سلطه استعماری و فئودالی و برقراری آزادی و استقلال سرزمین خلق ویتنام را به مردم ما و جهان اعلام داشت: " مردمی که با شجاعت تمام ، بمدت ۸۰ سال برطیبه تسلط فرانسویها مبارزه کرده اند ، مردمی که با دلیری و از خود گذشتگی ، پایهای متفقین ، در سالهای اخیر بر ضد فاشیسم جنگیده اند ، چنین مردمی باید آزاد و مستقل باشند .

" ویتنام حق دارد آزاد و مستقل باشد هم چنان که در حال حاضر هست . تمام خلق ویتنام مصمم است تا تمامی نیروی جسمانی و فکری خود را تجهیز نموده و جان و مال خود را در راه حفظ استقلال و آزادی پیش فدا نماید . "

در حقیقت بیانیه استقلال چکیده آثار قبلی صدر هو ، اسناد حزبی و نیز تجلیات قهرمانان ملی و انقلابیین تسلیهای پیشین بود . بیانیه استقلال به تاریخ مبارزات خستگی ناپذیر و قهرمانانه ملت ویتنام صفحات پرشکوهی را افزود .

موفقیت انقلاب اوت بارمغان آورنده فصل نوینی در تاریخ مردم ویتنام بود که طی آن جمهوری دموکراتیک ویتنام اولین کشور دموکراتیک توده ای در جنوب شرق آسیا پا به عرصه وجود گذاشت . انقلاب اوت نه تنها حاصل جنبش آزادی بخش ملی سالهای ۴۵ - ۳۹ بود ، بلکه نتیجه مبارزه طولانی و قهرمانانه مردم ما تحت رهبری حزب و صدر هو نیز بود .

موفقیت انقلاب اوت در ویتنام مبین صحت کامل خط صدر هو در مبارزه رعنائی ملی بود . با رهبری انقلاب اوت تا پیروزی ، وی نقش بیارزشی را در انقلاب جهانی خود اختصاص داد . او رهبری مردم ما را در درهم شکستن سیستم استعماری امپریالیسم در

صغیرترین حلقه امر ، بعهدده داشت که خود در آغاز دوران تلافی سیستم استعماری ، در عصر پیروزی انقلاب اکتبر و پیدایش سیستم های سوسیالیستی جهان بی نهایت موثر واقع گردید . موفقیت انقلاب اوت هم چنان نشان داد که صدر هو ، خلافتانه نشوری نئین در مورد مسئله ملی و مستعمراتی را در شرایط مشخص ویتنام پیاده کرده است : در عصر انقلاب پرولتاریائی ، انقلاب آزادی بخش ملی اولین قدم قطعی و مسلم انقلاب دموکراتیک ملی توده ای برهبری طبقه کارگر ، کاملا قادر است در یک کشور مستعمره و نیمه - فئودال به پیروزی منتهی گردد . این انقلاب هر چند که با انقلاب پرولتاریائی در "کشور مادر" در رابطه بسیار نزدیک است ، معدالت به آن متکی نبوده ، بالعکس می تواند قبل از بروی کار آمدن طبقه کارگر در "دولت مادر" ، ابتکار عمل را در دست گرفته و به پیروزی نائل آید و همانطور که صدر هو اظهار داشت : " پیروزی بزرگی برای مردم ویتنام و اولین پیروزی مارکسیسم - لنینیسم در یک کشور استعماری بود . "

## فصل ششم

### اولین مقاومت

(۱۹۵۴ - ۱۹۴۵)

بعد از تسخیر قدرت، مردم ما بعزت عدم وقت کافی برای سازماندهی و استحکام بخشیدن به نیروهایمان، با اوضاعی نهایتاً متنگ و پیچیده ای روبرو گردیدیم. فحطی و حنمتناکی که توسط استعمارگران فرانسوی و فاشیستهای ژاپنی کریمانگتر شده بود، هنوز یک تهدید بسیار صریح و اقتصاد و امور مالی ملت از پای در آمده بود. در صحنه ۲۰۰۰۰۰۰۰ سرباز چیانگ کایچک، بفرمان امریکائیه، بهبانه حلق سلاح نمودن ژاپنیها از طرف شمال بطرف ویتنام سرازیر گردیدند، ولی در حقیقت هدفشان منهدم نمودن حزب ما، پیرانگنده کردن ویت مینه، کمک به ارتجاعیون برای برانداختن قدرت خلق و بوجود آوردن دولت ارتجاعی تحت کنترل امریکا - چیانگ کایچک، بود.

در جنوب، استعمارگران فرانسوی، تحت حفاظت سربازان انگلیسی شروع به بازگشت نمودند. صدر هو مسئولیت دشوار خود را در قبال مردم چینین پذیرا شد. توصیفی من مانند سلگنداری میماند که باید کشتی سرزمین اجدهای را از طرفانها سالم بدر بسرد و خلق را بساحل خویشی برساند. " اواز مردم خواست اتحاد حوب و مستحکم نمایند و علیه فحطی، بیسوادی و تجاوز بیگانه بیگار نمایند و سعار: " مقاومت و سازندگی ملی با هم " را اعلام نمود. وظیفه اساسی در آن حال حفظ قدرت انقلابی بود، صدر هو انجام انتخابات عمومی، انتخاب دولت و اعلام قانون اساسی دموکراتیک را در اسرع وقت، پیشنهاد کرد، طوریکه الهام بخش مردم در جلب اعتمادشان نسبت به رژیم جدید کرد. دولت انتخابی، در برابر جهانیان دارای اعتماد و نفوذی قانونی و عرفی انظار می باشد. در ۶ ژانویه ۱۹۴۶، انتخابات عمومی با موفقیت در سراسر ملت انجام شد. نمای مردم، اعتماد ویژه خود را به صدر هو ابراز نمودند. در ۲ مارچ ۱۹۴۶، در اولین جلسه مجلس ملی، او به عنوان رئیس جمهور، جمهوری

دموکراتیک ویتنام انتخاب گردید. در ۹ نوامبر ۱۹۴۶، مجلس ملی اولین قانون اساسی جمهوری دموکراتیک ویتنام را برگزید، حق مردم ما را در سیادت بر سلطنت خویش مورد تأیید قرار داد و آزادیهای دموکراتیک را اعلام داشت.

صدر هو بخاطر ارضاء منافع سودمند و فوری مردم، در درجه اول کارگران و دهقانان، پیشنهاد نمود که دولت باید سیستم مالیاتی را که توسط استعمارگران فرانسوی وضع گردیده بود براندازد، قانون کار را اعلام نماید و حافظ منافع کارگران باشد، باید ۲۵ درصد کاهش اجاره بها، زمین، توزیع زمین های اخذ شده از استعمارگران فرانسوی و خائنین ویتنامی و توزیع مجدد زمینهای اشتراکی به دهقانان بی زمین را در دستور کار خود قرار دهد. بخاطر افزایش تولید بعنوان اقدامی فوری، مبارزه علیه فحطی را شروع نمود. و از اهالی خواست که غذا و لباس را با نیازمندان تقسیم کنند، و بسیاری هر فرد نمونه ای بنسج زیر ضرورت داشت تا بر مبنای آن عمل نماید: " هشتادیکه یک ناسه برنج را بدست میگیریم، نمیتوانیم فغیر و کرسنه را از نظر دور برداریم. لذا به هم و طنانم در سراسر ملت پیشنهاد می کنم - در حالیکه خودم به آن عمل می نمایم - یک وعده غذا در ظرف ده روز، یعنی سه وعده در هر ماه را کنار بگذاریم. برنجی که بدینترتیب ذخیره میشود به فقرا داده خواهد شد. " بمناسبت هفته طلائی، از تمام اقشار مردم خواست تا همت گمارده و دولت را در بدست آوردن منابع مالی بمنظور دفاع ملی کمک نمایند.

صدر هو بخاطر بالا بردن معیار فرهنگی خلق اهتمام بسیار مبذول داشت. او جنبش مبارزه با بیسوادی را برراه انداخت و مردم را تشویق نمود که طریق جدید زندگی را پذیرا شوند، کادرها و مردم ما را آموزش داد و به آنها تاکید نمود که جدیت، صبر، فوجوش، درستگی و راستی و سر بلندی را پیشه خود سازند، و از افکار و رسوم عقب افتاده، میراث سیستم فئودالی و استعماری، خود را رها سازند، و بدینترتیب خود - یستن را شایسته ویتنامی مستقل گردانند. اواز "نهالان نورسته" ملت مواظبت نمود. در نوسه هایش خطاب به دانش آموزان بمناسبت سال تحصیلی نوو تمامی نونهالان به مناسبت جشن اواسط پاییز توصیه نمود که به نحو احسن تحصیل نمایند تا بتوانند در ساختمان آینده ملت سهیم باشند.

باپتکار صدر هو، در مه ۱۹۴۶، اتحاد ملی ویتنام (لین ویت) بمنظور گسترش وحدت ملی، بحاضر عملاری با احزاب سیاسی و شخصیتهای دموکراتیک که بتازگی به

جبهه متحد ملی ملحق شده بودند ، بوجود آمد . سنت میهن پرستی مردم ما فویسا افزایش یافت ، تمامی مردم ما همبستگی و یگانگی فکری خود را حول دولت بزماسداری صدر هو اعلام نمودند . و این نیروی شکست ناپذیری را بخاطر مبارزه علیه دشمنان خارجی و داخلی پدید آورد .

او در عین اینکه به اصول حاکمیت و استقلال ملی سخت پای بند بود ، تاکنیک های نرمش پذیر و عاقلانه ای را بکار برد ، یک سازش موقتی با نیروهای چپانک برقرار نمود بنحویکه قدرت را تثبیت گرداند و بتواند با سربازان فرانسه در جنوب مقابله نماید . از پلطرف ، ما به نیروهای چپانکاچین یکسری امتیازات سیاسی و اقتصادی دادیم و از طرف دیگر ، قدرت جبهه متحد ملی را بکار گرفتیم تا کلیه نفعهای سیاه آنها را نقش بر آب نماید و عمال آنان " ویتنام کوچک دان دان " ، را که ماسک از چهره ضدانقلابیشان بر گرفته شده بود بسزای اعمالشان برساند . در همین اثناء صدر هو و دینته مرکزی حزب قدم بسازندگی نیروهای مسلح برداشتند و مردم را در سراسر مملکت بمنظور پشتیبانی از مقاومت هم وطنان جنوبی ما بسیج نمودند . در اواخر فوریه ۱۹۴۶ ، با بدستور امریکا ، نیروهای چپانکاچینک به پیاده شدن نیروهای فرانسوی در شمال ویتنام و اشغال جای آنها موافقت نمودند . بمنظور اجتناب از درگیری با دشمنان متعدد در سراسر مملکت بدون تدارکات مقتضی ، صدر هو سیاست سازش موقتی با فرانسه را طی امضاء موافقت نامه مقداتی ۱۶ مارچ ۱۹۴۶ برگزید . بنگروانه این امر ، ما قادر شدیم در سراسر آن چپانکاچینک را از شمال بیرون رانده ، عمال آنها را تار و مار گردانیم ، و در همان زمان نقشه های امپریالیستیهای امریکائی را بی نتیجه گذاریم . بنا بموافقت نامه مقداتی ما نیز قادر شدیم که فرصت بی نهایت گرانبهایی برای ساختنمان و مستحکم نمودن نیروهای خود و تهیه تدارکات همه جانبه بمنظور مقاومت سرتاسری علیه فرانسویان استعمارگر را بدست آوریم . هم وطنان جنوبی ما با هوشیاری تمام این فرصت را غنیمت شمرده و بسه ساختنمان و توسعه نیروهای خود پرداختند .

صدر هو در ۳۱ مه سال ۱۹۴۶ ، بعنوان میهمان عالیقدر دولت فسرانسه ، دیداری از فرانسه را آغاز نمود . ضمن اقامتش در آنجا ، یکسری ناماسبی با اقتدار مختلف مردم فرانسه و ملیتیهایی ویتنامی برقرار نمود . او سعی داشت بهر کسی مبارزه عادلانه مردم ما را بطور واضح مفهوم نماید ، بدینترتیب عمدتاً در پی پشتیبانی مردم فرانسه را به دست آورد و اعتبار و نفوذ جمهوری دولترانیت ویتنام را در سطح بین المللی یاد بپسرد .

او حسن نیت مردم ما بخاطر صلحی مبتنی بر اصول حفظ حاکمیت ملی ، را چنین بیان داشت : " نام بو جزئی از ویتنام است ! کسی حق جدا ساختن آنها ندارد ، هیچ نیرویی نمی تواند آنها از میهن ما تجزیه نماید . "

با توجه به لجاجت و خصومت فرانسویان استعمارگر ، مذاکرات رسمی بین هیئت نمایندگی دولت ما بریاست رفیو فان وان دونگ و هیئت نمایندگی فرانسه در فونتنبلو به جایی نرسید . صدر هو در ۱۴ سپتامبر سال ۱۹۴۶ قرار سازش سوئندی را با دولت فرانسه امضاء کرد ، بنحویکه فرصت بمنظور سازمان دادن نیروهایمان و تهیه تسهیلات مقتضی برای مقاومت سرتاسری را ، که از اتفاق افتادنش مطلع بود ، فراهم آورد .

صدر هو هنگام مقابله با خطرات بی نهایت سخت بمنوان رهبری آرام ، روشن بین ، دوراندیش ، شجاع و ناخداختی با تجربه ، در صدر حزب ما قرار داشت . کسی که کشتی انقلاب ویتنام را از میان همه صخره ها و ناهمواریها سالم به ساحل هدایت کرد . واقعیت باثبات رساند که خط سیاسی صدر هو و دینته مرکزی ، که در زیر آمده است ، حقیقتاً روشن بینانه بود . انشاء بقدرت اتحاد ملی ، سخت پای بند بودن به امسار استراتژیایی ، ثبات قدم در اصول و نرمش پذیر بودن در تاکتیها ، بحساب آوردن همو شیارانه تصادفای درون صفوف دشمن برای تقسیم آنها ، منفرد نمودن دقیق خطرناکترین دشمنان ، فراهم آوردن شرایط بمنظور تثبیت و استحکام قدرت انقلابی ، تجمع نیروها خاسر جنگ طولانی مقاومت علیه استعمارگران تجاوزگر فرانسوی .

بموجب عملیات تجاوزکارانه پسر و صدای فرانسویان استعمارگر ، در ۱۱ دسامبر سال ۱۹۴۶ جنگ سراسر کشور را فراگرفت . در ۲۰ دسامبر سال ۱۹۴۶ صدر هو فراخوان مقاومت ملی را صادر کرد : " ما خواهان صلح هستیم ، ما حاضر بدادن امتیازات شده ایم . اما هر چه امتیازات بیشتری بدهیم ، استعمارگران فرانسوی سوو استفاده بیشتری مینمایند ، زیرا بار دیگر کمر به فتح میهن ما بسته اند . خیر ! در عرض آینده استقلال خود را از دست بدهیم و برده گردیم ترجیح میدهم همه چیز را فدا کنیم . "

هم میهنان ! باید بیا خیزیم !  
" عرلس ، مرد وزن ، پیر و جوان ، صرفنظر از اعتقادات مذهبی ، وابستگی سیاسی یا ملیتی ، هر ویتنامی باید بخاطر مبارزه علیه استعمارگران فرانسوی قیام کند و سرزمین اجداد را نجات دهد .

" بگذار در صورت داشتن ، تفنگها و وسایرها را ، و در صورت فقدان کلنگها ،

بیلها و چماقها را بگاز کرییم ؛ بگذار هر کس منتها کوشش را بلدان برود تا علیه استعمار -  
گران بمبارزه برخیزد و ملتت را نجات دهد ! \*

این دعوت همچنان انگیز صدر هو بر ملا سازنده نقشه تجاوز نارانه استعمار گسران  
فرانسوی ؛ و بهمهراه دارنده ، خواست بمبارزه تا بانتهای مردم ما بود و صور اساسی  
سیاست مقاومت طولانی و منعی جنگ توده ای حزب مارا خاطر نشان ساخت . او تأکید  
نمود که جنگ مقاومت ، طولانی و پریچ وخم ، اما سلما پیروز ، خواهد بود . بخاطر  
رهبری مقاومت با به پیروزی ، باید به مردم انگاه نمود و مقاومت تمامی مردم در کلیسه  
زمینه ها را بگاز گرفت .

اندیشه صدر هو در مورد جنگ توده ای آشکارا متصن رهنمود ۲۲ دسامبر سال  
۱۹۴۶ کمیته مرکزی در باره مقاومت تمامی مردم بود . در اوائل سال ۱۹۴۷ رفیق ترون  
شسته دبیر اول حزب ضمن توضیح خط منعی حزب و سیاست جنگ مقاومت ، کتاب مقاومت  
پیروز است را برشته تحریر در آورد . منعی مقاومت طولانی ، همه جانبه ، ملی ، منعی  
بخود ، و سه مرحله مقاومت : مرحله دفاعی ، مرحله مبارزه فعال برای توازن قوا و مرحله  
تهاجم عمومی ، بطور مبسوطی برای کادرها ، سرمازان و مردم تشریح گردیدند و در تقویت  
عزم و اعتقاد آنها به پیروزی نهائی سهم بسزائی داشت .

صدر هو بعد از پیروزی ویت باک ، در ژوئن سال ۱۹۴۸ ، با دید بسیج تمام  
سروها بخاطر مقاومت ، فراخوان هم جمنی و رقابت میهن پرستانه را صادر نمود و رقابت  
و هم جمنی در انحاء فحطی ، بی سوادى و تجاوزکاران خارجی ؛ هم جمنی و رقابت  
در مبادرت بمقاومت ، مقاومتی همه جانبه ؛ توسط تمامی مردم ، هم جمنی و رقابت  
در جنگیدن با دشمن در جبهه ، رقابت و هم جمنی در تولید و صرفه جوئی در پنت  
جبهه ، و بانجام رساندن شمار " همه چیز برای جبهه ، همه چیز برای پیروزی " او  
تمام اقتدار مردم را به شرکت در جنبش هم جمنی و رقابت تسبیح نمود .

\* بگذار هر کس و هم رفقه ای

\* هر روز

\* بهم جمنی و رقابت با یکدیگر برخیزد

\* ما به پیروزی خود مطمئنیم

\* دشمن به باخت خود مطمئن .

طبقه کارگران پیش آهنگ را در جنبش هم جمنی و رقابت بازی نمود . توده های

دشمنی در حد جبهه خود ، مشتاق به پیش بردن تولید و اجراء صرفه جوئی بودند تا  
برای جبهه نیروی انسانی و منابع مادی بیشتری را تأمین نمایند . صدر هو شریک زندگی  
سخت کادرها ، سرمازان و مردم ما بود . او بملاقات پیران ، زنان ، جوانان ، خرد -  
سالان ، اطلیت ها ، روشنگران ، نویسندگان ، هنرمندان ، و غیره صرفت و بهیسم  
چمنی و رقابت با یکدیگر تشویقشان میکرد تا استعداد و انرژی خود را صرف امسر  
مقاومت و سازندگی ملی سازند .

جنبش هم جمنی و رقابت میهن پرستانه با ادامه گاری و سر و همچنان به پیش رفت  
و نیروی محرکی برای برانگیزی بیشتر مردم در امر مقاومت گردید . صدر هو هم چنین از  
طریق این جنبش ، افراد طراز نویینی را تربیت و پرورش داد که بصورت فهراسانان ،  
جنگجویان رقیب و هم جمن و کادرهاى نمونه تجلی مینمودند . آنها شکوفه های زیبای  
گلستان فدائى انقلابی بودند که بدقت توسط صدر هو تربیت و پرورش یافته بودند .  
صدر هو پیوسته توجه خود را به استحکام و توسعه حزب مبدول میداشت . او حزب  
را بسازن ژنراتور برق و امور سازندگی و مقاومت ملی را بسازن لایمهای الکتریکی می پنداشت ،  
که موثر بودن ژنراتور باعث درخشندگی بیشتر لایمها میگردد . صدر هو بمظهور تقویت  
رل رهبری خاطر نشان ساخت که حزب باید قوی ، پاک و نمونه باشد ، کلیه اعصما  
دارای ایدئولوژی ، سازمان و عمل واحد باشند کادرها و اعصا حزب قاطعانه و بطور  
صحیح کلیه سیاستهای دولت و حزب را با اجرا در آورند ؛ روابط نزدیک با توده ها بر  
قرار سازند ، منعی توده ای را مرضی دارند ؛ انتقاد و انتقاد از خود را همیشه خسوس  
سازند . بمظهور نائل آمدن به هدف انقلابی ، تشکیلات کافی نیست ؛ باید کادرها  
و اعصا حزب متحد بوده و بیگدیگر محبت صمیمانه داشته باشند ، از صمیم قلب به حزب  
و مردم خدمت نمایند ، شور و حرارت انقلابی و کیفیات پسندیده اخلاقی از خود نشان  
دهند . در مارچ سال ۱۹۴۷ ، نامه ای به رفق در پاک بو و بعد نامه ای به رفقادر  
تران یونوست و از اعصا حزب و کادرها خواست تا همه توانائی اخلاقی و مادی خود را  
در رهبری مردم بخاشرنین باین همه ف : بیرون راندن فرانسویان استعمارگر ، برگرداندن  
استقلال و بیچارچگی به میهن ما بگازانندازند . او تمیوب های کادرها و اعصا حزب از  
جمله : محدودیت فکری ، سکتاریسم ، نظامی گری ، بورکرائیسم ، تنگ نظری ، تشریفات ،  
مغزات شدید اداری ، بی انضباطی ، خودخواهی و نیاهی را انتقاد نمود . در اکتبر  
۱۹۴۷ کتاب بیائید سبت نار خود را اصلاح کنیم را بعنوان منبعی استنادی برای کادرها

و انشاء حزب نوست که خوب را از نظر ایدئولوژیکی، روحیاتی و سبک دار تربیت نمایند. او ۱۲ نکته برای ساختن حزب و نکته دوم روحیات انقدسی: انسانیت، وفاداری، اراده، شهامت و صداقت را طرح نمود: "رودها از منابع خود سرچشمه می گیرند و در صورت بریدن از آنها بی آب. درختها برینسه خود سرپایند و بدون آن خشک و پژمرده و نیز انقلابیون بدانشن کیفیتهای اخلاقی پسندیده معروف. به نحویکه در صورت فقدان قادر بر رهبری، هر قدر که استعداد آنها داشته باشند، نخواهند بود." او خاطرات نشان ساخت که روحیه انقلابی نوی شگرف از روحیه است که به افتخارات شخصی نمی نازد ولی تنها خودش را به منافع عمومی حزب، ملت و انسانیت دلیند میسازد. انتشار و مطالعه همه جانبه مدارت بالا در آید بیده نمودن ایدئولوژیکی کارها و اعضاء حزب و ترم بیت آنها به انقلابیونی وفادار به حزب و مردم سهم بسزائی داشت و بدین ترتیب در ساء زندگی و مقاومت ملی کام موثری بود.

صدر هو و کمیته مرکزی برای مدارت به جنگ توده ای سه نوع سازماندهی نیروهای مسلح را در نظر داشتند: منظم، منطقه ای و غیرمنظم که این خود همته موبسارزه مسلحانه تمام مردم بود. صدر هو به دل استراتژیکی میلیسیا و چریکها اهمیت زیادی قائل بود. "میلیسیا، واحدهای دفاع از خود و چریکها نیروی تمامی ملت، نیروی شکست ناپذیر، و دیوار آهنین سرزمین اجدادی. هر چه دشمن بیرحم تر باشد، زمانیکه باین نیروها، باین روز آهنین، حمله ور گردد از هم پاشیده خواهد شد." برای افروختن جنگ توده ای، نیروهای منظم، منطقه ای و غیر منظم باید به مردم انگاه نمایند و از نزدیک در عملیات دسته جمعی درگیر شوند؛ نیروهای مسلح باید توأما هم با نیروی نظامی و هم بطریق سیاسی و اقتصادی با دشمن بجنگند.

در مورد ساختمان ارتش صدر هو توجه زیادی به آموزش سیاسی و ایدئولوژیکیسی مبدول میداشت، تا از ارتش ما یک ارتش واقعی توده ای بسازد، که از اعتماد و تحسین و علاقه مردم نسبت بخود برخوردار گردد، و اغلب میگفت: ریشه های ارتش درون مردم است و برای مردم می جنگد؛ "ارتش و مردم یسان ماهی و آب میمانند" به همین جهت ارتش باید مدافع زندگی و اموال خلق باشد، نباید از آنها چیزی، حتی سوزن یا پاره ای نخ اخادی نماید؛ هر کجا که مستقر میشود، باید بمنظور افزایش تسولید زراعتی به مردم محلی کمک کند. در جنگ و مبارزه، نیروهای ما باید شجاعت، هو شیاری و کاردانی خود را ابراز دارند؛ در از بین بردن دشمن با سلاحهای بخصیعت

گرفته شده، با یکدیگر رقابت و هم چینی نمایند، نیروهای اساسی او را تار و ماسا کنند و قدرت خود مان را توسعه بخرند.

صدر هو بسیاری از واحدهای ارتش را مورد بازدید قرار میداد، در کنفرانسهای جمع بندی از تجربیات عملیات جنگی حضور مییافت، و نامه هائی تشویقی به سربرازان و کارها ارسال مینمود. در صورت وجود سختیها، کلید مشکلات را خاطر نشان می ساخت؛ در صورت پیروزیها، سربرازان توصیه مینمود که بخود نبالند بلکه کوشش نما یند این قبیل پیروزیها را اصلاح نموده و پیروزیهای بزرگتری بدست آورند. پیوسته زند-نی عادی و اخلاقی سربرازان ما را مورد توجه قرار میداد. جنبش "فروس بونج برای میمانی کردن سربرازان" را طرح نمود، با این دید که مردم را برای خدمت به جبهه و ارتش و بجلو رواندن نهضت مقاومت بسیج نماید. از سربرازان مصدوم و خانواده های سیهیدان جنگ مواظبت بعمل میاورد، با دادن رهنمود بمقامات صلاحیتدار و مراجعه ب مردم از آنها میخواست آنان را در زندگی روزمره شان کمک نمایند. بشکرانه توجه و آموزش صدر هو و کمیته مرکزی، نیروهای مسلح توده ای، که در ابتدا نیروی ناچیزی بود، بسرعت توسعه یافت و ارتش نیرومندی گردید که کلیه نقشه های نظامی دشمن را نقش بر آب ساخت.

توأم با پیروزیهای مردم ما و ارتش در جبهه نظامی، قدرت خلقی با وظیفه تاریخی در پیشانوری کارگران و دهقانان هر چه بیشتر استحکام مییافت و بصورت قدرتی حیاتیسی، ابراز وجود مینمود. نه تنها در نقاط آزاد شده بلکه در نقاط تحت سلطه دشمن نیز، مردم ما به "دولت عمو هو" اعتقاد میورزیدند. صدر هو معتقد بود که دستگاه دولتیسی باید صادقانه در خدمت خلق بوده، بوسیله مردم انتخاب شده و خدمتگزار آنها باشد. از طرفی رهبری حزب باید در امور دولتی، در سطوح مختلفی که مستلزم تعداد مقتضی نمایندگان دهقانان و کارگران است تقویت گردد، از طرف دیگر سازمانهای دولتی ما - هیت جبهه وسیع انتشار مختلف مردم را دارا باشند. او به مقامات رسمی دولتی و کارمند-ان توصیه مینمود که هم بصورت نمایندگان و هم بصورت خدمتگزاران صادق مردم عمل نما یند، و خودشان را از صمیم قلب وقف خدمت خلق گردانند؛ در مورد انجام سیا-سهای دولت افراد نمونه ای باشند، در بالا بردن کیفیتهای اخلاقی؛ جدیت، صرفه جویی، درستکاری، کاردانی، فداکاری بخاطر منافع عمومی و فرافتن کلی از خود، بکوشند، و با بوبرکاتیسیم، افراط و تفریط بمقابله برخیزند. او همچنین به مقامات



رسمی دولت خاطر نشان ساخت که به مطالعه عمیق بپردازد و بدین وقت دانش سیاسی، فرهنگی و حرفه ای خود را بخاطر خدمت مردم بیشتر از پیش بالا ببرد.

جنگ مقاومت توده ای ما بخشی از جنبش انقلابی جهان بود. به همین دلیل صدر هو پیوسته تقویت کردن هم بستگی بین المللی را توصیه مینمود. او اظهار میداشت: مردم ویتنام باید با طبقه کارگر و مردم فرانسه متحد شوند، عهد دردی و حمایت اتحاد شوروی، چین و سایر ممالک سوسیالیستی، مردم ممالک مستعمره و افراد عواخواه صلح در سراسر جهان را بدست آورند. در ۱۴ ژانویه سال ۱۹۵۰، صدر هو اعلام کرد که ما برای برقراری روابط سیاسی، با کلیه ممالکی که حق تساوی و حادیت ملی جمهروری دموکراتیک ویتنام را محترم بشمرند، اعلام نمود. بلافاصله بعد از آن، اتحاد شوروی، چین و سایر دموکراسی های خلقی یکی بعد از دیگری مملکت ما را برسمیت شناختند و روابط سیاسی برقرار ساختند. صدر هو کارها و مردم ما را آموزش میداد تا میهن پرستی واقعی را با انترناسیونالیسم پرولتری تلفیق دهند؛ و روحیه اتکا بخود، تحریک، ابتکار و خلاقیت مردم و ارتش ما را در جنگ تولید، بالا برند و اتکا پاسبی به کمک خارجی را مردود شمارند.

در سپتامبر سال ۱۹۵۰ صدر هو و کمیته مرکزی بر پایه موفقیت های بدست آمده، با دید استحکام بخشدین و گسترده نمودن پایگاه ویت باک، و مرتبط گرداندن مملکت ما با ممالک برادر، تصمیم مبادرت به عملیات جنگی مرزی را اتخاذ نمودند. این اولین بار بود که ارتش ما چنین عملیاتی با مقیاس وسیع را انجام میداد. صدر هو به نیروهای صلح آموخت تا در "انهدام دشمن و انجام عملیات بزرگ" بهم جنسی و رقابت بسا یکدیگر برهیزند و برای بدست آوردن پیروزی مهم شوند. با طی مایلیها مسافت بسه جبهه رفت و در رهبری عملیات مستقیما شرکت جست. حضور او در جبهه برای ارتش و مردم ما منبع خارق العاده پشت کوهی و تشویق بود تا بجلو گام بردارند و وظیفه بسا شگوه خود را بانجام برسانند.

کنگوه دوم ملی حزب بعد از پیروزی مرزی، و داشتن دید تقویت رهبری حزب بر کلیه زمینه ها، در ژانویه ۱۹۵۱ بمنظور گسترش مقاومت، در منطقه ویت باک منعقد گردید. صدر هو اظهار داشت: "کنگوه، کنگره مقاومت است. وظیفه سیاسی اش مقاومت نمودن تا پیروزی کامل و ساختن حزب کارگر ویتنام است."

در گزارش سیاسی قرائت شده در کنگره صدر هو تجربه حزب ما را از زمان پیدایش

جمع بندی نمود، مراحل پرشکوه تاریخی را برشمرد. دست آورد های مهم انقلاب جهانی را در نیمه اول قرن بیستم و آینده تابان انقلاب میهن ما را برجسته نمود. او محققا درستی مئی حزب ما را در جنگ مقاومت مورد تأکید قرار داد. نکات بسرجمته و کمبود های کارها و اعصای حزب را برشمرد و کرایشات غلط از جمله بدبینی و یأس، ناخنودی از وضع خود و ناسندیدنی را استناد نمود. گزارش، نقشه امپریالیستهای امریکائی برای دخالت همه جانبه تر در هندوچین را افشاء نمود، و شعار اصلی زیر را مطن کرداند "استعمارگران فرانسوی را محو ناپود کنید و مداحله کران امریکائی را شکست دهید، خود را متحد گردانید، استقلال را بسر انجام رسانید، از صلح جهانیسی دفاع نمائید."

با تجزیه و تحلیل از اوضاع و وظایف جدید، صدر هو لزوم توسعه همه جانبه نیروی های خود، خصوصا تقویت وحدت ملی و سنت ملی میهن پرستانه را موکد داشت. طوریکه بتواند مقاومت را به پیروزی منتهی گرداند. او گفت: "مردم ما میهن پرستان پرستوری هستند. این یک سنت ارزنده ملی است. هر وقت که سرزمین اجدادی مورد تجاوز قرار گیرد، این میهن پرستی بجوش میاید و بموجی نیرومند مبدل میگردد. ده بر تمام خطر ات و مشکلات فائق میاید و لیه خاشنین و تجاوز کاران را بسزای اعمالشان میرساند." صدر هو همچنین خاطر نشان ساخت که باید روابط دوستانه خود را با ممالک برادر و مردم مترقی جهان توسعه بخشیم، و در کلک نمودن به مقاومت مردم کامبوج و لائوس بمنظور رهائی ملی بسه گوسیم، با این دید که جبهه ای از ویتنامیها، مردم خمر و لائوس بسه وجود آوریم. برای انجام وظایف بالا، مسئله حائز اهمیت، اهتمام در استحکام بخشدین و توسعه حزب، معرفی آن به عموم، و برجسته کردن رل آن بود که برای رهبری مقاومت و سازندگی ملی تا پیروزی کامل امری حیاتی مینمود.

برنامه سیاسی حزب کارگر ویتنام منتخب در کنگره مجموعه ای از دید های اصلسی گزارش سیاسی صدر هوشی مین و گزارش در باره انقلاب ویتنام رفیق تران شینه بود و برنامه سیاسی انقلاب دموکراتیک ملی خلق ویتنام را؛ که بسوی انقلاب سوسیالیستی در پیش است مورد تأکید قرار داد. کنگره کمیته مرکزی جدید را انتخاب نمود و بانقار او، صدر هوشی مین را برهمی حزب برگزید؛ رفیق تران شینه دو باره بعنوان دبیر اول حزب انتخاب گشت.

بمنظور اجرای سیاست گسترش و تقویت وحدت ملی، ویت مینه ولین ویت کنکراهی

را در سوم مارچ ۱۹۵۱ برگزار نموده و در مورد اسفام خود در یک جنبه اتحاد تصمیم نمودند. مسئله وحدت ملی در پیروزی مقاومت صد فرانسه اهمیت بسزائی داشت. هر چه مقاومت سخت تر و شدید تر می شد، جنبه متحد ملی میبایست استحکام بیشتری یابد و بر پایه اتحاد کارگر - دهقان گسترده تر گردد. صدر هو اتحاد با تمام مردمی را که میتوانستیم با آنها وحدت داشته باشیم، جلب لیبیه افرادی را که قادر بر جذب آنها بودیم، کرد هم آوری تمام اقشار خلقی، تمام احزاب سیاسی، سازمانهای توده ای، ملتینها، فرقه های مذهبی و افراد میهن پرست را درون جنبه وسیع متحد ملی توصیه مینمود. لزوم وحدت فسرده و پرروام، پیشه سازی انتقاد و انتقاد از خود، دوستانه تکلیک رساندن بیلدیکر بمنتظور پیشرفت همگی را به اعضا، جنبه یادآور سد. جنبه متحد ملی بر پایه اتحاد محکم کارگر - دهقان تحت رهبری حزب یکی از ارکان محکم نیل بسه پیروزی مقاومت بود. با جمع بندی از تجارب اجرای سیاست وحدت ملی همه جانبه، صدر هو شمار منتهو زیرین را طرح نمود:

" وحدت، وحدت، وحدت، همه جانبه "

" پیروزی، پیروزی، پیروزی عظیم "

تحت رهبری صدر هو و کمیته مرکزی، وحدت ملی محور اصلی رژیم دموکراتیک خلق گردید؛ و در همان ایام بصورت دو یولادینی درآمد که امیرالیاستها و پیروان آنها را گرفتار ساخت. صدر هو ضمن سخنرانی در این شکره تاریخی اظهار داشت: " امروز برای کنگره و تمامی خلق روز مسرت بخشنی است، اما برای خود من درن ایمن وجد و سرور آسان ولی تشریحش مشکل است. حالا بعنوان فردی که سالها منادی او شادوش نمایندگان محترم حاضر در جلسه بخاطر وحدت ملی همه جانبه نوشن سی کرده است، بستان وحدت را می بینم که شکوفه هایش بارور شده و در اعماق قلوب خلق عیقا ریشه دوانیده است، گوئی بهار جاودانی را نوید میدهد. "

از سال ۱۹۵۱ بعد، نیروهای مقاومت ما از هر حیث افزون گشت؛ خصوصاً در زمینه نظامی، مردم و حزب ما مبارزات در سطح وسیعی را از سر گرفتند تا دشمن راهر چه بیشتر در موقعیت دفاع غیرفعال قرار دهند. سپس دشمن ما به نقشه ها و مانور - های غدارتری متوسل گردید تا خودش را از ناپسانمانی رها سازد. صدر هو و کمیته مرکزی حزب در ۱۹۵۲ همینکه مقاومت به مرحله قطعی اش رسید تصمیم بسه آفسا ز

تعلیم اصذحات در حزب، ارتش و لار میان توده ها گرفتند، با این دید که معیار سیا - سی و ابید ثلوثیونی لادرها و اعضا، حزب، ارتش و سازمانهای توده ای را بالا برند، به آنها منی انقلاب دموکراتیک ملی خلق، منی مقاومت طولانی و انکا، بخود را بد رستی مفهوم نمایند و قادران سازد تا خط فاصل میان خودی، دوست، و دشمن را کشیده، بر اند بید و الیس، عراسیدن از قربانها و مبارزه سخت و طولانی فائق آیند، و غیره. صدر هو توجه بیشتری به اصلاح طبقات مبدول میداشت او سخنرانیها ایراد کرد و نامص ها نوشت و به هر کس خاطر نشان میساخت که سخت بمطالعه بیرداز و مصمم بایدید، نمودن خود باشند تا شایسته اعتماد حزب و مردم گردد، و قادر باشند مقاومت را بسه پیروزی و سازندگی ملی را با موفقیت بانجام رساند.

هنگام بالا گرفتن امر مقاومت، صدر هو و کمیته مرکزی توجه زیادی به توسعه و بسط نیروهای خلقی، در درجه اول دهقانان، مبدول داشتند، زیرا " دهقانان نیروی عظیم جامعه، متحد و قادر طبقه کارگرند. "

" اگر مقاومت و سازندگی ملی قرار است موفق باشند، اگر قرار به نیل به استقلال واقعی و وحدت است، لازم است که به نیروی دهقانان متکی باشیم. "

در خلال مقاومت، صدر هو و کمیته مرکزی حزب سیاست کاهش بهره و اجاره بها، زمین، و سایر سیاستهای دیگر، خصوصاً مالیاتهای کشاورزی بمنظور تحدید بهره کنسی مالکین، توسعه نیروهای دهقانی، ساختمان و استحکام یک پایگاه محکم عقب جنبه برای مقاومت، را توصیه مینمودند. اما عمانطور که مقاومت به مراحل حساسش نزدیک میشد، بمنظور تقویت و استحکام بخشیدن اتحاد کارگر - دهقان، میبایست شعار " زمین از آن زارع " باجرا در آمده، قدرت خلق را بسط داده و مقاومت را به پیروزی هدایت نما - ید. در ۱۹۵۳، صدر هو و کمیته مرکزی تصمیم به بسیج توده ها، از طریق کاهش بهره و اجاره بها، زمین گرفتند، و در حین مقاومت دست به رفهم ارضی زدند. در دسامبر ۱۹۵۳، تحت رهبری صدر هو مجلس ملی قانون رفهم ارضی را تصویب رساند. ضمن صحبت در باره اهمیت اصلاح ارضی، صدر هو خاطر نشان ساخت: " لازم است که دهقانان را از پیوغ ثلوثالها رها ساخت، قدرت آنها را قابل استفاده گرداند تسا بتوانیم تمامی این نیروی عظیم را در خدمت مقاومت و فتح پیروزی قرار دهیم. " صدر هو و کمیته مرکزی منی طبقاتی حزب را هنگام اصلاح ارضی در مناطق روستائی بسرح زیر تصویر نمودند: انکا همه جانبه به دهقانان فقیر و بی زمین، اتحاد فسرده با دهقانان

متوسط ، متحد شدن با دهقانان مرفه ، بر انداختن تدریجی سیستم بهره نشی فئودالی ، افزودن تولید و بالا بردن امر مقاومت .  
بشکرا نه چنین سیاست صحیح ، میلیونها دهقان قویا به امر مقاومت بسنج شدند ، اتحاد کارگر - دهقان نیرومند گردید ، دولت دموکراتیک خلق وجبهه متحد طلسمی استحکام یافتند ، تولید مزارع افزوده شد و قدرت جنگی ارتش خلق بسیزان غیر قابل پیش بینی فزونی گشت .

در ایام زمستان ۱۹۵۳ و بهار ۱۹۵۴ ، با الهام از پیروزیهایمان ، مردم و ارتش نیروهای خود را متمرکز نموده و در کلیه صحنه های عملیاتی ، از دلتای شمالی سرتاسر بین - تری - تین و پنجمین ناحیه داخلی تا نام بو بد سخن حمله بردیده ، نقشه دشمن را خنثی ساختند تا دوباره ابتکار عمل را بدست گیرند .  
در سامه ۱۹۵۳ ، بخاطر درهم کوبیدن آخرین تلاش مذبحخانه استعمارگران فرانسه و مداخله کران آمریکائی ، کنفرانس دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب ، نسیب ریاست صدر هو ، تصمیم به انحاء اردوگاه سنگربندی شده دین بین فو گرفت . صدر هو کارها و سربازان را برای باجرا گذاردن منظم دستورات : " فعالیت ، ابتکار ، تحرک ، نریش پذیری " و " جنگیدن با اطمینان به پیروزی " تعلیم داد . او نامه های تحسینی بقی خطاب به سربازان و داوطلبین نوشت و از نزدیک کلیه تدارکات مبارزه را نظاره کرد . تصمیم استراتژیکی صدر هو و نسیبه مرکزی مبدل به خواست و عمل تمام حزب ، ارتش و مردم گردید .

در ۲۶ نوامبر ۱۹۵۳ هنگامیکه سربازان ما دین بین فو را بحاصره پولادین خود در میاورند و به خواست تجاوتگاران استعمارگران فرانسوی ضربه وارد گردیده بود ، صدر هو ، در مصاحبه با خبرنگار سوئدی ، اظهار داشت که حاضر بعد از ده با دولت فرانسه و یافتن راه حل سیاسی بر پایه احترام واقعی به استقلال ویتنام از طرف آن دولت است . پیروزیهای ارتش و مردم در میدان مبارزه شرایط را از نظر سیاسی به نفع ما تغییر داد . دولت فرانسه مجبور شد راجع به مسئله هندوچین در کنفرانس ژنو ، با دولت مسسا بمذاکره بپردازد .

انتعاش پیروزی عظیم دین بین فو در ۷ مه سال ۱۹۵۴ ، کنفرانس ژنو را بحیثی مساعد بحال ما تبدیل کرد . در همین اثناء ، کمیته مرکزی حزب ، ششمین پلنوم خود را ( ژوئیه ۱۹۵۴ ) منعقد نمود . با این دید نه متناسب با نقطه ضعف جدید انجمن ،

نمای حزب ، ارتش و مردم را از نصر ایدئولوژیکی ، سیاسی و تشکیلاتی آماده کردند . صدر هو در کنفرانس خاطر نشان ساخت که دل دشمن اصلی و مستقیم مردم ما را امریالیستهای امریکائی بازی می کنند ، و پیشنها نمود که شعار " مقاومت تا پانتهای تلخ " جای خود را با شعار " صلح ، وحدت ، استقلال ، دموکراسی " عوض نماید . او وظیفه تمامی حزب ، ارتش و مردم را بسرح زیر تصویر نمود : رسیدن به صلحی پایدار ، نایل آمدن به وحدت ، استقلال و دموکراسی ، درهم کوبیدن کلیه نقشه های خرابکا - رانه امریالیستهای امریکا .

در ۲۰ ژوئیه ۱۹۵۴ ، کنفرانس ژنو در مورد هندوچین پایان پذیرفت . دولت فرانسه/مجبور به اعطاء ترک خاصه بر پایه احترام به استقلال ، حاکمیت طلسمی ، وحدت و تمامیت ارضی ویتنام ، لااوس و کامبوج گردید . با وجود یدیه خرابکاری جزیه ذات امریالیستهای امریکا بود آنها نیز مجبور شدند که خود را ملزم بر رعایت موافقت نامه های ژنو در مورد هندوچین بنمایند . صدر هو ، روح مقدس جنگ مقاومت ملت ما ، پیوسته عوامل تخمین کننده پیروزی مقاومت را توسعه و تکامل داد . همراه با کمیته مرکزی ، مشی درست و خلاق جنگ مقاومت را ترسیم نمود ، و هنگام رهبری مستقیم مردم ما املات فتوحات نمایان نظامی با اوجی چون دین بین فو را میسر ساخت که آتش جنگ را فرو نشاند .

برای اولین بار در تاریخ ، کنسوی کوچک ، ضعیف و مستعمره قدرت استعماری نیرومندی را برزاند و آورد ، و در پیروسه درهم پاشیدن سیستم استعماری امریالیسم سهم ارزنده ای را ایفا نمود . این پیروزی ، پیروزی با شکوه مردم ما و نسیب پیروزی نیروهای صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم در جهان است . " ویتنام - دین بین فو - هوشی - مین " از آن پس شعار میدانهای جنگ مردم ستم دیده گردید و مردم دنیا با مباحثات و تحسین از آن یاد می کنند .

## انقلاب سوسیالیستی و مبارزه جهت یکپارچه ساختن میهن (۱۹۶۵ - ۱۹۵۴)

پیروزی دین بین فو و نتایج موفقیت آمیز کفرانس ژنو در سال ۱۹۵۴، دوران جدیدی را در تاریخ انقلاب ویتنام باز نمود. در ویتنام صلح برقرار گردید و ویتنام شمالی از یوغ امپریالیسم آزاد شده بود. در چنین موقعیتی غوراندیش میدان تاریخی با دین در تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۵ شاهد گرد هم آئی مردم ما بود تا سیاس و دودوهای بینمار خود را پیش کشی قدم صدر هوشی مین، کمیته مرکزی حزب و هم چنین دولت نمایند که بعد از طی سالها مقاومت قهرمانانه و خستگی ناپذیر، به پایتخت برآمده بودند.

از آغاز سال ۱۹۵۵، در جنوب مملکت ما، امپریالیستهای امریکائی منتها کوشش خود را در بیرون راندن استعمارگران فرانسوی بکار بردند. قصد آنها به نوستعمصره در آوردن و ایجاد پایگاه نظامی در نیبی از کشور ما بود تا بدین ترتیب دوباره آمر جنک را برافروزند. و از این منطقه به جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی وارد نگاه سوسیالیسم حمله نمایند. امپریالیسم امریکا و دست نشاندهانش از آن پس به خطرناکترین و شرورترین دشمن خلق ما تبدیل گردیدند.

در چنین شرایطی، صدر هو و کمیته مرکزی انجام دو وظیفه استراتژیک را متذکسر گردیدند. اول سازندگی شمال و سوق دادن آن سوی سوسیالیسم، دوم یکپارچه ساختن ویتنام و بسرانجام رسانیدن انقلاب دموکراتیک ملی در سراسر مملکت. هر دو وظیفه در خدمت یک هدف اساسی یعنی تحکیم صلح، یکپارچه ساختن کشور بسر مبنای استقلال و دموکراسی، داشتن نقشی بمنظور تقویت اردوگاه سوسیالیسم و تضمین صلح در آسیای جنوب شرقی و نیز سراسر جهان، بود.

پس از آزادی لامل، ویتنام شمالی لزوماً میبایست انقلاب سوسیالیستی را بسر انجام رساند و ساختمان سوسیالیسم را در کشور به پیش برد. این قانونمندی اجتناب

نایدیر رسد انقلاب در شمال و هم چنین لازمه بسرانجام رسانیدن مبارزه جهت یکپارچه ساختن کل کشور بود. بدینجهت صدر هو و کمیته مرکزی حزب وظیفه اصلی تمام حزب و کلیه خلق را، سازندگی سریع شمال و تبدیل آن به پایگاه انقلابی قوی کل کشور، مقرر داشتند. صدر هوشی مین پروشنی مردم ما خاطر نشان ساخت که مبارزه برای وحدت ویتنام امری است طولانی و مشکل که یقیناً به پیروزی منتهی میگردد.

زمانیکه شمال انقلاب دموکراتیک ملی توده ای و مرحله انقلاب سوسیالیستی را گذرانده بود، صدر هوشی مین چنین خاطر نشان ساخت: "مهمترین خصوصیت این مرحله، گذار مستقیم کشور از یک اقتصاد عقب افتاده کشاورزی (دهقانی) به سوسیالیسم، بدون طی مرحله رشد سرمایه داری است." بنا براین خصلتی، صدر هو و کمیته مرکزی عمده ترین وظیفه خلق ما یعنی: ساختن پایه های مادی و فنی سوسیالیسم، سوق دادن تدریجی شمال به سوسیالیسم یا صنایع و کشاورزی مدرن و فرهنگ و علوم پیشرفته را مورد تأکید قرار دادند. در مرحله انقلاب سوسیالیستی ما میبایست اقتصاد لهنه را با اقتصادی نو، اقتصادی سوسیالیستی تبدیل کنیم.

صدر هوشی مین خاطر نشان ساخت: "هدف انقلاب سوسیالیستی، پایان بخشیدن استثمار انسان از انسان، و بوجود آوردن جامعه و زندگانی شایسته بسرای تمامی خلق است. این انقلاب گرچه سخت ترین، پیچیده ترین و مشکلترین انقلاب است اما گویبرترین و پرنسکوه ترین آنها در تاریخ بشری است." او تمام مردم میهن ما را با افزایش تولید و صرفه جویی، انجام هر کاری بر مبنای اندرز "فراوان تر، سریع تر، بهتر و با صرفه تر" بمنظور اجرای برنامه های دولت دعوت نمود. خود او نمونه بسارز سادگی و جدیت بود، اولین کسی بود که مشمولیت کار را بعهده میگرفت و آخریمن فردی بود که از موهب آن لذت می برد. چه در سالهای بعد از برقراری صلح و چه در سالهای مقاومت بر علیه فرانسویان، همیشه سخت و با اسلوب کار میکرد، وقت شناس بود و به ترفیزیکی و بدنی عشق میورید. بسادگی زندگانی کرد و زندگیش را در خانه کوچک گذراند، همیشه لباس قهوه ای نخی بتن و نعلین لاسینی بپا داشت. بهنگام مسافرت و یا پذیرائی از میهمانان، لباس "خاکی" ساده ای چون لباسی کسه در روز اعلام استقلال بعد از انقلاب اوت بتن داشت می پوشید. صدر هوشی مین اکثر استامهای شمال از ناحیه معدنی کواک نین گرفته تا مناطق خود مختاریت باک و تی باک را مورد بازدید قرار داد. او با کارگرانی که درخانه و یا سد های جدید را میساختند

صحت نمود و در کنار دهقانان بهمنام عبد - تمت - بلاستن درخت وغرس نهان و غیره پرداخت . او بزرگترین مشوق مردم ما در بذل کوشش برای فائق آمدن بمشکلات و سا - زندگی زندگی نوین بود .

پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی ، سال میبایستید مرحله نوسازی اقتصادی ( بین سالهای ۵۷ - ۱۹۵۵ ) را طی کند که طی آن خرابیهای ناشی از جنگ ترمیم و وضعیت اقتصادی بحالت ثبات درآید و اولین قدمها در جهت بهبود زندگی مردم برداشته شود . بنا بنظر صدر هوشی مین و کمیته مرکزی حزب ( مبرم - ترین وظیفه مرحله ای کامل کردن رفوم ارضی بود . و بالاخره رفوم ارضی تا آخر سال ۱۹۵۷ ، بنا باراده حزب و لئیه خلق ویتنام در شمال اساسا بپایان رسید . صدر هوشی مین اظهار نمود که : " این پیروزی عظیمی است . و برای دهقانان ما راه را برای سازندگی زندگی شایسته ای باز کرده و نقش پر ارزشی را در جهت نوسازی و توسعه اقتصادی ، استحکام شمال و تبدیل آن بپایگاهی محکم جهت مبارزه بخاطر وحدت مجدد میهن ، ایفا نموده است ."

برای آنکه پیروزی حاصله ، در این مرحله نوین انقلاب ، به لاین ترین حد خود برسد ، صدر هوشی مین تأکید اساسی اش را بر روی لزوم تقویت اتحاد همه جانبه کلیه خلق می گذارد . بر مبنای شرایط و وظائف نوین و لزوم گرد هم آوری متفقین جدید در جنبه ، صدر هوشی مین و کمیته مرکزی حزب تصمیم به تدوین نام جنبه این ویت بست جنبه سرزمین پدری ویتنام گرفتند و برنامه عملی جدیدی را برای مبارزه بخاطر صلح ، وحدت ملی ، استقلال و دموکراسی در تمام کشور پیشنهاد نمودند . در تشریح بنیانگذاری جنبه سرزمین پدری ویتنام ( سپتامبر ۱۹۵۵ ) صدر هوشی مین ماهیت حقیقی رژیم امریکا - دیم را افشا کرد و با استعاراتی زنده آترا بسان سنگی بر سر راهمان خواند که در صورت یکی کردن مساعی خود بدون شک از سر راه بکنار زده خواهد شد . او توجه مردم ما را باین مسئله معطوف کرد که در اثر اتحاد همه جانبه و عزم راسخ ما جهت تحکیم شمال و اجرای برنامه جنبه سرزمین پدری ، رژیم امریکا - دیم مسلما علی رتم خواستش سرنگون خواهد شد .

در دوران ساختمان سوسیالیسم در شمال و مبارزه جهت یکپارچه ساختن کشور ، کمیته مرکزی و صدر هوشی مین ، لزوم تحکیم مداوم رل رهبری طبقه کارگر در دولت دموکراتیک خلق ، تقویت اتحاد کارگر - دهقان ، شالوده دولت و اتکا به توده ها بسلاخمس

توده های کارگر و دهقان ، جهت ساختمان سوسیالیسم را مورد تأکید قرار دادند . صدر هوشی مین بیان داشت که وظیفه مبرم طبقه کارگر و مردم زحمتکش در شمال تقویت تحکیم دیکتاتوری دموکراتیک خلق ، امر جدا ناپذیر وظیفه تاریخی دیکتاتوری پرولتاریاسا بوده ، طوریکه بتوانند به تغییر شکل سوسیالیستی کشاورزی ، صنایع دستی ، سرمایه صنعتی و تجارتي ، تجارت کوچک ، ساختمان سوسیالیسم و بوجود آمدن انسانی نوین و سوسیالیست نایل آید . مجلس ملی در ژانویه ۱۹۵۷ جهت بهره برداری کامل از تغییرات اجتماعی در شمال و پیش برد آن بسوی سوسیالیسم و وحدت مجدد کشور ، کمیته ای را بریاست صدر هوشی مین جهت تغییر و اصلاح قانون اساسی تعیین کرد . پس از سه سال تدارک و تحقیق ، در دسامبر ۱۹۵۹ طرح اصلاحی قانون اساسی بوسیله صدر هوشی مین بد مجلس ملی عرضه گردید که باتفاق آراء به تصویب رسید . این قانون اساسی سوسیالیستی ، پاسخونی حواسنهای طلایی مردم ما بود و راه پر شکوهی را که برتریزه بودند تسلسل مبداء .

ختمینه ترمیم اوضاع اقتصادی با موفقیت بمر انجام رسید ، صدر هوشی مین و کمیته مرکزی مردم ما را به دوران تغییر و گذار به سوسیالیسم ، و مرحله ابتدائی توسعه و پیشرفت اقتصادی و فرهنگی هدایت نمودند ( ۱۹۶۰ - ۱۹۵۸ ) . صدر هوشی مین مترانه بلادرها توصیه نمود که بمنحور تغییر سوسیالیستی کشاورزی مجدانه و در عین حال با نهایت احتیاط و وقت دست بگذار شوند . از کیفیت کارشان مطمئن بوده ، اصل کار را وطنیانه را در مد نظر داشته و کوششهای آنها را در سازماندهی و مدیریتشان لک نمایند ، در سوم ماه اوت ۱۹۵۹ وی از یکطرف دهقانان ما را به کوشش جهت تحکیم و رشد گف - پرانیوها و تیم های کمک متقابل دعوت نمود و از طرف دیگر آنها را در امر پیشرفت تکنیک برقايت فرا خواند ، و بدین ترتیب ، بلارستن این معیارها بصورت " دو پای " امور کشاورزی در آمد که حرکت سریع آترا بجلو موجب گردید .

در اواخر سال ۱۹۶۰ تغییر در کشاورزی از طریق سازماندهی کوششهای سطح یائین عمدتا پایان پذیرفت تبلیغ تغییر شکل سوسیالیستی سرمایه صنعتی خصوصی و تجا - رت و صنایع دستی نیز نتایج خوبی را در برداشت . با این موفقیت ها روابط تولید سوسیالیستی در سرتاسر شمال کشور ما برقرار گردید .

صدر هوشی مین به مردم ما خاطر نشان نمود که در امر سازندگی ملی عمدتا به نیروی

متکی باشند و در عین حال به پشتیبانی و کمک کشورهای برادران بسیار نهند .

او تمام مردم ما را امید داشت که مبهم پرستی اصیل را با انترناسیونالیسم پرولتری هم در انقلاب دموکراتیک ملی توده ای و هم در انقلاب سوسیالیستی با هم تلفیق نمایند . در سال ۱۹۵۵ ، ضمن دیدارش از شوروی ، چین ، مغولستان و همینطور دیداری از سایر کشورهای سوسیالیستی . در سال ۱۹۵۷ ، با استقبال گرم مردم کشورهای برادر روبرو گردید ، مردمانی که با تمام وجود حمایت خود را از مردم ما در سازندگی سوسیالیسم در شمال و مبارزه بخاطر وحدت مسالمت آمیز و مجدد کشور ، ابراز می نمودند .

صدر هوسی مین توجه زیادی یامر توسعه روابط دوستانه با کشورهای ناسیونالیستی آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین بالاخص کشورهای هم جوار ، لائوس و کامبوج میدول نمود ، و مرتباً وظائف جمهوری دموکراتیک ویتنام و خلق ویتنام را در قبال مردمی که بهر صورت علیه استعمار و بخاطر استقلال ملی شان می جنگند ، یادآور میکردید .

مردم مرفقی جهان ملاقات دوستانه نمایندگان دولت ما بریاست صدر هوسی مین را به کشورهای هندوستان و برمه ( در فوریه سال ۱۹۵۸ ) و اندونزی ( در فوریه ۱۹۵۹ ) این بسیار نهادند . و این سفرها را خدمتی بزرگ در راه توسعه روابط دوستانه بین مسالمت خواهان صلح در آسیا ، و هم چنین حفظ صلح در آسیا و جهان ، خواندند .

در دوگفتار بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری متعهد در مسکو ( در نوامبر ۱۹۵۷ و نوامبر ۱۹۶۰ ) نمایندگان حزب ما بریاست صدر هوسی مین ، در جمع بندی مسائل استراتژیک و تاکتیکی انقلاب جهانی و تشریح قانونمندیهای عام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم نقش فعالی را ایفا نمودند . صدر هوسی مین عمیقاً نگران احتلال فاش موجود در جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری بود و نهایت اهتمام خود را ، به خاطر حفظ وحدت موجود بین احزاب و کشورهای برادر بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم ، میدول داشت . در عین حال توجه زیادی یامر آموزش کادرها ، اعضا حزب و مردم معطوف داشت و آنها را به حفظ روحیه استقلال و حاصلیت ملی و رشد میهن پرستی واقعی و انترناسیونالیسم پرولتری واداست و تحکیم وحدت جنبش بین المللی کمونیستی دفاع از اتحاد شوروی ، و چین و سایر کشورهای سوسیالیستی برادر را خواستار گردید . موضع صدر هوسی مین بیان کننده موضع و برخورد حزب ما در رابطه با مسائل بین المللی بود ، یعنی بخاطر مبارزه ای قاطع جهت حفظ اصلت مارکسیسم - لنینیسم ، مخالفت با ریزش کمونیسم در مدین بعنوان خطر عمده و در عین حال مخالفت با دکاننیسم و ستکناریسم ، او همسوار

معتقد بود که اختلاف عقاید درون جنبش بین المللی کمونیستی رفع گردیده و پیروزی مارکسیسم - لنینیسم امری مسلم خواهد بود ، اردوگاه سوسیالیسم و جنبش کمونیستی بین المللی بدون شک دوباره وحدت خود را باز یافته ، و بیش از پیش قدرتمندتر خواهد گردید و امر انقلابی طبقه کارگر جهان و مردم را قویا بجلو سوق خواهد داد .

در اوائل سال ۱۹۶۰ زمانیکه تمامی خلق ما با اشتیاق مفرط بزرگداشت سی امین سالگرد حزب و بزرگاری کنگره حزب را گرامی میداشت ، صدر هوسی مین مقاله " فعالیت های سی ساله حزب " را برشته تحریر در آورد . این نوشته حاوی بررسی تاریخی فعلی -

لینهای حزب خلال سی سال مبارزه و پیروزیهای درخشان ، پایه استراتژی و تاکتیک های حزب ما در مراحل مختلف انقلاب ، و نمونه بارز تلفیق خلاق مارکسیسم - لنینیسم بوسیله شرایط مشخص ویتنام بود . صدر هوسی مین با تحلیل از علل موفقیت های گذشته انقلاب مردم ویتنام ، عوامل تعیین کننده و مؤثر پیروزی انقلاب دموکراتیک ملی توده ای و انقلاب سوسیالیستی در مملکت ما را خاطر نشان ساخت . در مقابل وظائف سنگین و پراهمیت

مرحله ای ، صدر هوسی مین لزوم بالا بردن رول رهبری حزب ، تقویت ایدئولوژیسی و تمسک نمودن فرم تنکیلاتی آنرا موکد داشت . حزب ما حزبی است که قدرت را در دست دارد و نه تنها فقط به مسائل عظیمی نظیر سازندگی فرهنگ و اقتصاد باید به -

پردازد ، بلکه باید مسائل زندگی روزمره مردم را نیز مورد توجه قرار دهد . صدر هوسی مین با تمرکز آموزش سیاسی و ایدئولوژیکی کادرها و اعضا حزب بدن توجه زیادی نمود تا روحیه و سبک کار خود را به مراحل عالی تر ارتقا دهد و خود را شایسته فسادت و رهبری خلق نمایند . در هر مرحله حساس از مبارزه انقلابی صدر هوسی مین و کمیته مرکزی مراکز آموزشی جهت تصحیح و آموزش تسخیل میدادند تا سطح سیاسی و ایدئولوژیک کادرها و اعضا حزب را بالا برند و آنها را قادر سازند تا نیازها و وظائف جدید انقلاب را برآورند . او غالباً کادرها و اعضا حزب را بطلان مارکسیسم - لنینیسم ، تحکیم موضع

پرولتریستان ، عشق بکار و رعایت شدید انضباط در کار وادار مینمود . او ما را واداشت تا از افکار بورژوازی و خرده بورژوازی ، فردگرایی دست برداریم و محسناً انقلابی ، روحیه کار جمعی ، درک تنکیذت و انضباط را در خود تقویت کنیم . او هم چنین به کادرها و اعضا حزب تاکید نمود تا دانش فرهنگی و علمی و فنی خود را بالا برند تا بدین ترتیب بهتر بتوانند در امر سازندگی ملی موثر واقع گردند . صدر هوسی مین بارها به

شعبه ها و همشه های علمی - عملی عسکدار داد و لزوم بسط عضویت دقیق حزب ، بالاخص تاکید

عمده بروی افزایش اعضا<sup>۱</sup> با اصل و نسب پرولتری را خالص ساز ساخت. و در عین حال توجه آنان را به نیروهای جدید از جمله جوانان، زنان و اغراض<sup>۲</sup> گروههای املیت و غیره جلب نمود. او به کادرها و اعضا<sup>۳</sup> حزب لزوم اتحاد وحدت نظر را یادآور شد تا آنکه حزب ما بتواند حزب پیش آهنگ قدرتمندی گردد و رهبری ضعیف ناکر و خن ما، بخاطر پیروزی ساختمان سوسیالیسم و مبارزه برای یکپارچگی مجدد کسور را بانجام رساند. او گفت:

" حزب ما بمعنی تمدن و خوبی

معنی وحدت و استقلال

معنی صلح و رفاه است."

در سیامبر سال ۱۹۶۰، سومین کنگره ملی حزب در هانوی برگزار گردید. صدر هوشی مین ضمن نطق افتتاحیه کنگره اظهار نمود: "این کنگره، کنگره سازندگی سوسیالیسم در شمال و وحدت مجدد و مسالمت آمیز تمام کشور است." او ارزیابی عمومی از دست آوردها و عوامل موفقیت آمیز ما بالاخص تغییرات عظیمی را که از کنگره ملی دوم تا آنگران در مملکت ما بوقوع پیوسته بود، به کنگره عرضه دانست. این پیروزیها صحت خط منی حزب را روشن ساخت و نشان داد که حزب ما واقعا نیاقت جلب اطمینان خلق ما، از شمال تا به جنوب، را داشته است. او رسماً سخن دووعیفه استراتژیت مرحله ای انقلاب مردم ویتنام در شمال و جنوب پرداخت و رابطه نزدیک بین انقلاب ویتنام در انقلاب جهانی را تشریح نمود. او با گرمی و علاقه فراوان احساسات سرنار از انتر-ناسیونالیسم پرولتری موجود بین کشورهای سوسیالیست و احزاب کمونیست و لادری در جهان را که مساعی خود را جهت مبارزه بخاطر صلح و امنیت مردم جهان و بخاطر سو-سیالیسم، یکی کرده اند، ستود و اظهار داشت:

" تمامی جهان از یک خانواده است

" پرولترها در هر جا برادر یکدیگرند."

صدر هوشی مین تأکید نمود که جهت تضمین پیروزی انقلاب، ما عیبت طبقاتی و پیش آهنگی حزب باید هرچه بیشتر بالا رود و کار آموزش ایدئولوژیک در حزب تشدید گردد. باید سعی فراوان شود تا از تجربیات احزاب برادر بیاوریم و آنها را خلافتانه

پایه نهادیم. او تمام حزب را به اتحاد یلپارچه دعوت نمود تا تمامی خلق را با عزمی راسخ و آغشین برای انجام وظائف عالی آینده آماده سازد. گزارش سیاسی کمیته مرکزی در کنگره بوسیله رفیق لودوان قرائت شد. گزارش سیاسی بمانند قطعنامه های مصوبه کنگره، بمانند چراغ فروزانی راه بسوی سوسیالیسم و اتحاد مجدد کشور را نشان میداد. کنگره حدود و وظائف اولین برامه ۵ ساله توسعه اقتصادی و فرهنگی، بطریقه سوسیالیستی را تصویب کرده و برای تحلیم حزب بروی پیشنهادات اتخاذ تصمیم نمود. قوانین جدید حزب از تصویب گذشت و کمیته مرکزی جدید نیز انتخاب گردید. صدر هوشی مین دوباره سمت ریاست کمیته مرکزی حزب و رفیق لودوان سمت دبیر اول کمیته مرکزی برگزیده شدند.

در پرتو قطعنامه سومین کنگره حزب، شوق و اعتماد مردم شمال بخاطر پیش راندن انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم بیش از پیش فزونی یافت و مساعی آنها در راه انقلاب سه جانبه: انقلاب در روابط تولیدی، انقلاب در امور فنی و انقلاب فرهنگی و ایدئولوژیکی دوچندان گردید. صدر هوشی مین بهمراه کمیته مرکزی حزب با زحمت زیاد به توضیح مواضع، رابطه درونی و اثرات این سه انقلاب پرداخته و حیاتی بودن انقلاب در امور فنی و تکنیکی را خاطر نشان ساختند.

صدر هوشی مین توجه خاص به انقلاب فرهنگی و ایدئولوژیکی، بمنظور تعلیم و تربیت توده های زحمتکش بانسانهایی با محسنتات سوسیالیستی، انسانهایی بسا مدارهای بالای علمی و فنی و مهارت زیاد در تولید معطوف داشت. او اظهار نمود: " برای ساختن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی، در درجه اول لازمت افراد سوسیالیست و کمونیست تربیت نمود." او بجا بیان داد که باید محسنتات انقلابی را در خود پرورش دهیم، قاطعانه بر علیه خود پرستی مبارزه نموده، روحیه مهارت هگانی و جمعی را بالا ببریم. جهت سازندگی مملکت با مساکت و صرفه جویی و ابراز جدیت پرداخته، رابطه نزدیک با توده ها را حفظ و با تمام قوا به منافع عالی انقلاب، سرزمین پدری ما خدمت نمایند. صدر هوشی مین به تعلیم و تربیت جوانان، این ادامه دهفت گسارن انقلاب، گردانندگان جامعه فردا و آموزگاران نسلهای آتی اهمیت زیادی قائل بود. بهنگام افتتاح جشن "غرس درخت-تت" در بهار سال ۱۹۶۰، او ضمن مقایسه در-خنکاری و احداث جنگل با نگهداری و توجه از "توتنهالان" ملت اضافه نمود: " همانطور که برای برآوردن احتیاجات ده ساله محتاج به درختکاری هستیم برای رفع نیازمندیهای

صدساله نیز ملزم به پیروشی انسان میباشیم" او به دل زنان ، بعنوان نیروی عظیمی در ساختمان سوسیالیسم نهایت قدر نهاد . و بغایت لزوم رعایت احترام آنان و کسر امسی داشتن مادران ویتنامی ، که قهرمانان ملی را در دامن خود پرورانده اند ، را یادآور شد . او هم چنین بزنان خاطر نشان ساخت که از مبارزه بخاطر حفظ تساوی حقوق زن مرد باز نایستند ، عقده حقارت و خود کپه بینی و در نتیجه اتکا به مردان را بدور ریزند و روحیه استقلال ، اعتماد بخود را در خود پرورانده و بعنوان بانوان مملکت ، دسین خود را نسبت به آن ادا نمایند .

در زمانیکه مردم شمال پیوسته برای ساختن زندگی ای مرفه و خوشبخت میژوشیدند ، مبارزه ویتنامیها بر علیه امپریالیسم امریکا و توکلانش در جنوب تندید بیشتر و هر روز بسا موفقیت های بیشتری رو برو میگردید . جهت استحکام بیشتر اتحاد تمامی مردم و بسیج بی- پروا تر نیروهای خلق ما در ۲۷ مارس سال ۱۹۶۴ صدر هوشی مین بمنظور انجام موفقیت آمیز وظایف فوری و مهم ، کنفرانس ویژه سیاسی را برگزار نمود .

صدر هوشی مین در گزارش به کنفرانس از مبارزات قهرمانانه مردم زحمتکش شمال بمنظور سازندگی کشور طی ده سال گذشته ، که خود مبین مزیت رژیم سوسیالیستی و مصلحتنا انگیز مبارزه میهن پرستانه هموطنان ما در جنوب بود سخن راند . به آنهایی که سخت رهبری جنبه آزادی بخش ویتنام جنوبی به پیروزیهای بزرگی نائل آمدند و با وارد آوردن صدمات فراوان به امپریالیسم امریکا و دست نشانده گانش ، خود را شایسته عنوان " دیوار سخت سرزمین پدری" ساختند ، او روحیه راسخ و سرسخت مبارزاتیان را ستوده و درود های گرم خود را نثار ارتش و مردم ویتنام جنوبی نمود . او بمنظور درجه از پیروزیهای بی درین و درختان ممالک سوسیالیستی و خلفای آسیا ، افریقا و امریای لاتین در مبارزاتشان علیه امپریالیسم بسرکردگی امریکاییان تحسین و تمجید نمود .

فراخوان او مبنی بر اینکه " بیائید تا هر کدام از ما سعی خود را در چندان ساختن و سیاسی و حق شناسی خود را به عزیزان در جنوب ابراز نمائیم " بصورت شعاری عطفی در آید که تمامی خلق ما را برای پیروزیهای بزرگتر قاطعانه به پیش راند . رهنمود های صدر هوشی مین بمنظور ساختن رژیم سوسیالیستی سالم به مردم شمال ، او را از توجه به هم میهنان- نمان در جنوب غافل نداشت . سخنان او در خاطره تمامی مردم کشور ما زنده است که می گفت " تا زمانیکه تمام مملکت متحد و یکپارچه نشده ، تا زمانیکه رنج و محنت گریبانگیر هم میهنان من است ، نه قادرم که راحت بخوابم و نه رغبت به تناول غذا دارم . " او

سپهر اراده و عزم خلق ما در پیارچه ساختن کشور بود که خود انرا چنین بیان داشت :  
" شمال و جنوب متعلق بیت خانواده اند آنها برادرانی تنی و غیر قابل جدا شدن از یک دیگرند . "

از سال ۱۹۵۴ امپریالیستهای امریکا با اجرای سیاست تجاوز و مداخله در جنوب ویتنام ، خرابکاری در فرار داد زنی - در مورد ویتنام - و وحدت کشور ما پرداختند . با برقراری حکومتی دیکتاتوری فاشیستی و دست نشانده سرکوبی و انهدام کلیه میهن پر - ستان و خواستاران صلح و دموکراسی را در سرری پروراندند ، باین امید که مردم جنوب ویتنام را بقبول سیاست نوا ستمکاری خود وادار سازند . آنها هم چنین در سرزمین دست داشتن ویتنام جنوبی دست به جنایاتی زدند که " نه ملوکوتیان و نه انبیا" بشر را یساری فراموشی است . " در بین سراسی ، برای مردم ویتنام جنوبی ، راه دیدگی بجز مبارزه مسلحانه قاطع جهت زنده ماندنشان وجود نداشت . هم میهنان ما در جنوب ، حتی در تاریک ترین دوران تئور فاشیستی رژیم وابسته به امپریالیسم امریکا ، همچنان نسبت به صدر هوشی مین ، کمیته مرکزی حزب اعتماد داشتند و افکار آنها همیشه متوجه شمال بود - سیالیت بود .

در زمانیکه دشمن دیوانه وار بسرلوب انقلاب پرداخته بود ، رهبران انقلابی در جنوب در اوقات موشی فراهم ساخته و توده عا را جهت قیام در بخشی از مناطق بسیج نمودند تا صعیف ترین حلقه دستگاه حکومتی دشمن یعنی موسساتش در نجات را در هم لوبند . در اوایل سال ۱۹۶۰ " قیام های جمعی " شروع شد که خود قدیمی بزرگ بجلو بود و در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۰ به بوجود آمدن جنبه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی منتهی گشت .

امپریالیسم امریکا از ترس مبارزات پرخروش و در حسان نیروهای مسلح خلق ویتنام در جنوب ، در اواسط سال ۱۹۶۱ " جنگ ویژه " بخشی از اشتراکزی جهانی خود را شروع نمود . با استفاده از تجربیات دوران انقلاب اوت و جنبش مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی ، خلق ویتنام جنوبی با نهایت شجاعت و قهرمانی ، مبارزه و در هم لوبیدن کلیه مانورهای دو سیه غای امپریالیسم امریکا و دست نشاندهانش پرداخت و رژیم دیکتاتوری فاشیستی دریم - نو را از پای در آورد و تجاوزبانان امریکایی را در محاصره ای عجیب گرفتار ساخت . صدر هوشی مین از نزدیک مبارزه نیروهای مسلح و خلق ویتنام جنوبی را دنبال نمود و پیوسته مشوق و حامی آنها برای نیل به پیروزی بود . او بر این عقیده



جنوب پسان تنی واحد به فراخوان او پاسخ گفته کلیه عملیات تجاوزکارانه امریالیستها ی  
امریکا دستیارانش را در هم کوبیده اند و مصمم گشته اند تا خواست صدر هوشی مین  
را تمام و کمال با تمام رسانند :

" مردم ما یکی هستند . ویتنام یکی است . خلق ما بدون شک بر کلیه مشکلات  
فاش آمده و بهر قیمتی موفق به وحدت مجدد کشور و یکپارچه نمودن شمال و جنوب می-  
گردد ."

بود که " شرایط کنونی در ویتنام جنوبی بخوبی مبین شکست بی چون و چرای امریالیسم  
امریکا در " جنگ ویزه" است و همینکه آنها در " جنگ ویزه" که فعلا در ویتنام جنوبی بآن  
دست زده اند شکست بخورند در سایر نقاط نیز آنرا خواهند باخت . این خود نشانه  
اهمیت بین المللی مبارزه مبین پرستانه هم میبماند ما در جنوب و در رابطه با جنبش-  
های آزادی بخش ملی در سطح جهانی است ."

صدر هوشی مین در طی سالیان دراز پیوسته خاطره ویتنام جنوبی را در قلب خود  
زنده داشت . عشق او نسبت به مردم ویتنام جنوبی خانصانه و بی حد و حصر و در اغلب کار-  
های او ، از علاقه و توجه عمیقش نسبت به دسته ای از کودکان جنوب گرفته تا رغبت و  
اشتیاقی که هنگام پذیرفتن درخت سیب سیروی ، اهدائی هموطنان جنوبی از خود نشان  
داد ، تجلی مینمود . هر آن خبر قتل عام هم میبمانان در جنوب را بوسیله امریا -  
لیسم امریکا و همدستانش می شنید ، اشک در چشمانش حلقه میزد و هنگامی که اولین گروه  
نمایندگی جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی را در اکتبر سال ۱۹۶۲ برای دیداری از  
شمال باگوش کشید سخت متشنج گردید . با چنین بینشی بود که در ۸ مه سال ۱۹۶۳  
بهنگام تقدیم مدال ستاره طلائی ، عالیترین مدال جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی ،  
از طرف مجلس ملی بوی، آنرا نپذیرفت و اظهار داشت که امیدوار است پس از وحدت و  
یکپارچگی جنوب و شمال چنین نشان افتخار پرارزنی از طرف مبین پرستان جنوب بسوی  
اعطا گردد .

صدر هوشی مین از هنگام مراجعت بکشور ، موقعیتی بدست نیارده بود تا عم-  
د میبمانان را در جنوب ملاقات نماید ، اما خاطره اش در قلب کلیه مبین پرستان جنوب  
از مردم شهر گرفته تا کوه نشینان بی نکوین ، از مردان و زنان زندانی در سلولهای تا-  
ریک گرفته تا مبارزین میدانهای جنگ ، جاودان و عزیز بود . کوه نشینی پیر در اردو-  
گاههای دسته جمعی ، بهنگام مرگ ، عکس صدر هوشی مین را در دستش می فشرود و  
به فرزندان و نوه هسایش توصیه می نمود تا باخر پیرو صدر هو باشند . جوان دیگری از  
اهالی جنوب بهنگام کمک به فرار کارهای انقلابی مورد اصابت گلوله دهن قرار گرفت و  
در آخرین لحظات حیاتش فریاد زنان گفت " پاینده باد عمو هو" . زن دیگری در  
مقابل جوخه آتش فریاد برآورد " صدر هوشی مین همواره در قلب ما جای دارد !" صدر  
هوشی مین به خلق ویتنام جنوبی ، قدرت ، شهامت ، و ایمان بخشیده موجب تنویر افکار  
آنها و ثبت پیروزیهای درخشان توسط آنها گردیده است . چهارده میلیون ویتنامی در

## فصل هشتم

### مقاومت ملی در قبال تجاوزات امریکائیا

(۱۹۶۹-۱۹۷۵)

امسهر یالیستهای امریکا پس از اینکه شکست در جنگ تجاوزکارانه شان را قریب الوقوت یافتند دیوانه وار حملات منهدم کننده در یبائی و هوائی خود را در شمال آغاز کرده و در جنوب بیدرتک "جنگ محدود" را جایگزین "جنگ ویژه" نمودند. آنها تصور نمودند که با این بیاران و خانه خرابیها قادرند خلق ما را بزانودر آورده و یا در اراده واضح ما برای مبارزه علیه تجاوز امریکا و رعائی منی خلقی وارد آورند. ولی چه سخت در اشتباه بودند!

برای مبارزه با شرایط بحرانی و وحشی که امپریالیستهای امریکائی با طرغها و غلطیها جدید خود فراهم آورده بودند، صدر هوشی مین و کمیته مرکزی حزب تحت هر شرایطی تصمیم به بسیج کلیه نیروهای تمامی حزب، ارتش و خلق، جهت مبارزه و شکست جنگ تجاوزی امپریالیستهای امریکا گرفته تا بدین ترتیب از شمال دفاع نمایند، جنوب را آزاد ساخته، و با باتمام رساندن انقلاب دموکراتیک ملی توده ای در سراسر ملت، در جهت وحدت و یکپارچگی مجدد سرزمین پدری کام بپردازند.

صدر هوشی مین و کمیته مرکزی متذکر گردیدند که وظیفه اساسی انقلاب در شمال بنا بر ضرورت مرحله ای، تغییر در سازماندهی و طرز تفکر بمنظور ساختن اقتصاد و تقویت دفاع ملی است، بنحویکه شمال باندازه کافی قوی گردد تا نیازهای دفاع از خود و کنگ به انقلاب در جنوب را برآورد و در عین حال به ادامه ساختن پایه های مادی و فنی سوسیالیسم به پردازد. فراخوان صدر هوشی مین: "مهم به درهم شکستن تجاوزکاران امریکائی بانسید، دوباره مانند شیپور حمله خلق ما را بخروش آورد و آنها را تخریب بایستادگی، مبارزه و دفاع از آزادی و استقلال سرزمین پدری و حفظ ارزشهای فرهنگی و معنوی خلق نمسود.

"جنگ مننست سانیان دراز ۵ سال، ۱۰ سال، ۲۰ سال و یا بیشتر عم طول بندند. هانوی، هایفونگ و چندین شهر و لارخانه منکست معدوم شوند، منتها خلسن ویتنام هرگز هراسی بخود راه نخواهد داد! هیچ چیز گرانبها نراز استقلال و آزادی نیست. بعد از پیروزی ما دوباره مللکمان را با شکوه تر و زیباتر خواهیم ساخت!"  
صدر هوشی مین سبهای زیادی را بیدار ماند و در جریان پیشروی مبارزین و انفراد درون جیبه بود و در عین حال روزانه به هزاران تار پشت جیبه رسیدگی می کرد. او به گادرها لزوم ساختن بناهکهای حملات هوائی و تخلیه و نگاهداری اطفال و افراد مسن را یادآور شد. او از محلاتی که بوسیله دشمن بیاران شده بود دیدن کرده و شاهد چگونگی برگشت مردم بزندگی عادیشان بود. او واحدهای دریائی و هوائی را مورد باز دید قرار داد و بمناسبت سال نو برای افراد صلح جیبه هدیه ارسال داشت. وی مظهر خواست و اراده آهنین و وحدت ناگسستی ارتش و خلق ما بود.

صدر هوشی مین، پایه گذار ارتش خلق ویتنام، از نزدیک شاهد رشد نیروهای ارتش خلق بود. در نخستین روزهای برقراری صلح تاکید نمود که وظیفه مشترک ارتش و خلق کوشش بمنظور تقویت نیروهای ارتش و بمنظور دفاع از سرزمین پدری و حفظ و حراست صلح است. بهمین خاطر افراد ارتش باید در امر مطالعات سیاسی و فنی با یکدیگر بر رقابت و هم چینی برخیزند، انضباط شدید و سخت گیری نسبت بخود را مری دارند. در عین حال فعالانه در کار تولیدی شرکت نموده و خانصانه خلق را در سازندگی اقتصاد و انسحکام بخشیدن به پشت جیبه یاری رسانند. صدر هوشی مین دائما با افراد ارتش سفارش نمود که برای ساختن یک ارتش منظم مدرن، باید با مطالعه عمیق و تمرین کافس، تشکک سلاحهای مدرن و وسائل جنگی را فرا گیرند و مهارت لازم را بدست آورند. به روشنی بیان میداشت که عامل اساسی در پیروزی جنگ توده ای انسان است، انسان عام مل سیاسی و معنوی خط منی بیا نمودن جنگ توده ای حزب و عامل سازماندهی نیروهای صلح خلق می باشد.

در همان نبردهای اول، قوای نظامی ما با آمادگی کامل ایدئولوژیکی، و تشکیلاتی، نظامی و مراقبتی و بیداری شدید، دشمن را شدیداً عقب راند. خط مشی جنگ توده ای که توسط حزب و صدر هوشی مین طرح گردیده بود بر اساس پایه و فرم های جدیدی به منظور مقابله با جنگ تخریبی هوائی و دریائی امپریالیستهای امریکا، رشد و تکامل یافت. بدین ترتیب که تمامی مردم را بمبارزه بر علیه هواپیماها و کشتی های جنگی دشمن، و شرکت

در کارهای دفاعی میهن، حمل و نقل، مخازن و غیره فرا خواند. بیرق مبارزه جو-  
 یانه "مصمم به درهم شکستن تجاوزکاران امریکائی باشید" که از مارس ۱۹۶۵ بعد توسط  
 صدر هوشی مین به واحدهائی که به برجسته ترین دست آورد ها در طی دوران معینسی  
 نایل میامدند، اعطا میزند، انگیزه تمامی مردم و ارتش ما برای فتوحات آتیه شان بود.  
 آنها با اراده ای آهنین، بمنظور درهم کوبیدن دشمن و حرکتی طوفانزا به پیش مصمم به  
 اجرای تعلیمات صدر هوشی مین گردیدند: "به حزب وفادار باشید، خود را وقف خلق  
 کنید، از دادن هر نوع قربانی و جنگیدن بمنظور استقلال و آزادی سرزمین پدری و سو-  
 سیالیسم نهراسید، هر وظیفه ای را انجام دهید، بر هر مشکلی فائق آئید و هرگز نترسید  
 دشمنی را نابود سازید."

با غلبه بر مشکلات دوران جنگ، ساختمان سوسیالیسم در شمال هم چنان کامپی  
 استواری بجلو برسیه است. بنامسبیل اقتصادی مان نیرومند میزند و نیروهای دفاع ملی مان  
 بسطح بسیارقی ای رشد می یافت. سیستم سوسیالیستی، امکانات نوین و منبع قدرت عظیمی  
 را برای جنگ توده ای باورمان آورده بود و میان مردم زحمتمکش وحدت سیاسی و معنوی را  
 استحکام می بخشید. حماسه قهرمانیهای بسی حد و حصر خلق ویتنام را آفرید و استعداد  
 و نیروی لایزالشان را شکوفان ساخت. سیستمی که ماحصل کارمیلینها مردم زحمتمکش و  
 نتیجه فعالیتهای دلایرانه و انجام وظائف روزمره شان بود. صدر هوشی مین باین امور  
 عطف توجه بسیاری مبدول داشته و بید رنگ بستایش آنها می پرداخت. هر چند کسه  
 فعالیت افراط، بطور فردی چندان محسوس بنظر نمی رسید ولی مبین محسنات انقلابسی  
 پر ارزش و بی شائبه سنن درخشان خلق ما بود. وی از سال ۱۹۵۹ بمنظور تشریح  
 افراد لایق و اعمال شایسته هزاران نشان حاوی عکس خود را به کلیه اقشار اجتماعی در  
 مناطق شمالی اعطاء نمود. بعلاوه بعنوان یک اقدام آموزشی دیگر، اواسط سال ۱۹۶۸  
 سیستمی را مقرر داشت که طی آن افراد شایسته و کردارهای پسندیده مورد تشویق قرار  
 میگرفت و بعنوان نمونه جای ماخذ و معیار تشریح افراد جدید - افراد سوسیالیست -  
 قلمداد میگردد. افرادی که قادرند تجاوزکاران را درهم کوبند و طبیعت را رام  
 گردانند.

در حین بتحرک در آوردن جنگ مقاومت بر علیه تجاوزکاران امریکائی، بمنظور رهائی  
 ملی، صدر هوشی مین هم چنان به آموزش کادرها، اعضاء حزب و مردم می پرداخت تا  
 محسنات انقلابی و روحیه سوسیالیستی خود را غنی تر گردانند. اوائل سال ۱۹۶۹ مقاله

مهم "به محسنات انقلابی بیافزائید و خودگراپی را از خود بزدانید"، را برشته تحریر  
 در آورد. در این مقاله او از تمامی حزب، ارتش و خلق خود خواست که مطالعه را با  
 واریسی مجدد افکار و اعمال سالهای گذشته خود توأم سازند، نکات مثبت و خوب و دست  
 آورد ها را افزایش دهند، بر نکات ضعف افکار، اخلاقیات و شیوه کار خویش غلبه نمایند  
 و بکوشند تا به پیروزیهای بیشتر در راه انقلاب نائل شوند.

صدر هوشی مین با دید رشد و تقویت مناطق وسیع پشت جبهه جنگ مقاومت بر علیه  
 تجاوزکاران امریکائی، بخاطر رهائی ملی، برای تحکیم و تکمیل روابط سوسیالیستی نویسد  
 در مناطق روستائی اهمیت بسزائی قائل بود. در آوریل ۱۹۶۹، مجلس ملی قوانین مربوط  
 به کویراتیوهای عالی کشاورزی و اجرای آنها را از تصویب گذارند. این سند مهم حاوی  
 خط، سیاسی و اصول اساسی حزب و دولت ما بر امر تضمین تصاحب جمعی کویراتیوهای  
 دهقانی بود. هنگامیکه این قوانین با اجرا در میامد بنا بدستور صدر هوشی مین، ارگان-  
 های مسئول موظف بودند تا بحث های دموکراتیک ترتیب دهند و به عقیده دهقانان گوش  
 فرا دهند و چنین احساسی را در آنها بوجود آورند که این قوانین خواست آنها و از آن  
 آنهاست. خود وی در طرح اولیه قوانین کویراتیوها تصحیحاتی بعمل آورد و بر این  
 سند که بطرز وسیع در سراسر کشور پخش می گردید مقدمه ای نگاشت. او خود از نزدیک  
 پخش و انتشار قوانین و اقدامات لازم بمنظور اجرای آنها را در مد نظر داشت و دستسور  
 داد تا کمیته های حزبی و ارگانهای دولتی در سطوح مختلف بمنظور پیاده نمودن قوانین  
 جدید از دادن کمک های لازم و مؤثر به کویراتیوها دریغ نورزند.

صدر هوشی مین، در اکتبر سال ۱۹۶۷ بناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر  
 اکتبر مقاله ای تحت عنوان "انقلاب کبیر راه آزادی خلقها را گشود" نوشت. این  
 مقاله یکی از آثار پرارزش صدر هوشی مین بشمار می رود، در طی آن وی از تجربیات غنی  
 انقلاب کبیر سخن میراند که راه آزادی خلقهای ستمدیده و بشریت را گشود و مبنا ی  
 دوران جدیدی در تاریخ، یعنی انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم و در نتیجه به  
 کمونیسم، گشت. تعالیم لنین و تجربیات غنی انقلاب اکتبر به صدر هوشی مین اصول اساسی  
 سی و قانونمندی عامی را آموخت که متضمن آزادی کامل طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده  
 است.

اینها درسهای در زمینه ساختن حزب انقلابی واقعی طبقه کارگر بودند، حزبی که  
 میبایست به چگونگی تلفیق خلق و مستقل مارکسیسم - لنینیسم بشرایط مشخص سلطت مسا

آگاه بوده و اتحاد کارگر - مدافعان را تحت رهبری حزب طبقه کارگر استخدام بخند . و سپس بر این مبنای نیروهای انقلابی و مترقی را در یک جبهه متحد ملی وسیع بر علیه دشمن مشترک گرد آورد . در مبارزه بر علیه دشمن طبقاتی و ملت باید قهر انقلابی را علیه قهر ضد - انقلابی بنادر بریم ، قدرت را بکف آورده آنرا حفظ کنیم ، مبارزه نظامی را با مبارزه سیاسی تلفیق داده و جنگ صبورانه توده ای ، طولانی و دشوار را برای شکست تجاوزکاران بیا داریم . پس از کسب قدرت ، مهمترین وظیفه طبقه کارگر ، تحکیم پیگردیکتاتوری پرولتاریا بمنظور بشرف رساندن وظایف تاریخی انقلاب است . حزب باید مدام پرچم قهرمانی انقلابی را افزاینده نگاه داشته و روحیه انقلابی سازش ناپذیر را بپروراند و برای رسیدن به استقلال ملی و سوسیالیسم تا به انتها مبارزه کند . ما باید وطن پرستی را با انترناسیونالیسم پرولتری هم در انقلاب آزادی بخش ملی و هم در انقلاب سوسیالیستی تلفیق داده و این گفته نادر و پرارزش لنین که اعلام میدارد : " پرولتاریای جهان ، خلقها و ملل ستمدیده متحد شوید ! " را بانجام رسانیم .

اینها درسهایی بودند که خلق ما در پرتو انقلاب اکبر ، وطنی مبارزات دشوار و موفقیت آمیزش بدست آورد . مقاله " انقلاب کبیر اکثر راه رعاشی خلقها را کسود " اثر بر ارزشی به گنجینه تئوریک انقلاب خلق وینتام و انقلاب جهانی افزود . این مقاله برونشی اندیشه های استراتژیکی و تاکتیکی سدر هوشی مین و خط مشی انقلاب اساسی او ، که خلق وینتام را به پیشگوه ترین دوران تاریخش ، دوران استقلال ، آزادی و سوسیالیسم سوق داد ، روشن نمود .

امپریالیستهای آمریکا از یک طرف جنگ تجاوزنازانه خویش را در وینتام تشدید نموده و وسعت می بخشیدند و از جانب دیگر ریکاکارانه از " حسن نیتان بصرای صلح " ، " تاپایشان بعد از که بدون قید و شرط " وغیره ، بمنظور فریب افکار عمومی جهان و سرمد ایالات متحده سخن میروانند . سدر هوشی مین قاطعانه برده از مانورهای مزورانه دولت آمریکا برگرفت و سیاست " مذاکره از موضع قدرت " آنرا رو نمود ؛ سیاستی که هدفش خلع سلاح اجباری خلق ما و دست برداشتن از حقوق حقه شان بود . او در نامه ای به سران دولتهای سوسیالیست و تعدادی ممالک دیگر ( بتاریخ ۲۴ ژانویه ۱۹۶۶ ) و نیز در نامه ای خطاب بمردم آمریکا در ۲۳ دسامبر ۱۹۶۶ ، تجاوز آمریکا را تنهاسا منشا " عوامل مستقیم بوجود آمدن موقعیت بحرانی در وینتام و آسیای جنوب شرقی قلمداد نمود و با استواری و در ضمن انعطاف پذیری بی مانندای موضع برحق و عادلانه خلق ما را

روشن ساخت و مکررا امپریالیستهای آمریکا را در جبهه سیاسی مورد حمله قرار داده و هر چه بیشتر و بیشتر آنها را بموضع تسلیم و پرتشانی کشاند . جنگ مقاومت خلق تا بطور روزافزونی مورد پشتیبانی افکار مترقی سراسر جهان قرار میگرفت و در خود آمریکا نیز دار - دسته حاکم و متجاوزگر ، بیش از پیش مغرور میگشت .

با بپا داشتن جنگ مقاومت بخاطر رهائی ملی بر علیه تجاوز آمریکا خلق ما در صف جبهه مبارزه طبقه کارگر و مردم جهان برای صلح و استقلال ملی ، دموکراسی و سوسیالیسم قرار گرفت . صدر هوشی مین اظهار داشت که نیروهای انقلابی و خواهان صلح در سراسر جهان از نیروهای متجاوزگر امپریالیستی قوی تر گردیده اند و تأیید نمود که " پروتئستی شکست امپریالیستهای آمریکائی در حال وقوع است ! "

صدر هوشی مین در حالیکه خلق ما را بمبارزه برای احقاق حقوق مقدس ملی شان دعوت می نمود ، پیوسته و وظائف بین المللی ما را نیز متذکر می گشت . بهمین دلیل کسک و پشتیبانی بیدریغ مردم کشورهای سوسیالیستی ، مردم جهان و افراد مترقی آمریکا شامل - مان گت و صدر هوشی مین بارها بنمایندگی از طرف مردم وینتام مراتب سیاسی و حق شناسی خود را بازای اینهمه حمایتهای مودت آمیز ابراز داشت . جبهه واحدی از مردم جهان بمنظور پشتیبانی از خلق وینتام ، و بر علیه تجاوزات آمریکا ، بوجود آمد و وینتام مسئله ضعیزهای بیدار عصر ما گردید .

دستگاه حاکم آمریکا در اول نوامبر سال ۱۹۶۸ ، پس از عقب نشینی های سخت در هر دو ناحیه کشور ما ، مجبور شد بدون هیچ قید و شرط بمباران تمامی خاک جمهوری دموکراتیک وینتام شمالی خاتمه داده و در پاریس با نمایندگان آن و نمایندگان جبهه متحد آزادی بخش ملی وینتام جنوبی در گفتگوس چهار جانبه ای حاضر بمذاکره گسرد . پس از چهارسال مبارزه بی نهایت قهرمانانه ، ارتش و خلق ما به پیروزی عظیمی نائل شده و جنگ خرابکارانه امپریالیستهای آمریکا در شمال مملکت ما بشکست انجامیده بود . بنا به اظهار سدر هوشی مین " این پیروزی خط صحیح انقلابی حزب ما ، پیروزی مبین بر - سنی انشین ما ، اتحاد و عزم راسخ به مبارزه جهت پیروزی خلق ما و پیروزی رژیم سوسیالیستی سالم ماست . این پیروزی مشترک نیروهای مسلح و خلق ما در دو منطقه شمال و جنوب و هم چنین پیروزی مردم ممالک برادر و دوستان ما در سراسر جهان است . " صدر هوشی مین از ارتش و خلق ما در هر دو ناحیه شمال و جنوب دعوت نمود تا به بیداری خود افزوده ، نیرویشان را تقویت بخشند ، بحملاتی بی درین دست زده و به پیروزی

نهایی نائل آید. " تا زمانیکه در سرزمین ما حتی یک تجاوزکار باقی مانده باید عدم چنان به بارزه ادامه دهیم و او را محو و نابود سازیم. "

امپریالیستهای امریکائی به هنگام بیادداشتن جنگ تخریبی در شمال ، جنگ تجاوز - کارانه خویش را در جنوب بطور بیسابقه ای شدت بخشیدند . معذالک خلق ویتنام جنوبی استوارانه ایستادگی کردند و موضع تهاجمی خود را وسعت بیشتر بحثیدند و پیروزمندانه کلیه حملات ضد تهاجمی استراتژیکی دشمن را در هم کوبیدند . صدر عسو شی مین با اطمینان به عزم راسخ خلق ما به فائق آمدن به لشکرهای اعزامی امریکا اضا ر نمود " حتی اگر قرار باشد امریکائیکها صدها هزار سرباز دیگر را با تمام سپاهیان بیشتر از ملائک آقاری خود ، باین جنگ جنایتکارانه فرا خوانند ، ارتش و خلق ما آنها را تار و مار خواهند کرد . "

در ماه اوت سال ۱۹۶۷ ، کنگره فوق العاده جبهه متحد آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی برگزار کردید و برنامه سیاسی خود را بمنظور توسعه هر چه بیشتر جبهه متحد ملی ، علیه تجاوز امریکا و نیل به پیروزی کامل انقلاب خلق ویتنام جنوبی ، را مورد تصویب قرار داد . صدر هوشی مین ضمن تبریک باین رویداد سیاسی اظهار داشت " این برنامه ای جهت برقراری اتحاد وسیع و همه جانبه در سطح ملی است ، برنامه ای که مبارزه قاطع ، برای درهم شکستن کامل خائنین ، تجاوزکاران امریکائی و دست نشاندهگان آنها را طلب می کند . " تمامی پیروسه رشد مبارزات خلق ما طی مراحل مختلفی به حصول نتایج های عمومی تت سال ماوتان ( اواطل ۱۹۶۸ ) منجر گشت که دنیا را تکان داد . هم چنان که صدر هوشی مین طی شادمانهای سال نو خود اظهار داشته بود " این بهار ، بهار سالهای گذشته را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد . " ارتش و خلق ویتنام جنوبی ، صدمات فراوان به نیروهای امریکا و نیروهای مزدور وارد آوردند و پیروزیهای درخشان و بی نظیری را در کلیه زمینه ها نصیب خود نمود و نقطه عطفی را در جنگ بزرگ مقاومت خلق ما بجای گذاردند .

نقطه اوج این قیام ما ، و حملات تهاجمی با پیوند آمدن اتحاد نیروهای ملیسی دموکراتیک و خواهان صلح ویتنام توام بود که صدر عسو مین از آن بعنوان " پیروزی عظیم سیاست وحدت ملی ، بر ضد تجاوز امریکا و امرهائی ملی است که خود ماهیت حقیقی امپریالیستهای امریکائی و دست نشاندهگان را ، بعنوان متجاوزین و جنایتکاران ، افتاء نموده و هر چه بیشتر بانفردان شان می کشاند . " یاد نمود .

ارتش و خلق ویتنام جنوبی طی حملات خود همچنان به پیروزیهای درخشان نایل میامد و مواضع استراتژیکی دشمن را در هم کوبیده و آنها را هر چه بیشتر به موضع دفاعی و غیر فعال میکشاند ، از هر طرف محاصره شان کرده و مورد حمله قرار میداد . درخشم ماه ژوئن سال ۱۹۶۹ بنا به نیازهای پرمطمه جنگ مقاومت و خواسته های تمامی خلق ، نیروهای میهن پرست ، کنگره نمایندگان خلق ویتنام جنوبی را منعقد نموده و حکومت انقلابی جمهوری موقت ویتنام جنوبی و شورای مشورت دولتی را انتخاب نمودند . صدر

هوشی مین و نخست وزیر ، طی پیام مورخه یازدهم ژوئن ۱۹۶۹ خود ، بنمایندگی از طرف حکومت جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی درود های گرم خود را به حکومت انقلابی موقت و شورای مسویتی ابراز داشتند : " برگزاری کنگره نمایندگان خلق ویتنام جنوبی و بوجود آمدن قدرت انقلابی در سرتاسر خات ویتنام جنوبی گواه براینست که هم وطنان ما در جنوب مصمم به تحکیم اتحاد خویشند و برای حاکم شدن بسرنوشت خود پیگیرانه مبارزه ادامه میدهند ، شرایط مساعد نوینی را فراهم آورده و در راه پیروزی نام کام بر میدارند . " این واقعه مهم تاریخی موجب سرور و شادمانی هم وطنان ما در داخل و در خارج و تقویت بیشتر اعتمادشان میشود . برادران و دوستان ما در سراسر جهان هر روز بماند پشتیبانی بیشتری میدهند . "

صدر عسو مین از پیروزیهای درخشان خلق و ارتش ما ، طی سالهای متمادی میاید - رزه ای منحور از سختیها و قربانیهای بی شمار اوزنیای ارزنده ای را ارائه داد : " در شرایطی مساعد جنبش های انقلابی عصر کنونی ، هر طبعی هر قدر هم کوچک ، منتها با اتحادی فشرده و مبارزاتی قاطع بر مبنای خط سیاسی و نظامی صحیح ، می تواند یا کمک و پشتیبانی قمان اردوگاه سوسیالیست و مردم انقلابی جهان هر گونه متجاوزین امپریالیستین را از جمله سرکرده آنها امپریالیستهای امریکا را درهم شکند . "

مبارزه خلق ما باز هم با مشکلات و نابسامانیهای فراوانی روبرو خواهد بود . جنگ ، خونریزی و فسادات طبیعت دستگاه حکومتی نیکسون است . باید تمامی حزب ، ارتش و خلق ما وحدت خود را تحکیم بخشند و به بیداری انقلابی خود بیا فرزاید ، روحیه مبارزه - جویانه اس را تقویت نموده و بیکمرا نه جنگ ، مقاومت را تا پیروزی کامل به پیش رانند . در فراوان بیستم ژوئیه سال ۱۹۶۹ صدر عسو مین چنین می خوانیم :

" ننگ امپریالیستهای امریکائی بر ما روشن است ، معذالک آنها از نقشه ها و بوغله های شرارت آمیز خویش بعمور ماندن در جنوب کشور ما دست برداشته اند .

ارتش و خلق ما چون تنی واحد ایستادگی می‌نند و با ابراز سجاعت انقلابی، نهراسید از سختیها و دادن قربانیها مصمم به پیش بردن ادامه جنگ مقاومت است. تا زمانی که آخرین سرباز امریکائی سرزمین ما را ترک نکرده و تا زمانی که ارتش و حکومت وابسته به امریکا کاملا در هم کوبیده نشده، بنظر آزاد کردن جنوب، دفاع از شمال و پیش‌راندن در جهت وحدت و یکپارچگی مسالمت‌آمیز کل کشور مبارزه ادامه خواهیم داد."

## فصل نهم

### خاطره عمو هو در قلوب ما جاودانی است ( در این بخش تلخیص متن اصلی آورده شده است )

هنگامیکه مبارزه مردم ما علیه تجاوز امریکا در جنوب و شمال، بدست‌آوردهای شگرفی نائل میامد، خبر تأثر آور ابتلا به بیماری صدر هوشی مین منتشر گردید. در اواخر زندگیش، با وجود علیلی و کبر سن، در کمال استواری و روشن بینی، نقش رهبری خود را در حزب و دولت بخوبی ایفا نمود. اما در سال ۱۹۶۹، سلامتی اش بجهت سرعت رو به ناسازگاری گذاشت. هنگامیکه دچار بیماری گردید، کمیته مرکزی حزب آنچه در قدرت داشت بکار گرفت تا بهترین وسایل مواظبت از وی را فراهم آورد و شب و روز، پزشکان و متخصصین بی‌الینش حضور یافتند. در حالیکه کارها و خلقی ما همراه بسا دوستان ما در سراسر جهان به بهبودی هرچه زودتر وی امیدوار بودند، در سپید بدم چهارم سپتامبر سال ۱۹۶۹، اعلامیه مخصوص جلسه مشترک کمیته مرکزی حزب، کمیته اجرایی مجلس ملی، شورای دولتی و پرنسپل یوم کمیته مرکزی جبهه سرزمین پدی ویتنام انتشار یافت، که حاوی خبر اسف انگیزی بود: صدر هوشی مین در ساعت ۹ و ۴۷ دقیقه بامداد روز سوم سپتامبر سال ۱۹۶۹، بدنبال حمله قلبی شدید در سن هفتاد و نه سالگی دیده از جهان فرویست.

ملت ما باحداشد جانگذا و فقدان جبران ناپذیری روبرو گردید. کمیته مرکزی حزب فراخوانی را صادر نمود که طی آن از تمامی حزب، ارتش و خلقی دعوت مینمود تا تأثر و تألم خود را به اعمال انقلابی بدل سازند، استوارانه به پیش گام بردارند و وظائف خود را بانجام رسانند تا بدین طریق عشق و علاقه و سیاس عمیق خود را به صدر هوشی مین مؤثرتر ابراز نمایند. بیوگرافی مختصر صدر هوشی مین و فراخوان کمیته مرکزی حزب ما را در درک نقش بس عظیم صدر هوشی مین یاری رساند و بما راهی را نشان داد تا مساعی مان را به

منظور تحقق بخشیدن بآرمانها و منویات و الایش مصروف، نمانیم . در فراخوان چنین می خوانیم :

" میهن پرست کبیر ، شاگرد صدیق و وفادار کارل مارکس و ولادیمیر ا. لنین ، رفیق هوشی مین علم مبارزه آشتی ناپذیر علیه امپریالیسم را عموماً بیا دانست ، و ناموسی زندگی خود را وقف آزادی طبقه کارگر ، میهن و بشریت ، استقلال و آزادی ، سوسیالیسم و کمونیسم نمود . او پرچم استقلال و حاکمیت ملی را در اعتراض نگهداشت ، خلافتانه مارکسیسم - لنینیسم را در شرایط مشخص میهن ما پیاده نموده و دقیقاً مبین پرستی واقعی را با انترناسیونالیسم پرولتری در هم آمیخت . او مظهر تلفیق عالیترین سخن میهن ما و بینامیها با اصولی ترین ایده‌نولوژی انقلابی عصر ما ، مارکسیسم - لنینیسم بود .

" سراسر زندگی او نمونه درخشانی از قهرمانی انقلابی ، هم بستگی مبارزه جو ، سادگی وی بی‌پیرایی ، صداقت ، جدیت ، اسماک و صرفه جویی ، استواری ، درستی ، فداکاری همه جانبه در قبال منافع عموم و فراتر نامن از خود بود . وی از نزدیکان بسیار موفقیت‌های با شکوه و چشم گیر انقلاب و بینام ، حتی از زمان پیدایش حزب ما ، در رابطه بود و نام وی زینت بخی درخشانترین دوران تاریخ ملت و بینام است ."

کمیسرین تشییع جنازه رسمی لودوان ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب تعیین شد و کمیسیون هفتگه ( چهارم تا دهم سپتامبر ۱۹۶۶ ) را هفته برگزاری مراسم یاد بود در سراسر مملکت اعلام نمود و مراسم تدفین صدر هوشی مین را با جلوه ترین و مجلل ترین تشریفات برگزار ساخت .

تمامی خلق ما از شمال تا جنوب از دلنا تا مناطق دوهستانی ، صرفهتر از سن ، ملیت و اعتقادات مذهبی ، عمیقاً متأثر و متألم بودند . در آخرین ادای اسرام کمیته مرکزی حزب چنین می خوانیم :

" میهن ما ، خلق ما و سرزمین ما ، صدر هوشی مین ، قهرمان کبیر ملی را در دامن خود پروراند و او بنوبه خود نمز شکوه و جلال برای آنها بارمعان آورد . " صدر هوشی مین بارزبشهای معنوی ملت و بینام روح دمیده بود . امر رعنائی ملی و اسماک و سواری نزدیک به یک قرن اسارت ملی را زدود و پرچم دار آزادی خلق رجمشتر ما گردید . برای اولین بار در تاریخ و بینام ، مردم نیمه شمالی مملکت ما گویه بند های ستم و استعمار را را گسستند و اکنون در حال ساختمان سوسیالیسم اند . در وجود او دربار و گفتار انسانی

و فضائل پسندیده خلاصه می شد .

بهمراه خلق ما ، بشریت مترقی سراسر گیتی نیز ضمن ابراز تأسف از این رخداد نامیوم ، علاقه و محبت عمیق خود را نسبت به صدر هوشی مین ابراز داشتند ، بسا خلق ما همدرد شد و سوگواری نمود . هیئت های نمایندگسی بیش از چهل کشور خارجی در مراسم تشییع جنازه اش شرکت جستند . غانوی بیش از بیست و دو هزار تلگرافام معدردی از ۱۲۱ کشور دریافت کرد و مراسم یاد بود هوشی مین کبیر در بسیاری از کشورهای جهان برگزار گردید . چنین احساسات سرشاری ، خود حاکی از این است کهسه اعمال انقلابی صدر هوشی مین با دست آورد های حزب ما ، مردم ما و مبارزه شجاعانه ملت و بینام و نسب پیروزیهای درخشان آن در رابطه بسیار نزدیک بوده ، و بیانگر سیرت جسته ای از مبارزه بخاطر آزادی ملی ، استقلال و آزادی ، و سوسیالیسم است . نقش بسیار ارزنده او در انقلاب جهانی و جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی ، فضاگس حمیده ، بزرگ منسی و عواضعی پایانتش نسبت به برادران و دوستان ما در سراسرجهت او را مورد احترام عمیق فرار دان .

زندگی منزله وی الایشرا سی نظیر و محسنات و سبت لارش الگوی زندگی و فعالیت های مبارزین انقلابی است . تا آنجا که حتی دشمنانش روحیه و صفات پسندیده و کار انقلابی را بدیده احترام نکرستند .

در روز نهم سپتامبر ۱۹۶۶ ، مراسم یاد بود صدر هوشی مین با شکوه و آئینی بس عظیم و مجلل در میدان با دین غنائی ، برگزار گردید و بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ نفر شاهد برگزاری تشریفات بودند . رفیق لودوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب ، متن آخرین ادای احترام کمیته مرکزی حزب و وصیت نامه صدر هوشی مین را قرائت نمود .

صدر هوشی مین بهنگام ترک ما وصیت نامه تاریخی خود را ، که حاوی آخرین سفارشات و توصیه عایش بود ، بجا گذاشت که خود مبین عشق عمیق و عقیده راسخ وی به حزب ما ، خلق ما و نسلهای آینده ما است . وصیت نامه او انعکاسی از احساس مسئولیت عظیم و توجه عمیق او به آینده ما ، اردوی ما و بشریت است .

وصیت نامه او حاوی نظریه جامع وظایف استراتژیکی انقلاب و بینام و بیان دارنده مسائل جاری است که حزب و خلق ما باید وجهه عمت خود قرار دهند تا امر انقلابی خود را بسرانجام رسانند . وصیت نامه خود در بردارنده نیروی شگرفی است که خواست و اراده آتمنین مبارزه تا باآخر ، بخاطر آزادی ملی ، وحدت دو پاره میهن را بیان می

دارد. بی جهت نیست که با چنین عباراتی آغاز میکرد: "حتی اگر قرار باشد مبارزه خلق ما علیه تجاوز آمریکا برای رهائی ملی از پیچ و خم‌ها و دشواریها، توأم با قربانی‌های بیشتری بگذرد، ما مصمم بکسب پیروزی کامل هستیم". مقدم بر همه چیز وی نقش حزب ما را در تمدن نمودن، سازمان دادن و رهبری کردن خلق ما در مبارزه‌ای پیروز-مند تأکید می‌نماید. او توصیه می‌کند که ما باید سنت وحدت درون حزب را بر مبنا ی "برقراری دموکراسی وسیع و انجام انتقاد و انتقاد از خود منظم و جدی" حفظ نماییم. حزب ما چیزی برسر قدرت است؛ هرگز دارد، هر عضو جدید باید "کاملاً سرشار از روحیه انقلابی بوده و جدیت، امساک، درستی، استواری، فداکاری در راه منافع خلقت و فرغت کامل از خود، را پیشه خویش نماید. حزب ما باید مطلقاً سلامت و پایداری خود را حفظ نمود و رسالت پرارزش خود را بعنوان رهبر و خادم صدیق خلق، با ثبات بپسه رساند".

با بزل توجه مدام به "پرورش نسلهای انقلابی آینده" به تعلیم و آموزش جوانان، جاننشینان آینده ما، سازندگان سوسیالیسم فردا، اعم از "سرج" و "متخصص" اهمیت خصوصی قائل بود.

ایمان قلبی خود را بپهرمانیها، شجاعتها، شور و شوق‌ها و جدیت‌های خلق ما اظهار می‌نماید و بهما خاطر نشان میسازد که حزب ما "باید طرحهای پیچیده و توسعه اقتصادی و فرهنگی را تا آنجا که شرایط زندگی خلق ما را بهبود بخشد مرحله اجسرا در آورد".

پیش‌بینی او در رابطه با مبارزه ما علیه تجاوز آمریکا، در راه رهائی ملی، چنین است:

"این مبارزه ممکن است سالها طول بکشد. امکان دارد خلق ما مجبور بکشد گذشتن از مرارت‌ها، دشواریها و فداکاریهای بیشتر باشد". معبدا، مؤکد میدارد که "هر چه اتفاق افتد، باید در تصمیم خود پایدار باشیم و مبارزه علیه تجاوزداران امر-نیائی را تا پیروزی نهائی ادامه دهیم".

"کوه‌های ما همیشه پابرجا، رودهای ما پیوسته جاری، خلق ما ابدی و درخشان، متجاوزین آمریکائی شکست خورده و ما سرزمین خود را در همسایری زاریتار از نو بنا خواهیم ساخت".

اینها سفارشات مبهم وی به حزب ما و فراخوانهای جدی و پرتیر او به تمامی

حزب، ارتس و خلق ما می‌باشند که تا در رقابت و دم چشمی مبین پرستانه، شکست دادن کامل تجاوزکاران امریکائی، ساختمان پیروزیند سوسیالیسم در شمال، درک و بینائی صلح طلب، یکپارچه، مستقل، دموکراتیک و معاد تنفند، بکار آیند و در مبارزه مردم جهان بخاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم نقشی ایفا نمایند. در آخرین لحظات حیاتش، نگران مسئولیت خویش در قبال جنبش کمونیستی و کارگری بین‌المللی و خانواده بگبیر سوسیالیسم بود و توصیه می‌نماید که حزب ما بسایسد "از صمیم قلب منتها کوشش خود را بخاطر احیاء وحدت میان احزاب برادر بر مبنای مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بطریقی منطقی و بندجوی مؤثر بکار برد".

صدر هوشی مین در نیازا با خاطری آسوده ترک گفت، و ابداً جای هیچگونه غبطه و کمبودی باقی نگذاشت، دوران زندگی در کمال فداکاری در راه منافع خلق و نهایت فرغت از خود، با منتها سادگی و بی‌آلایشی و امساک سیری گشت. تنها از ایمن بابت متأسف بود که پیش از این نتوانسته بود بسرزمین پدری، انقلاب و مردم خدمت نماید. بهنگام ترک ما عواطف سرشار و بی‌شائبه "عشق فراوان به تمامی خلق، حزب، ارتس، جوانان و کودکان" خود را برای ما بارت گذاشت.

وصیت‌نامه اش، سندی زنده با محتوی عالی و ماهیتی اصولی، جهان بینسی‌ای علمی مارکسیست-لنینیستی و دیدی کمونیستی نسبت بدنیاست. که خود تبلوری جامع از اندیشه صدر هوشی مین، محسنات و سبک کار وی میباشد. وصیت‌نامه نمونه ساز و درخشان است. در نظر ما جلوه گر میسازد تا همیشه معیارش بدانیم و پیروش باشیم. بسان تازیانه‌ای میماند که بر پیکر دشمنان ما فرود میاید و از ترس لرزه بر اندامشان میاندازد. دشمنانی که باین امید واهی اند، تا در صفوف حزب و مردم ما انشعاب و لغزشاتش بیایند. ولی در عوض در مقابل آنها با برج و بارویی پولادین خواهد بود که از ملتی ساخته شده که قدرت و توانائی معجزه گرین با عشق و سیاستش به صدر هوشی مین رشد و تکامل یافته و با اتحاد و مبارزه اس مصمم است تا منویات مقدس وی را به تحقق در آورد.

آخرین ادای احترام کمیته مرکزی حزب با عباراتی کهنه و اسف انگیز آغاز میگردد: "صدر محبوب و مورد احترام ما دیگر در میان ما نیست!"

"این فقدان جبران ناپذیری است! سوگ و اندوه ما بی انتهاست!"

بنماینده‌ای از طرف تمامی مردم، حزب و ارتس رفیق لودوان سوگندنامه زیر را

قرائت نمود.



۱ - تا ابد پرچم استقلال ملی را افزاشته نگه داریم ، با متجاوزین امپریالیستی مبارزه کرده و آنها را در غم شکنیم ، جنوب را آزاد کرده ، از شمال دفاع نموده و کشور را متحد گردانیم تا با آزوری قلبی صدر عوسنی مین تحقق بخشم.

۲ - منتها قدرت خویش را در تحقق ایده های والای سوسیالیسم و کمونیسم به کار گیریم ، هدف مطلق را که وی به طبقه کارگر و مردم ما نشان داد تا سرزمین ما ن را شاد و با هم میهنانمان را خوشبخت گرداند .

۳ - از صمیم قلب و با منتها قدرت خویش از وحدت و همبستگی حزب ، چگون مردمک چشم خود حفاظت کنیم ، توان مبارزاتی آنها تقویت نموده ، و به عهده مرکزی وحدت و هم بستگی ملی تبدیلش سازیم تا بدین طریق پیروزی کامل امر انقلابی طبقه کارگر و ملت ویتنام را تضمین نمائیم .

۴ - احساسات پاک انترناسیونالیستی را آنطور که صدر عوسنی مین سمبول آن بود ، پرورش دهیم و نهایت سعی خود را در احیاء و تقویت هم بستگی و وحدت اردوگاه سوسیالیسم و احزاب برادر بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بنگار بریم ، پیوند هم بستگی و دوستی میان خلقهای هندوچین را مستحکم گردانیم ، و با تمام قدرتمان از جنبش انقلابی خلقهای پشتیبانی نمائیم و فعالانه در مبارزه خلقهای جهان - بخاطر صلح ، استقلال ملی ، دموکراسی و سوسیالیسم ، شرکت نمائیم .

۵ - در طول حیات عمرمان از سین کار و محاسن حمیده او بیاموزیم ، محسنات انقلابی را پرورش داده از سختیها و قربانیها نهراسیم ، خود را ابدی دیده گردانیم تا مبارزین صادقی حزب و خلق رفیق و شاکر از لاین صدر عوسنی مین گردیم . تمامی خلقی و جوانان ما ، با پیروی از وی پیمان می بندند تا آنجا که در توان دارند بنگار گیرند تا با انسانی نوین ، حاکم بر سرنروست کشور خویش و جامعه نوین ، بدل شوند ، انسانی که درفش برافراشته صدر عوسنی مین را تا نایل به هدف نهائی بر زمین نهد .

تمام شهر خانوی و میدان با دین با فریاد های " پیمان می بندیم ! " بلرزند در آمد .  
 با اجراء مفاد سوگند نامه تمام حزب ، ارتش و خلقی ما وصیت نامه مقدس صد همسو سنی مین را بعمل در خواهد آورد و راه او را ادامه خواهد داد . در آخر سرین ادای احترام کمیته مرکزی حزب چنین می خوانیم :

" صدر عوسنی مین دیگر در میان ما نیست ! اما از او مرآت فواید انعامه گردانیم -  
 بی بجا مانده است . عصر ما ، عصر عوسنی مین و نابناک ترین دوران تاریخی پر حیات ویتنام -

عصر استقلال و آزادی سرزمین پدوی ، عصر برقراری سوسیالیسم در مین ماست .  
 ۱ - اگر بیه او دنیا را بداع بخت ، محسدا عوام منضم پیروزی نهائی انقلاب ویتنام ، و رهبرانی را که خود پرورده و آموزانده بود ، رفقای نزدیک هم رزم و شاکردان لایقش ، کرانه پاترین کجینه شوربکی و آید نولوزینی ، آثار جمع بندی شده تجربیات عتی انقلاب ویتنام در نیمه قرن گذشته از او بجا ماند .

صدر عوسنی مین در قلوب خلقی ما و مردم جهان و در کنار امر انقلابی آنها تا ابد زنده خواهد بود .

صن اندوه و نالم فراوان ، وظیفه حزب و مردم ما بیش از پیش روشنتر میگردد که هر چه بیشتر بپوشند تا خود را لایق کردار و گفتار صدر عوسنی مین گردانند : " هر چه فتنه در ترک بدست میزنی سرب کرد آئیم ، مصمم به تحقق در آوردن وصیت نامه صدر عوسنی مین بانسیم ، مبارزه علیه تجاوز امریکا ، بخاطر رعاشی ملی را بجا داشته و بروی آن بافشاری نمائیم ، جنوب را آزاد گردانیم ، از شمال دفاع کنیم ، بسوی وحدت مسجد مین قدم برداریم ، امر ساختمان سوسیالیسم در شمال را به پیش رانیم و به امر انقلابی مردم و طبقه کارگر جهان کمت رسانیم . " ( رهنمود دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۹ )

بدینسان در گذشت صدر عوسنی مین ، دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب مصمم براین شد که امر مطالبه و بعمل در آوردن وصیت نامه وی را سازماندهی دهد ، با این منظور که خلقی ما را وارث تا عمر چه عمیق تر به دست آورد های شکرش و خصائص پاک و بسبی معنای انقلابی مین بیرون و بدینوسیله افتخار ، اعتماد و عزم خود را بمشور ادامه امر انقلابی فریبی بخشد .

نیروهای مسلح و مردم ویتنام جنوبی غم و سوگ خود را به عمل انقلابی مبدل ساختند . و عهد و پیمان بستند تا اتحاد خود را تقویت بخشد و برای محو و نابودی تجاروکاران امپریالیست امریکا و دست نشانگان آنها به پیش نازند ، طری " ویتنامی نمودن " جنگ امریکائیها را نقش بر آب نمایند ، جنوب را آزاد و به وحدت دوباره سرزمین پدوی تحقق بخشد .

در عوس غم و اندوه ، اعمال انقلابی مردم ویتنام شمالی شکوفاتر گردیده و در رقاب بت و هم چینی مین پرستانه خود به پیش می نازند تا محاصل و بازدهی کار تولیدی خود را فریبی بخشد . بسازندگی و دفاع از سوسیالیسم در شمال ادامه میدهند و دوش به

دوش هم میهنان جنوبی خود علیه تجاوز امریکا بخاطر رهائی ملی به وظیفه خود، بعنوان  
سوزمین وسیع پشت جبهه در خدمت جبهه وسیع مبارزه قهرمانانه، تحقق می بخشند .  
ضمن اندوه و تالم بی پایان مرگ صدر هوشی مین بیائید عهد و متیای به بندیم تا منویات  
غائی او را به تحقق در آوریم : " بگذار تمامی حزب و خلق ما فشرده تر صاعی خود را  
یکجا نموده ، ویتنامی د مولر انیک ، سنقل ، یکپارچه ، صلح طلب و سعادت مند بنما  
سازند و نقش پر ارزش خود را در انقلاب جهانی ایفاء نمایند ."

www.iran-archive.com